



حزب توده ایران
به روایت
حزب توده ایران

در مسیر انقلاب
پا به پای روزنامه «نامه مردم»
ارگان حزب توده ایران



گردآورده و ناشر
ایرج هاشمی زاده

قیمت: ۷ یورو (بابت مخارج فتوکپی و صحافی)
شمارگان: 100 نسخه

فهرست

صفحه ۱	چندکلمه حرف حساب!
صفحه ۶	بخش اول: اندریاب بر خورد دموکراتیک با ساینیروها!
صفحه ۱۹	بخش دوم: اندریاب امپریالیسم جهانخوار امریکا!
صفحه ۲۵	بخش سوم: اندریاب ساواک واردگاه های کار اجباری!
صفحه ۲۸	بخش چهارم: اندریاب پند و راهنمایی و راه گشائی!
صفحه ۳۲	بخش پنجم: اندریاب واقع نگری، از جمله سینما رکس
صفحه ۴۲	بخش ششم: اندریاب حقیقت و انسانیت!
صفحه ۴۴	بخش هفتم: اندریاب هنر کرنش!
صفحه ۶۰	بخش هشتم: اندریاب هنر خبرچینی!
صفحه ۶۲	بخش نهم: اندریاب ادبیات توده ای!
صفحه ۷۰	بخش دهم: اندریاب هنر شوخی با تاریخ!
صفحه ۷۱	بخش یازدهم: اندریاب پایان خواب و خیال « پدرکیا»
صفحه ۷۹	بخش دوازدهم: آخر خط!



چند کلمه حرف حساب !

گفتند که حرف تو حساب است
افسوس که ضد انقلاب است
هادی خرسندی

در جوامع دموکراتیک اگر سیاستمداری - در قدرت و در اپوزیسیون - خلاف عرف اجتماع سخنی بگوید، یا در زندگی خصوصی دست به عملی خلاف اخلاق حاکم بر جامعه بزند، با طوفانی از اعتراض احزاب، مطبوعات و یاران خود روبرو میشود و بیش از یک هفته ای طول نمیکشد که خواسته و ناخواسته به خطایش پی میبرد، اعتراف میکند، عذر میخواهد، خداحافظی میکند و برای همیشه صحنه سیاست را ترک میکند
این بازی دموکراسی است . و این بازی چقدر زیبا و سالم برای رشد دموکراسی است !
در جوامع استبدادی، سیاستمداران و رهبران اپوزیسیون هیچگاه اشتباه نمیکند، در فرهنگ این جوامع - با عرض معذرت - اشتباه کار خراست !!
کارنامه سیاستمداران نشسته بر صندلی قدرت روشن است. از قلدرو مستبد که نمیتوان انتظار عذرخواهی و استعفا داشت!

مشکل این جوامع نیروهای « اپوزیسیون » اند.
در انقلاب ۱۳۵۷ شمسی همه سازمان های سیاسی از فدائیان خلق - اکثریت و اقلیت - مائونیست ها، کنفدراسیون چی ها گرفته تا حزب توده ایران، جبهه ملی ، سوسیالیست ها، مجاهدین خلق، نهضت آزادی و و همه بدون چون و چرا، بدون یک کلمه کم یا زیاد ، گردن به رهبری « امام خمینی » نهادند، همه فریاد «

مرگ بر شاه»، «بختیار نوکری اختیار» سردادند ورژیم «سفاک و جیره خوار امپریالیسم» و شاه «سگ زنجیری امپریالیسم امریکا» را درزبانه دان تاریخ انداختند.

«دیو» را بردند و «فرشته» را آوردند.

و مردم، زن و مرد، دانشجو و کارمند دولت، تاریک فکرو شبیه روشنفکر، مذهبی و لامذهبی سر از پیر خیابان ها شدند، دختران و زنان مینی پوش بدویدو، چارقد بستروی صف متینگ ملاها جاز باز کردند، توده ای ها به مسجد رفتند، جبهه ای ها تسبیح بدست گرفتند، سوسیالیست ها یواشکی عکس خلیل ملکی را از طاقچه اطاق در صندوقچه خانه قایم کردند. ۲۰/۳۰ نماینده مجلس شورای ملی و سنا که از غربال ساواک برصندلی های مجلس و سنا خزیده بودند؛ چون عروسک های کوکی پشت تریبون مجلس و سنا از ظلم و ستم شاهی داد سخن سردادند.

«شهرستانی» شهردار تهران از مقامش استعفا داد و حاضر نشد بیش از این ظلم و ستم شاهی را تحمل کند. کارمندان دولت، روزنامه نگاران، رادیو و تلویزیون تمرین اعتصاب کردند، طبقه مرفه و غرق در ناز و نعمت همگی بدون استثنا، یکی پس از دیگری به نیس و لندن فرار کردند و در ویلاهای زیبای پیرشکوه خود در انتظار نشستند تا پس از کودتای «ارتش غیور» به وطن بازگردند و دوباره آقای کنند.

همافران و نظامیان جوان بایکی دوستاره فسقل برپاگون، از دانشکده افسری راهی حوزه علمیه قم شدند. بوی خون و کفن، بوی تزویر و تقیه، بوی نعلین و تسبیح در هوای تهران، اصفهان و شیراز و پخش بود. رفیقم (!) توده ای؛ بساز و بفروش و حمال جهل و نادانی، چون سایر رفقاییش به پیروی از «رفیق کیا» بی صبرانه انتظار «گاندی ایران» را از پاریس میکشید.

«گاندی» که بر کرسی قدرت نشست و خوش رقصی های «پدرکیا» تعطیل شد، سه سالی را در زندان «گاندی» آب خنک نوشید!

هشدار بختیار از دیکتاتوری نعلین در امواج طوفانی که سرتاسر ایران را فرا گرفته بود، نه تنها انعکاسی نیافت، حسین مکی در مقاله ای در «آیندگان» او را بر طبق «اسناد موجود، جاسوس انگلیس» خواند، چپی ها دشنامش دادند، جبهه ملی از خانه بیرونش کرد، دست راستی ها متهمش کردند که نقش بازی میکند و باعث خروج شاه از کشور شده و در خفا با روحانیون مشغول لاس زدن است

(تنها یک زن - و چه زن شجاعی! - مهشید امیرشاهی در آن جو ترور فریاد سرداد: چرا کسی به کمک بختیار نمی آید؟)

با شروع امامت امام خمینی و پیاده شدن «اسلام نه یک کلمه بیشتر و نه یک کلمه کمتر» و آغاز اعدام ها و تعطیل روزنامه ها و پر شدن زندان ها، کم کم واقعیت ها جانشین هیستری، شعارهای توخالی، ارزیابی های غلط و خائمانسوز شد.

اما چه سود؟

۲/۳ میلیون ایرانی با قبول خطر و هزینه سنگین کشور را ترک کردند، گروهی از «رهبران!» احزاب سیاسی از زیر تیغ شمشیر لاجوردی و خلخالی نجات یافتند و عازم خارج شدند و بتدریج دوباره جوی ماههای قبل از بهمن ماه ۵۷ در غرب میان ایرانیان جایز کرد، باین تفاوت که اگر آن زمان شاه ورژیم پهلوی مورد غضب بود، حال جمهوری اسلامی مورد غضب قرار گرفت و همه، آری همه (بجز تعدادی کمتر از انگشتان دست) از گذشته

سیاسی خود و نقش خویش در بهمن ماه ۵۷ سخنی بر زبان نیاوردند، گویی آنزمان این توده ۲/۳ میلیونی مقیم خارج از کشور راهی خیابان هانشد، چارقد بسرنکرد، ریش بلند نکرد، فریاد «بختیاری اختیار» سر داد و حال همه آن « رهبران و روشنفکران!» ی که نقش رهبری را برعهده داشتند و مردم را بخیابان ها کشیدند و جاده انقلاب را آب و جارو کردند. حال همان « رهبران و روشنفکران » شکست خورده، بدون اعتراف به اشتباهات خویش، بدون بررسی نقش فاجعه آور خویش در انقلاب، دوباره پرچم رهبری را بردوش گرفته اند و قصد فاجعه دیگری را در سردارند.

چرا چنین شد؟

پاسخ به این پرسش ساده است. کافی است یکبار نشریات سازمان های سیاسی، مقالات نویسندگان و روزنامه نگاران را در آن زمان مرور کنید، کافی است به ۲۸ سال پیش برگردید و گفته ها، بحث ها، داد و جدل ها، راه پیمانی های خودتان را بیاد بیاورید تا قبول کنید که همه، منجمله شخص شما آنروزها هیژم بیار انقلاب اسلامی بودید و اگر اشتباه نکنم گویا چهره روحانی امام را هم به چشم خود در ماه دیده اید!

ماملت فراموشکاری هستیم. مسئله فقط این نیست، مسئله این است که ما ناتوان از اعتراف به خطا هستیم، شهامت بر زبان آوردن اشتباهات خود را نداریم و نمیدانیم که قبول اشتباه و اعتراف به اشتباه، سنگ اول بنای جامعه دموکراتیک است!

شاید این بلای خاتمانسوز ریشه در مذهب شیعه ما دارد: تقیه، دروغ مصلحت آمیز، تا در هر شرایطی گلیم خود را نجات دهیم.

در این تراژدی همه مقصر بودند، توده ساده و « رهبران مادام العمر» احزاب سیاسی، باین اختلاف کوچک! که توده ساده چشم به دهان « رهبر» دارد و چشم بسته دنبالش راه می افتد.

میدانم الان خواهید گفت: « بخدا قسم من از روز اول مخالف بودم»!

پس ضروری میدانم واقیعت های آنزمان را لخت و عور، همانگونه که بود و اتفاق افتاد زیر گوشستان با صدای بلند تکرار کنم (چون میترسم گوشتان باگذشت زمان کمی سنگین شده باشد!) تا شاید نقش خود را در آنروزها بیاد بیاورید. و باز این جمله استاندارد ساخته کشور گل و بلبل را تکرار نکنید که « کار، کارانگلیسی ها و امریکانی ها بود»

از حزب توده و نشریه « نامه مردم» شروع میکنم، فرقی نمیکند از کدام حزب شروع کنم، سگ زرد برادرشغاله!

سراغ سایر نشریات و احزاب دیگر هم باید رفت؛ باید سراغ آقایان نویسندگان و شعرای خارج از خط حزب توده هم رفت که به وجود « دادگاه» های شرعی اعتراض میکردند و معتقد بودند که سران رژیم پهلوی احتیاج به محاکمه ندارند و همه بدون استثنا باید تیرباران شوند و سالها بعد در فرنگ در «نشریه حقوق بشر» از بشرو حقوقش قلم فرسایی میکردند.

باید در کنار « سیاوش کسرانی و جلال سرفراز» ها، سراغ بسیاری از شعرای غیرتوده ای هم رفت و در صفحات آیندگان و کیهان و اطلاعات دوران « بهار آزادی» سرکشید. و دم خروس را بیرون کشید!

تذکر این نکته ضروری است که با انتشار گوشه هائی از روزنامه های « مردم» (و نه همه شماره های آن پس از انقلاب، که متأسفانه در دسترس من نیست.) به هیچوجه قصد کشیدن « حزب توده ایران» به پای میز محاکمه را ندارم، قبای « مدعی العموم» ی برتن من بزرگ و گشاد است!، انگیزه من از انتشار این دفترچه

فقط و فقط زدودن گردفرا موشی از ذهن شما و روشن کردن این نکته است که « کار، کار، کار انگلیس و امریکا » نبود! آشی بود که خودمان پختیم و بقول بانوی فرزانه، هما ناطق* «..... درانقلاب هم مدرس بودم و هم محقق! بداکه شورچنان ورم داشت که اندوخته ها و دانسته ها رابه زباله دانی ریختم و درهمرنگی باجهل جماعت به خیابانها سرازیرشدم. ادیبانه تر بگویم : گه زدم و به قول صادق هدایت اکنون آن را « قاشق قاشق» می خورم و پیشیمان از خیانت به ایران. گوشه ای خزیده ام تاچه پیش آید. گرچه قرنها پیش ازاین « طالب آملی » گفته بود:

پای ما کج. راهبر کج. قصد کج. گفتار کج»

از مهدی خرازی که با آرشیو « نامه مردم» اش، آرشیو مرا غنی ساخت و بیاریم برخاست، صمیمانه تشکر میکنم!

ایرج هاشمی زاده، اطریش زمستان ۱۳۸۵

دونکته ضروری:

- (۱) نوشته های درون گیومه [] از من است
 - (۲) آنچه به نقل از نامه « مردم » مابین حروف با حروف سیاه آمده ، عینا از نامه « مردم » اقتباس شده است.
- * هما ناطق در نامه ای به کیهان (شماره ۹۴۴، ۲۶ فوریه ۲۰۰۳)



« پدرکیا » !

نورالدین کیانوری دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران ، نوه شیخ فضل الله نوری

بخش اول : اندر یاب بر خورد دموکراتیک با سایر نیروها !

دانشجویان پیرو خط امام دیشب طی انتشار سند بسیار مهمی فاش ساختند :
مقدم مراغه ای برای امریکا جاسوسی میکرد
مردم شماره ۱۱۲، شنبه ۱۸ آذر ماه ۱۳۵۸

ارتباط حسن نزیه با توطئه ضد انقلابی اخیر در تبریز
مقدم مراغه ای جاسوس امریکا که زیر پرچم « آزادی » پنهان شده بود!
سرکوب ضد انقلاب در تبریز پیروزی بزرگ انقلاب است
حزب جمهوری خلق مسلمان در کدام جبهه قرار دارد؟
آیات عظام خواستار انحلال حزب جمهوری خلق مسلمان شدند
مردم، شماره ۱۱۳، دوشنبه ۱۹ آذر ماه ۱۳۵۸

بازار شهر تبریز برای تاکید برخواست انحلال حزب خلق مسلمان، دوزخ تعطیل است
باهمکاری آشکار حزب ایران با حزب جمهوری خلق مسلمان در وقایع تبریز موقع آن رسیده است که بدین
سؤال نیز پاسخ داده شود که : حزب ایران در کدام جبهه قرار دارد ؟
حزب ایران مبلغ و مروج افکار شاپور بختیار
هر که در مبارزه با امریکا تفرقه بیافکند، جاسوس امریکاست / سخنان حجت الاسلام موسوی خویینی
مردم شماره ۱۱۸، یکشنبه ۲۵ آذر ماه ۱۳۵۸

بر اساس اسنادی که در سفارت سابق امریکا در تهران بدست آمد:
عباس امیرانتظام جاسوس امریکا بود
سخنگوی دولت بازرگان و سفیر سابق ایران در سوئد دستگیر شد
مردم شماره ۱۲۲، پنجشنبه ۲۹ آذر ۱۳۵۸

چرا جاسوس امریکا معاون نخست وزیر شد ؟
کشف اسنادی در جاسوس خانه امریکا توسط « دانشجویان مسلمان پیرو خط امام » فاش ساخت و اثبات کرد که
عباس امیرانتظام جاسوس امریکا بوده است ولی این آقای امیرانتظام یک « منبع » گمنام برای « سیا » نبوده ،
بلکه مقام منبعی در دولت داشته ، معاون نخست وزیر و نیز سخنگوی دولت موقت انقلاب و سپس سفیر ایران
در کشورهای اسکانندیناوی بوده .. مردم شماره ۱۲۳، شنبه ۱ دی ماه ۱۳۵۸

نظامی که امیرانتظام از آن دفاع میکند.

عباس امیرانتظام ، سخنگو و معاون دولت موقت ؛ هم اکنون بعنوان خیانت به انقلاب ایران دربنداست، انتظام که در خدمت سازمان جهنمی « سیا » قرار داشت ، تنها این وظیفه را بعهدہ نداشت که اخبار و اطلاعات را در اختیار جاسوس خانه امریکا بگذارد . او وظیفه مهمتری را هم برعهده داشت ، باتمام نیرومیکوشید آن نظامی را جانشین نظام فروریخته آریامهری کند، که منافع امپریالیسم امریکا را در ایران تامین کند. ما بی آنکه اظهار نظری کرده باشیم ، برخی از نظریات انتظام را بعنوان نمونه از سخنان او که در مصاحبه های رسمی بعنوان سخنگوی دولت موقت بیان کرده است استخراج کرده ایم تا خواننده به آسانی دریابد که انتظام از کدام مواضع دفاع میکرد

امیرانتظام در مقام سخنگوی دولت موقت گفت

- (۱) ۹۰۰ عضو سفارت امریکا و چهل مشاور نظامی در ایران هستند که ما خودمان خواستیم که بمانند
- (۲) ما امیدواریم که در آینده نزدیک سوتفاهم ها از بین برود و دولت امریکا هم سفیرش را انتخاب و معرفی کند
- (۳) امیدواریم آنچه را فعال بر روابط ایران و امریکا تاثیر گذارده ، از بین برود و روابط دو کشور به حال عادی بازگردد
- (۴) تاوقتی دستگاه اطلاعاتی ما بکار نیفتد، نمی توانیم عکس العمل فوری در قبال وقایع نشان بدهیم
- (۵) متاسفانه اکثر روسای شرکتها از ایران فرار کرده اند و دولت برای آنکه بتواند کارها مجددا به راه بیفتد، خواسته است ک این افراد به کشور برگردند
- (۶) قوانین گذشته در مورد حزب توده ایران، تاوقتی لغو نشده؛ به قوت خود باقی است

مردم ، شماره ۱۲۴ ، یک شنبه ۲ دی ماه ۱۳۵۸

آقای بازرگان با دفاع از امیرانتظام از « خط » خودش دفاع کرده است

مصاحبه ای که آقای بازرگان با روزنامه « بامداد » (شماره سوم دی ماه) بعمل آورده و در آن از امیرانتظام دفاع نموده ، در نظر اول میتواند شگفتی برانگیزد، شگفتی از اینکه چگونه در شرایط کنونی میتوان بدفاع از کسی برخاست که طبق اسناد مکشوفه از لانه جاسوسی امریکا در مقام معاونت نخست وزیر باماموران « سیا » تماس های محرمانه داشته ، برای تسهیل این تماس ها بعنوان سفیر ایران در سوئد منتقل شده و قرار بوده است که او در راس سفارت ایران در واشنگتن بگمارند تا بوسیله او راه « بهبود مناسبات امریکا را با ایران » مجددا بسود امپریالیسم تجاوزکار و غارتگریانکی هموار سازند .

ولی دقت بیشتری به سخنانی که آقای بازرگان در این مصاحبه ایراد داشته ، این شگفتی را برطرف میکند، زیرا این سخنان نشان میدهد که آقای بازرگان با دفاع از امیرانتظام از « خط » خودش دفاع کرده است، « خطی » که امپریالیسم امریکا را دشمن نمیداند، « خطی » که معتقد است « چون وابسته بوده ایم ناچار باید وابسته بمانیم » . « خطی » که از تعمیق انقلاب بسود مستضعفین بیم دارد . « خطی » که احکام دادگاههای انقلابی را « آبروریزی » و تعقیب ساواکیها را « انتقام جوئی » میخواند. « خطی » که بمدت نزدیک به ۸ ماه با سماجت انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ایران را ترمز کرد و بخط « گام بگام » معروف شد .

آقای بازرگان نسبت به « خط گام بگام » خودش (که همان « خط » بورژوازی لیبرال سازشکار است) صادق و در پیشبرد آن سرسخت است . این « خط » به ناگهان پیدانشده ، ریشه و مبنای دیرینه دارد و بر این نظر استوار

است که میتوان بکمک امریکا در ایران رژیم « مطلوب » برقرار کرد . یک « مشروطیت بدون شاه » روی کار آورد..... قضاوت مردم ایران درست است ، « خطر گام بگام » که همان خط بورژوازی لیبرال سازشکار است خارج از خط امام و برضد خط امام است و با منافع و مصالح انقلاب ایران مغایرت دارد
مردم ، شماره ۱۲۶ ، سه شنبه ۴ دی ماه ۱۳۵۸

رابطه نهضت آزادی با سفارت امریکا فاش شد

دانشجویان پیرو خط امام دیشب طی یک افشاگری بسیار مهم از فعالیت های نهضت آزادی برای حفظ منافع امریکا در ایران پرده برداشتند :
امیرانظام به عنوان عضو کمیته مرکزی نهضت آزادی با سفارت امریکا رابطه داشت (نیندرشت صفحه اول)
مردم شماره ۱۲۷ ، چهارشنبه ۵ دی ماه ۱۳۵۸

گروهک مانوئیستی « سازمان انقلابی » مدافع امریکا

سازمان انقلابی افغانها را جلو سفارت امریکا میبرد تا علیه شوروی شعار دهند
مردم شماره ۱۳۱ ، دوشنبه ۱۰ دیماه ۱۳۵۸

روزی که بختیار جانشین شاه شد!

یکسال از آغاز خیانت تاریخی بختیار میگذرد و او همچنان باکمک حزبش در ایران علیه انقلاب فعالیت میکند!
۱۶ دیماه سال گذشته، بختیار فرمان خیانت خود را از امریکا و شاه دریافت کرد. یادکردن از این روزنه بخاطر اثبات خیانت تاریخی یکی از سرسپردگان امپریالیسم امریکاست - که بر همگان آشکار است - بل بخاطر یادآوری از خطی است که با بختیار علیه انقلاب ایران متولد شد و هنوز هم به حیات خائنانه خود ادامه میدهد.
..... سرانجام شاپور بختیار رهبر حزب ایران و عضو رهبری جبهه ملی مامور اجرای « طرح ویژه » امپریالیستها برای خفه کردن انقلاب ایران شد . بختیار سالوسانه، زیر نام دکتر مصدق پنهان شد و از مجلس فرمایشی شاه رای تمایل گرفت
..... بختیار در اولین مصاحبه مطبوعاتی خود دقیقاً اعلام داشت که هدف او حفظ نظام سلطنت است . او گفت « شاهنشاه به مسافرت میروند و بعد برمیگردند. اعلیحضرت موافقت کردند که سلطنت بکنند . طبق قانون اساسی دولت باید حکومت کند » (کیهان ۱۶ دی)
بختیار خائن که در اوج شعارهای « مرگ بر شاه » توده ها، شاه خائن را اعلیحضرت می نامید، در پاسخ سئوالی که رژیم سلطنتی باقی می ماند یانه، گفت « امیدوارم سوتفاهمات را بین شاه و ملت حل کنیم » (همانجا)
برای « مرغ طوفان » ، ۲۵ سال غارت و جنایت و کشتار ۷۰ هزار ایرانی و سحرگاههای بی پایان اعدام و شکنجه گاههای قرون وسطائی، تنها « سوتفاهم » بین شاه و ملت معنی میداد. از همین رو بود که وقتی از او پرسیده شد « آیا سلطنت در ایران باقی میماند » گفت « بله . امیدوارم !

درواقع بختیار فقط امیدوار نبود، اوماموریت نجات سلطنت ورژیم وابسته امریکارداشت ودرست بخاطر همین مامور بود که حرف ماه قبلش « من به هیچ وجه موافق حکومت نظامی ، آنهم به مدت طولانی نیستم » را پس گرفت وبعزازتکیه زدن براریکه قدرت گفت « حکومت نظامی را به تدریج لغومیکنم » بختیار که در همان روز اول روی کار آمدنش تصریح میکرد « رژیم سلطنتی در ایران به قوت خود باقی خواهد ماند، اما اعلیحضرت به سفر خواهند رفت » هرگز حکومت نظامی را لغونکردوبه کشتارتوده های میلیونی ادامه داد.

بختیار این نوکرسر سپرده امریکا که سنّاد ارتشش را ژنرال هوپزر امریکائی اداره میکرد، در همان آغاز مخالفت خود را با حزب توده ایران نشان داد ومانند همه همپالکی هایش درسواک ودرباروسیا، حزب توده ایران را « وابسته به خارج » خواند . او همینکه وعده آزادی احزاب را داد با فعالیت مجدد حزب ما مخالفت کرد وگفت :

« کلیه احزاب که که غیرقانونی نیستند میتوانند شروع به فعالیت نمایند و دستجات ممنوع نیز میتوانند در صورتی که وابستگی به خارج نداشته باشند، پس از رسیدگی در زمره سایرین درآیند » (کیهان ۱۶ دی ۱۳۵۷)

چهره ریائی بختیار هیچکس را فریب نداد. امام همانروز اعلام کرد که دولت بختیار غیرقانونی است توده های خلق فریب بختیار را نخوردند از همان روز آغاز « سلطنت » بختیار تظاهرات میلیونی علیه او آغاز شد و سرانجام توده ها در امواج توفانی خود « مرغ توفان » را به زیاله دانی تاریخ افکندند. بختیار تا آخرین لحظات دوام رژیم به کشتار مردم ادامه داد ووقتی ارتش مسلح مردم طومار رژیم را درهم درنوردید ، از ایران گریخت.

فرار این دشمن کینه توز انقلاب ایران پایان کار او نبود در ایران هم دوستان و همفکران بختیار در حزب او که سالها رهبرش بود یعنی حزب ایران متشکل شده اند و از طریق تبلیغ و ترویج افکار بختیار و پخش نوارهای سخنرانی او در پاریس یاریش میرسانند .
..... ارگانهای انقلاب و بویژه شورای انقلاب باید برای زدن ضربه کاری به ضد انقلاب ، فعالیت هواداران بختیار را که عمدتاً در حزب ایران و بانقاب « ملی » فعالیت دارند ، خنثی و افشا نماید

مردم شماره ۱۳۶ ، یکشنبه ۱۶ دیماه ۱۳۵۸

افشاگری های دانشجویان مسلمان پیرو خط امام دیشب ادامه یافت

امیرانتظام بدستور امریکا وسایل سری نظامی امریکا را از ایران خارج میکرد.

مردم ، شماره ۱۴۶ ، یکشنبه ۳۰ دی ماه ۱۳۵۸

طبق سندی که دیشب توسط دانشجویان پیرو خط امام افشا شد :

بامداد ، تهران مصور ، امید ایران و تهران تایمز زیر نظر امریکا کار میکردند، دانشجویان همچنین در پی افشای اسنادی روشن ساختند که « رهبانی » سردبیر بامداد، علیرضا نوری زاده، سردبیر امید ایران ، پرویز عرقان

و مرتضی جعفری ، گردانندگان « تهران تایمز » و علیرضا فرهمند از کارکنان سابق کیهان با جاسوسان امریکایی ارتباط نزدیک و همکاری داشته اند.
مردم ، شماره ۱۴۹ ، چهارشنبه ۳ بهمن ماه ۱۳۵۸

طبق اسناد جدیدی که توسط دانشجویان مسلمان پیرو خط امام فاش شد:

احمد مدنی از طریق ثابت پور، شهردار آبادان، با جاسوسان امریکا رابطه داشت.
مدنی خیلی ضد روحانیت و ضد فلسطینی است
مدنی به سختی ضد کمونیست بود.
مردم ، شماره ۱۵۰ ، پنجشنبه ۴ بهمن ماه ۱۳۵۸

ضدانقلاب هنوز در رسانه های گروهی پایگاه دارد

سرنخ سینه چاکان « آزادی » مدافعان « دموکراسی » مخالفان « فاشیسم آخوندی » ، دشمنان « استبداد عبا و نعلین » و دشمنان « حزب توده ایران » در جیب گل و گشاد عموسام پیداشد!
دانشجویان مسلمان پیرو خط امام با افشای اسناد رابطه « بامداد » ، « امیدایران » ، « تهران مصور » و « تهران تایمز » با جاسوس خانه امریکا در تهران ، این واقعیت را با اسناد غیر قابل انکار تائید کردند نگاهی به نشریاتی که دم خروس « آزادیخواهی » آنها از جیب عمو سام بیرون آمده ، بار دیگر دو واقعیت را ثابت میکند (۱) لبرالیسم، نقاب امپریالیسم . (۲) حمله به حزب توده ایران :
« صفی پور » و « والا » عمال سابقه دار رژیم شاه مخلوع وقتی انقلاب دژهای رژیم را فرو ریخت، لباس « آزادی » خواهی به تن کردند . « صفی پور » که یکی از « امید های ایران » برای امپریالیسم بود به سراغ « دکتر علیرضا نوری زاده » رفت . نوری زاده در زمان اعتصاب مطبوعات ، همه زور خود را زد که اعتصاب را بشکنند بعد هم در جلسه دیدار نویسندگان مطبوعات با بختیار ، نوری زاده که مشاور مطبوعاتی « مرغ طوفان » بود، کوشید آنها را با آشتی دهد اما باز هم موفق نشد، نوری زاده به یکی از روزنامه های عصر رخنه کرد و بعد از پیروزی انقلاب بعنوان خبرنگار همین روزنامه بخانه امام و دادگاههای انقلاب که آن موقع در مدرسه علوی تشکیل میشد راه یافت. (اکنون که ارتباط او با امریکا روشن شده ، باید این مساله هم تحقیق شود که در آن موقع نوری زاده چه و طیفه ای را در ارتباط با امریکائیا داشته است) امید ایران درست پایگاه بختیار بود ، عکس او روی جلد چاپ میشد و در « دادگاه مجله » از خیانت تیرنه میگردید عبدالله والا هم سراغ مسعود بهنود اجرا کننده تیتراول یعنی تعریف نامه از شاه خائن و فحش نامه علیه کشورهای سوسیالیستی و حزب توده ایران و یار نزدیک هویدا و امیر طاهری رفت یکی دیگر از سنگرهای امپریالیسم روزنامه « بامداد » بود که به شیوه ای دیگر به مبارزه با انقلاب ادامه میداد
مردم ، شماره ۱۵۱ ، شنبه ۶ بهمن ماه ۱۳۵۸

سئوال از آقایان لیبرال

آقایانی که امام را به « اعتدال » فرامیخوانند، به ملاقات برژینسکی می رفتند، از انقلاب « پشیمان » بودند، کار دادگاههای انقلاب را « ننگ » می دانستند و نمایشهای مقابل لانه جاسوسی را « ننگ » دیگری می دانند،

بهتر است به جای سفسطه و جنجال ، صاف و ساده بگویند که از پیشروی انقلاب خلقی خوششان نمی آید... . . . مردم می پرسند : مگر شاهپور بختیار از میان شما برنخاست؟ مگر آقای سنجانی از میان شما نبود که کارش تاسف بره پاریس رسید، که امام را به « اعتدال » دعوت کرد و سپس صلاح خود را مدتی در ادامه همکاری ظاهری دید؟ مگر کسانی مانند مقدم مراغه ای که « کیابیا » در دستگاه شما بودند، آنچنان ماجراجوی سیاسی از آب درنیامدند؟ مگر خود مهندس مهدی بازرگان ، بلافاصله پس از انقلاب بارها نکوشید، ولو در لافافه ، رهبرانقلاب ایران را در نظر مردم کوچک کند و رسماً نگفت که سه سه بارنه بار از انقلابی که شده است ، پشیمان است ؟ مگر او بملاقات برژینسکی بی اطلاع امام نرفت ؟ مگر او محاکمات انقلابی را مایه « ننگ و رسوائی » خواند؟ مگر امیر انتظام از میان آقایان برنخاست؟

(زیر این مقاله تصویری است از یک چوبه دار و در کنارش : مزدور امریکائی اعدام باید گردد)
مردم شماره ۱۷۲ ، چهارشنبه ۱ اسفند ماه ۱۳۵۸ :

سؤال از مقامات مسئول جمهوری ایران : بختیار چگونه از ایران گریخت؟

شاهپور بختیار خائن طی مصاحبه ای بامجله هفتگی او انمان، چاپ بلژیک، در مقابل این پرسش که، طی ۵ ماه اول انقلاب ایران در کجا پنهان شده بود، گفته است : « در ایران و هنگامی تصمیم گرفتم ایران را ترک کنم. . . . بایک پرواز عادی توسط یک خط هوائی بزرگ از فرودگاه مهرآباد به پاریس آمدم»
پرسش ما و تمام مردم ایران از مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران آنستکه : این مزدور جنایتکار و خائن ، در ۵ ماه پس از انقلاب ایران ، توسط چه کسانی و چگونه پنهان شده بود و بالاخره توسط چه کسانی و چگونه از مرز فرودگاه مهرآباد ایران گریخت ؟
در انتظار پاسخ فوری و مقنع هستیم

مردم شماره ۲۰۳ ، یکشنبه ۱۷ فروردین ماه ۱۳۵۹

درستون « شوخی نیست . . . ! » نشئه یا خمار؟

رفیقی پرسید : جواب احمد خان شاملو « شاعر جاودانه » را نمیدهید که باز هم در کتاب جمعه به حزب توده ایران دشنام داده است ؟

ظریفی جواب داد : اول باید دید جناب ایشان وقتی این فحش را میداده اند ، نشئه بوده اند یا خمار؟
مردم ، شماره ۲۲۸ ، چهارشنبه ۱۷ اردیبهشت ماه ۱۳۵۹

درستون « شوخی نیست . . . ! » لقب جدید بختیار

رادیو مسکو به شاهپور بختیار که تاکنون القابی چون « مرغ طوفان » ، « نوکربی اختیار » . « نخست وزیر منقل » و غیره . . . را داشت لقب بجای جدیدی داده است . جسد سیاسی !

علت پرونی ضد انقلاب

فرخ روپارسا وزیر چندین و چند ساله هویدا دردادگاه گفت : « امیدوارم دادگاه عدل اسلامی وزرائی را که جزو مهره های حساس مملکتی و همچنین ازمهره های حساس حزب رستاخیز بودند ، بخشیده است ، مرا نیز شامل عفو بنماید»

- متوجه شدید چرا ضد انقلاب پررو شده؟

مردم شماره ۲۳۱، یک شنبه ۲۱ اردیبهشت ماه ۱۳۵۹

درستون « شوخی نیست !... » :

کتاب جمعه ویژه ! (نشریه احمد شاملو)

آیت الله خلخالی سرپرست اداره مبارزه بامواد مخدرشد (جراید)
- منتظر باشید « کتاب جمعه ویژه » علیه آیت الله خلخالی منتشر شود

مردم ، ۲۳۵ ، پنج شنبه ۲۵ اردیبهشت ماه ۱۳۵۹

« دکتر بقائی » های انقلاب را بشناسید و سرکوب کنید

. مردم ، ۲۳۶ ، شنبه ۲۷ اردیبهشت ماه ۱۳۵۹

برای سرکوب ستون پنجم امپریالیسم و فراهم ساختن زمینه اتحاد نیروها

« دکتر بقائی » های انقلاب را بشناسید و سرکوب کنید

مردم شماره ۲۳۶، شنبه ۲۷ اردیبهشت ۱۳۵۹

بختیارخان توطئه ضدانقلاب ایران را فاش میکند

شاهپوربختیار، معروف به « مرغ طوفان » ، که پس ازآوارگی توسط مردم انقلابی ایران، ۱۶ ماه است که همراه بادیگرعمال از مجازات گریخته امپریالیسم امریکا، فعالانه علیه انقلاب ایران توطئه میکند، پس از بازگشت خود از بغداد (که حضور وی در عراق برای اولین بار توسط حزب توده ایران افشاشد) در مصاحبه ای با نشریه فرانسوی « پاری ماچ » مطالب مهمی را طرح کرده است

مردم شماره ۲۴۰، چهارشنبه ۳۱ اردیبهشت ۱۳۵۹

در جلسه علنی مجلس شورای ملی

اعتبارنامه خسرو قشقائی بعلت عضویت در « سیا » باطل شد .

... حجت الاسلام خلخالی گفت « اینجا نباید مثل زمان رژیم سابق مقررات خشک بمورد اجرا گذارده شود . اگر بعد از تصویب اعتبارنامه ای مسلم شد که صاحب اعتبارنامه جاسوس امریکا است یا ساواکی است ، باید اعتبارنامه آن شخص باطل شود » .

اعتبارنامه خسرو صولت قشقائی بعثت عضویت اودر سازمان جاسوسی امریکا (سیا) و تو طئه علیه جمهوری اسلامی ایران باطل شد .

مردم ، شماره ۲۵۳ ، یکشنبه ۱۸ خرداد ماه ۱۳۵۹

« شوخی نیست ... ! » :

ترچه پوک و نام دهان پرکن

یکی از گروهکهای ضدانقلابی و مائوئیستی طی اعلامیه ای نام خود را اعلام کرده است . میدانید چیست ؟ « جنبش انقلابی سازماندهی کارگران خلقهای ایران » !

مردم ، شماره ۲۶۶ ، سه شنبه ۳ تیر ماه ۱۳۵۹

« قاسملو و همفکران » در سرایش افراد وشکست

« قاسملو و همفکران » بهمان میزان از « ضد امپریالیست نبودن » طبقه حاکمه مینالند، که امپریالیسم امریکا ورژیم بعث عراق!

مردم ، شماره ۲۶۸ ، پنج شنبه ۵ تیر ماه ۱۳۵۹

« شوخی نیست ... ! » :

ضدانقلابیون کمیاب !

هادی خرسندی را می شناسید؟

- ایشان در انگستان سردبیر یک نشریه ضدانقلابی هستند .

زهره یحیوی را می شناسید ؟

- ایشان در صدای امریکا علیه انقلاب ایران گوینده هستند .

- برای چه یاد این دو افتاده ایم ؟ مگر ضدانقلابی کم است ؟

- البته کم نیست ، ولی ضد انقلابی که در کشور نباشد و نامش هنوز جزو کارمندان وزارت ارشاد ملی باشد ، مثل این دونفر ، کم است

مردم ، شماره ۲۷۰ ، دو شنبه ۹ تیر ماه ۱۳۵۹

حمله ضد انقلابیون فاشیست « گروه قاسملو » به دفتر حزب توده ایران در مهاباد

... ما ضمن محکوم کردن این عمل فاشیستی « قاسملو وشرکا » از همه مردم کردستان میخواهیم که چهره واقعی این سالوسان را تشخیص داده وقاطعانه به مقابله با این اوباشان برخیزند

مردم ، شماره ۲۷۳ ، پنج شنبه ۱۲ تیر ماه ۱۳۵۹

گروهک مائوئیست - ضدانقلابی « حزب رنجبران » ، در عرصه تئوری و عمل

مائوئیسم ، متحد امپریالیسم .
« حزب رنجبران » مدافع سرمایه داری وابسته، دوستدار امپریالیسم امریکا و دشمن متحدین انقلاب ایران است
مردم ، شماره ۲۷۹ ، پنج شنبه ۱۹ تیر ماه ۱۳۵۹

« شوخی نیست . . . ! »

تعطیل !

به کلیه اشخاص معتاد ۶ ماه مهلت داده شد برای معالجه به درمانگاه ها و بیمارستانهایی که وزارت بهداری تعیین میکند، مراجعه کنند (بامداد- ۱۴ تیر)
— کتاب جمعه تعطیل شد !!!
مردم ، شماره ۲۸۱ ، یک شنبه ۲۲ تیرماه ۱۳۵۹

اسناد همکاری خسرو قشقانی با ساواک و سیا ، شاه و علم . . .

این اسناد که توسط مخبرکمیسیون تحقیق به خبرنگاران داده شد از میان اسناد ساواک و لانه جاسوسی امریکا بدست آمده است
مردم ، شماره ۲۸۲ ، دو شنبه ۲۳ تیرماه

دست بقائی جاسوس و بقائی های امروز را از انقلاب کوتاه کنیم !

. . . . دکتر بقائی کرمانی، جاسوس سیا که در کودتای خائنانه ۲۸ مرداد شرکت فعال داشته و در کودتای اخیر نیز بار هیران اصلی آن رابطه نزدیک داشته است ، متأسفانه پس از مدت کوتاهی آزاد شد . رهائی او مستقیماً به امپریالیسم امریکا در زمینه سازی توطئه ها یاری میرساند . انقلاب ایران اگر این دست هارا قطع نکند و جاسوسان جنایتکاری چون بقائی ها را به مجازات درخور خویش نرساند ، مسلماً با توطئه های بزرگ تری مواجه خواهد شد.
مردم ، ۲۹۴ ، دوشنبه ۶ مرداد ۱۳۵۹

رادیو های ضدانقلابی بختیار و اویسی

سگ زرد و شغال در خدمت یک هدف شیطانی : ملاقات قاسلمو با بختیار، اوباشان قاسلمو به دفتر حزب توده ایران در مهاباد حمله کردند
مردم ، ۳۰۵ ، دوشنبه ۲۰ مرداد ماه ۱۳۵۹:

آزادی بقائی ها، اسارت انقلاب است

بقائی جنایتکار باید دستگیر و محاکمه گردد و برای کشف شبکه های توطئه امپریالیسم امریکا مورد بازجوئی قرار گیرد

عوامل کودتا در صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران به چه کاری مشغول بودند؟
مردم، ۳۲۱، یکشنبه ۹ شهریور ۱۳۵۹

گروه قاسملو، مدافع دزدان، اوباشان و مز دوران بعث
مردم، ۳۲۳، سه شنبه ۱۱ شهریور ۱۳۵۹

پلیس انگستان - محافظ ضد انقلاب شاهنشاهی!

روز ۱۹ مرداد ۱۳۵۹، حدود ۱۵۰۰ نفر از ضدانقلابیون فراری رژیم شاهنشاهی در لندن تظاهرات علنی داشتند. این عده از سراسر انگستان و بعضی از کشورهای اروپائی آمده بودند. دوهزار پلیس انگلیسی از ضدانقلابیون محافظت میکردند.

آری، پلیس انگستان؛ که دانشجویان مبارز ایرانی را به «جرم» دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران مضروب میسازد و بزندان می افکند، محافظ ضدانقلاب شاهنشاهی است!
این فقط نمونه ای از «دموکراسی»، «آزادی»، و «حقوق بشر» از نوع امپریالیستی است.
این پلیس یکی از کشورهای «جهان دوم» کذائی است، که بر خیها بدنبال اتحاد با آن برضد «برقدرتها» هستند!

روزنامه مردم عکسی هم از تظاهرات در کنار خبر چاپ کرده است
مردم شماره ۳۲۵ یکشنبه ۱۳ شهریورماه ۱۳۵۹

«روزنامه میزان» چه میزان در خط انقلاب ایران است؟ [میزان نشریه نهضت آزادی مهدی بازرگان]
مردم، ۳۲۸، سه شنبه ۱۸ شهریور ۱۳۵۹

ما پیروان خط برژینسکی را بهر لباس که درآیند، افشا خواهیم کرد
مقاله ای بر علیه روزنامه میزان و نهضت آزادی
مردم، ۳۳۱، شنبه ۲۲ شهریور ۱۳۵۹

چریک ها، با پای لنگ به دنبال مارکسیسم
چریک های اکثریت با حزب توده ایران مبارزه نمیکند، دهن کجی میکنند و این عادت دوران کودکی است
مردم، ۳۳۵، چهارشنبه ۲۶ شهریور ۱۳۵۹

قابل توجه امام جمعه تهران و وزیر ارشاد اسلامی
ورق پاره ای ضد انقلابی بنام «پیام جمعه» مجانا در بین نمازگزاران توزیع میشود
مائوئیست های امریکائی «رنجبر» زیر نام «اسلام» ورق پاره ای را که امتیاز هم ندارد و گرداننده آن یکی از رهبران چماقداران است، در سطح وسیع منتشر و بطور مجانی توزیع میکنند

ما جدا از مقامات مسئول می‌خواهیم که انتشار این ورق پاره ضدانقلابی ، که زیرنام « اسلام به تفرقه افکنی بسود امریکا مشغول است ، جلوگیری کنند.
مردم شماره ۴۰۱ ، اول دیماه ۱۳۵۹

درحاشیه مجلس

فعالیت ضدانقلابی گروهک پیکار

عطا مهاجرانی ، یکی از نمایندگان مجلس در جلسه دیروز تاکید کرد که عوامل گروهک ضدانقلابی پیکار خود را در صفوف آوارگان جنگ جازده اند و زیرنام آنها تظاهرات راه می اندازند این گفته نماینده مجلس ، لزوم توجه به نقش مخرب گروهک های مائوئیستی را بیش از پیش مطرح میکند
مردم شماره ۴۰۱ ، اول دیماه ۱۳۵۹

شوخی نیست . . . !

اندر شناخت لیبرال و احوال وی

فریدون تنکابنی

ولیبیرال، بروزن « شیره ساز » تاجری است با ترازوی نامیزان، از انقلاب سرخورده و پشیمان، و از وضع روزگار آزرده و پریشان
رنگرزی است که حنایش رنگی ندارد، باز هر لحظه تخم نیرنگی کارد و دام فریبی به میان آرد. گزاصفهانیش
مخل سلامت و قطاب یزدش به دور از حلاوت
سیاست را، هر روز در قیام و قعود، و عبادت را، هر شب در رکوع و سجود، به رسود، لجوج و عنود، و سرمایه
هر دم در عروج و صعود.
برادری را بی برابری خواهد. بر تعارف افزایش و از مبلغ کاهد. از بهر آزادی گریان و نالان و از انقلاب بیمناک و
هراسان. برای آزادی اشک تمساح ریزد و با انقلابیون جسور و گستاخ، نه شاخ به شاخ، بل مودیانه ستیزد.
از وحدت خلق بیزار است و پراکندگی و دشمنی را خواستار، تابا ز بر خر مراد سوار شود و بر سر خلق هوار گردد.
هر دم تفرقه اندازد، و نردحیل و نیرنگ باز و تخم عداوت و کینه کارد، شاید آب رفته به جوی باز آرد.
بیت :

آن که شیران را کند روبه خصال لیبرال است ، لیبرال است ، لیبرال
« خطر کمونیزم » را همه وقت و همه جا سراغ کند و آن را چماق کند و بر فرق خلائق نوازد و طریق « القا
ایدئولوژی » هموار سازد.

و بورژوا لیبرال، جانوری است اهریمن خصال که نیندیشد جز به جمع مال و گرد آوردن اموال ، از هر ممر حرام
و غیر حلال. با سرمایه دار وابسته در یک جوال و فی الواقع سگ زردی است برادرشغال.
در ظاهر موجودی است قشنگ و شیک، و دوستدار فرنگ و آمریکا، (همراه قافله، اما با دزد شریک)
جز از آزادی سخن نراند، و برای آزادی یقه دراند، و پستان به تنور چسباند، و اشک حسرت از مژه چکاند.
لیک از کلاه دوزی، پف نم زدن داند، و خودکامگی را آزادی خواند.

سودوسرمایه اش بیش، وازبهران همواره درتشویش. مرادش ازآزادی، آزادی خویش. دشمن دهقان وکارگرو پیشه ور، وازحکومت مستضعفان آزرده وپکر. مسلمانی اش به تسبیح وریش، نه به بهبود حال خلق پریش. پولم ازپارواگربالارود/ بازخواهم بازافزون ترشود/ بهرمن آزادی غارت خوش است/ انقلاب خلق « آزادی» کش است

هرزمان صد مکروافسون میکنم/ باری، ارلازم شود خون میکنم/ گرکه ازدررفت آن آقا « سیا»/ گویمش: ازینجره جانم بیا!

ترسد که انقلاب شمشیرعدالت بتردارد، و آنچه فروبرده، ازحلقومش برآرد، که معاذالله (بل ان شا الله) اگرچنین شود، بیدرنگ جان سپارد.

مصرع : پول است نه جان است که آسان بتوان داد.

گاه ازملی شدن صنایع دررنج وعذاب، وگاه به خاطر بستن مدارس ممتازان درعتاب وخطاب. گاه انحصارتجارت خارج، رنج اوفزاید، و گاه ازمنع معامله ارز فغانش برآید.

الغرض، هرچه کند وسنگ حادثه برسرش بارد، بازعبرت نیارد، وشکست انقلاب را آرزودارد.

همچون « عموسام»، دشمن خط امام، البته شکست خورده وناکام. با دانشجوی مسلمان جز ره عناد نپوید، وجز دشنامش نگوید. نام کمینه برزبان نیاردوچشم دیدن پاسدارندارد.

چون صدام، صد دام نهد، وآن گاه که ناکام شود، چون اسپند برآتش جهد، وناله وفریادسردهد.

ای لیبرال، ناله وفریادسرکنی/ پنداشتی که مردم بیدارخرکنی؟! بس کشته داد ملت ما بهرانقلاب؟ خواهی ز روی نعلش شهیدان گذرکنی؟! مستضعفان به عرصه پیکاربوده اند/ مستکبری وخواهی کسب ثمرکنی؟ /

لولوببردان ممه را، خوب گوش کن/ باید که پنبه را توزگوشت به درکنی!! مردم به لیبرال مجالی نمیدهند/ هرچند گریه سردهی وناله سرکنی / صدبارمیکنند ترا خوار ومفتضح / نیرنگ ومکروتوطئه صدباراگرکنی/

باجیب پرزپول برفتنند سوی غرب/ یاران، تونیز به که خیال سفرکنی/ مردان لیبرال « بزرگی » فراری اند/ باید توهم بجنبی وفکردرکنی!

مردم شماره ۴۱۴، پنجشنبه ۱۸ دیماه ۱۳۵۹

« باند قاسملو» ساواکیها را برای همکاری علیه انقلاب می پذیرد

مردم شماره ۴۱۵، شنبه ۲۰ دیماه ۱۳۵۹

توطئه ضدانقلاب، مانوئیستهاو لیبرال ها علیه انقلاب، به بهانه « بازگشایی دانشگاهها» را خنثی کنیم.

امام خمینی: هرگروهی که بیشترموردحمله بودواین اشخاص منحرف، بیشترباوحمله میکردند، برای ملت مفیدتر است.

مردم شماره ۴۱۸، سه شنبه ۲۳ دیماه ۱۳۵۹

قابل توجه وزارت ارشاد اسلامی:

ضدانقلاب ورق پاره دیگری منتشر کرد
مائوئیست های امریکائی « رنجبر » که زیر نام « اسلام » ورق پاره ای بنام « پیام جمعه » را که امتیاز هم
ندارد، مجانا در تهران توزیع میکنند، دست به انتشار ورق پاره بدون امتیاز دیگری بنام « احزاب » زده اند که
این یکی هم مجانا توزیع میشود ماباردیگراز وزارت ارشاد اسلامی و دیگر مقامات کشور می خواهیم که
مانع انتشار این ورق پاره ضدانقلابی شوند و اجازه ندهند ورق پاره ای که برخلاف قانون و علیه مصالح انقلاب
و جمهوری اسلامی ایران منتشر میشود به انجام وظیفه ضدانقلابی خود ادامه دهد.

مردم، شماره ۴۲۰، پنجشنبه ۲۵ دیماه ۱۳۵۹

بخش دوم : اندر باب امپریالیسم جهانخوار امریکا !

[حزب توده هرروز، بدون استثنا، در « نامه مردم » از خطر حمله امریکا و « مزدوران امریکائی » هشدار میداد و از دولت و نیروی های شبه نظامی رژیم مصر می خواست که آماده مقابله نظامی باشند ، نمونه های زیرهستی مصنوعی حزب توده را نشان میدهد که در پشت آن ایجاد جوتنفرو نفرت از « امپریالیسم جهانخوار امریکا و درکل غرب » و سودادن رژیم بدامن شوروی نهفته بود]

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران
حزب توده ایران اشغال سفارت امریکا، مرکز توطئه علیه انقلاب ایران را تایید و مذاکرات هیات نمایندگی دولت موقت با برژینسکی، یکی از توطئه گران اصلی برضد انقلاب ایران را محکوم میکند. ۱۳ آبان ۱۳۵۸
مردم شماره ۷۱، یکشنبه ۲۹ مهرماه ۱۳۵۸

سفارت امریکا، مرکز توطئه علیه انقلاب ایران، اشغال شد
دانشجویان مسلمان پیرو امام خمینی:
رابطه با امریکارا میخواهیم چه کنیم؟
تاسترداد شاه خائن، اشغال سفارت ادامه دارد
مردم شماره ۸۴، دوشنبه ۱۴ آبان ماه ۱۳۵۸

امریکا ! امریکا!
سیاوش کسرائی
باشگاه فرومایگانی/ وفرو دگاه خشم جهانیان/ بازار بزرگ بردگی قرن/ وارونه کیمیاگری تو/ که زندگی را خاکستر/ و عشق را روسپی میکند/ در جنگل عظیم صنعت/ بردرختان سترک/ تفاله میوه های آدمی آویختست:
سیاه وزرد/ سفید و سرخ.
از کشتزار های علمت چه میروید؟/ قارچ های اتمی/ تاجر هماره مستی تو/ که باروت به دنیا میدهد/ و به بهای آن / گلاب میگیرد.
غول هزار دستی/ که بایگانه چشم آزد پیشانی / پی در پی/ پیرامون را میپائی.
بشنو! / میآیند/ چنداچندو گروه گروه/ نه، غم آوای شبانه نیست/ سرود سرخ سحرگاه است/ که پامیگیرد.
نگاه کن/ ستارگان/ یکایک از پرچم تو می گریزند/ و در دستت تنها/ پارچه ای میماند، بل، قاب دستمالی/ برای برق افکندن به کفش کهنه سرمایه .
آری، نگاه کن/ که ستارگان میگریزند/ چه، آفتاب برمآید
تهران، دوشنبه ۱۴ آبان ۱۳۵۸
مردم شماره ۸۶، چهارشنبه ۱۶ آبان ماه ۱۳۵۸

سفارت امریکا ، مرکز توطئه علیه انقلاب ایران ، اشغال شد

دانشجویان مسلمان پیرو امام خمینی : رابطه با امریکا را میخواهیم چه کنیم ؟
مردم ایران فریاد میزنند مرگ بر امریکا و آقای بازرگان بابرژینسکی ملاقات میکند
جوان سرخ موی امریکائی تصویر پیام امام را پاره کرد
این شاه امریکائی، در پیش پای ملت اعدام باید گردد.
اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران :
امریکا باید شاه مخلوع را به دولت ایران مسترد دارد
حزب توده ایران اشغال سفارت امریکا، مرکز توطئه علیه انقلاب ایران را تائید و مذاکرات هیات نمایندگی
دولت موقت با برژینسکی ، یکی از توطئه گران اصلی برضد انقلاب را محکوم میکند .
مردم شماره ۸۴، دوشنبه ۱۴ آبان ماه ۱۳۵۸

آوردگاه

جلال سرفراز اردیبهشت ۵۹
بالابلند برآمد/دستی به روشنی/ درگیسوان تیره فرورد ماه
بربامها/ (هنگام کزکرانه دوری/ انبوه کرکسان/ روبادیارما/ پرواز میکنند)/ خلقی خروش برداشت/ خون
درسرود و - رود سرود خون:/ یانکی بمیر!/ مرگ بر امریکا!
درمقدم پگاه/ آماج هرگلوله پرچم خونین سینه ها،/ دیدم چگونه دست پدرراپسر گرفت/ وباسرود رفت به آوردگاه
دلواپسان/ خاموش ایستادند/ بی باوران به خواب فرورفتند/ شاعرنگاه کرد/ از قلب توده ها:/ تاجشم کارمیکرد/
تاریک روشن شقایق بود/ درمعبرنگاه
مردم شماره ۹۶، چهارشنبه ۲۱۷ اردیبهشت ماه ۱۳۵۹

کالای امریکائی نخریم !

فردفرد مامصرف کالاهاى امریکائی را بر خود تحریم کنیم ، تولید داخلی خودراارج دهیم وکالای
امریکارا بر سرش بکوبیم . باقطع ریشه تسلط امپریالیسم بسرکردگی امپریالیسم امریکا از میهن ما سرانجام
دوران محرومیت هم پایان خواهدیافت و باتامین استقلال و آزادی کامل ایران، به رفاه و عدالت اجتماعی
نیز خواهیم رسید .
مردم شماره ۹۸، چهارشنبه ۳۰ آبان ماه ۱۳۵۸

گزارشی از شبهای ضد امپریالیستی در مقابل لانه جاسوسی امریکا :

در رزمگاه شبانه خلق . . .
صدها نفر هر شب با لای لای ضد امریکائی در کنار جاسوسخانه امریکا به خواب میروند
مردم شماره ۱۰۳، سه شنبه ۶ آذر ماه ۱۳۵۸

تیتردشت صفحه اول نامه « مردم » :

پراودا : خواست ملت ایران برای استرداد شاه ، منطقی است

مردم شماره ۱۱۰، پنج شنبه ۱۵ آذر ماه ۱۳۵۸

جیاب ؛ وزیردفاع جمهوری سوسیالیستی ویتنام : امام خمینی شخصیتی استثنائی است ؛ برای حمایت از انقلاب ایران میتوانید به کشور شوروی متکی باشید که در صورت نیاز، به شما کمک خواهد کرد

مردم شماره ۱۱۴، سه شنبه ۲۰ آذر ماه ۱۳۵۸

امپریالیسم های اروپای غربی و ژاپن، هم امپریالیست اند و هم متحد امپریالیسم امریکا

مردم شماره ۱۲۱، چهار شنبه ۲۸ آذرماه ۱۳۵۸

بمناسبت پنجاهمین روز تسخیر جاسوسخانه امریکا « توسط دانشجویان مسلمان پیرو خط امام »

دانشجوی خط امام برتو درود ، برتوسلام

دوره اخیرانقلاب ایران ، بانام وچهره مبارزین راستینی که لانه جاسوسی امریکا را فتح کردند ، پیوند

ناگسستی یافته است مردم ، شماره ۱۲۵ ، دو شنبه ۳ دی ماه ۱۳۵۸

اعلامیه « سازمان جوانان ودانشجویان دمکرات ایران

همه باهم علیه امپریالیسم امریکا و عمال داخلی آن

امپریالیسم جنایتکار امریکا باردیگر بمنظورضربه زدن به انقلاب بزرگ مردم ما به توطئه تازه ای دست زده است وبا ایجاد بلوا و آشوب بوسیله عده ای اوباش و چماق بدست درشهر قم درصدد ایجاد تفرقه ودودستگی درمیان مردم ، تضعیف وهنک حرمت از رهبری انقلاب برآمده است .

ماباردیگر اعلام میداریم که پیروی ازخط قاطع امام خمینی رهبرآشتی ناپذیرانقلاب شکوه مند ما شرط پیروزی برامپریالیسم خونخوار امریکا ، دشمن اصلی همه خلقهای جهان است . ماباردیگر هموطنان عزیز را به هشیاری انقلابی و اتحاد علیه امپریالیسم امریکا، ضد انقلاب وسازشکاران رنگارنگ حامیان نفوذ امپریالیسم درایران فرا می خوانیم وازهمه اعضا و هواداران وجوانان مترقی وضد امپریالیست می طلبیم که درراهپیمائی فردا صبح شنبه ۱۵ دیماه ۱۳۵۸ که بدعوت دانشجویان مسلمان پیروخط امام و جامعه مدرسین حوزه علمیه قم علیه دشمنان سوگند خورده انقلاب انجام میگردد شرکت کنند

زنده باد خط ضد امپریالیستی وقاطع امام خمینی

سازمان جوانان ودانشجویان دمکرات ایران ۱۴ / ۱۰ / ۱۳۵۸

مردم شماره ۱۳۶، یک شنبه ۱۶ دیماه ۱۳۵۸

کیومرث زرشناس ، دبیراول سازمان جوانان ودانشجویان دمکرات ایران و عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران درتأبستان ۱۳۶۷ درزندان اوین به حلق آویزان شد **روانش شاد باد**

بختیار، تک خال جدید امپریالیسم امریکا

مردم، شماره ۱۶۴، دو شنبه ۲۲ بهمن ماه ۱۳۵۸

امپریالیسم امریکا،

امپریالیسم امریکاست

مردم شماره ۱۷۴، شنبه ۴ اسفندماه ۱۳۵۸

باردیگر آژیر می‌دهیم :

امپریالیسم امریکا در کمین انقلاب ایران
ممکن است توطئه های خطرناک تری هنوز در پیش باشد

مردم شماره ۱۸۰، شنبه ۱۱ اسفند ماه ۱۳۵۸

برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم امریکا

تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

مردم شماره ۱۸۵ و ۱۸۶، پنج شنبه ۱۶ و ۱۸ اسفند ماه شماره ۲۴۰، چهارشنبه ۳۱ اردیبهشت ۱۳۵۸ و ۱۳۵۹

برای مجلس شورای ملی، مردم به چه کسانی رای می دهند؟

نماینده مجلس شورای ملی، اگر ضد امریکائی نباشد، نماینده ملت نیست

مردم شماره ۱۸۹، سه شنبه ۲۱ اسفندماه ۱۳۵۸

خطر امریکا . باقی است . فوری است . جدی است .

برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم امریکا . تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود.
سپاه پاسداران باید تقویت شود.

مردم، شماره ۲۳۰، شنبه ۲۰ اردیبهشت ۱۳۵۹ و شماره های ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۴۳

در سالروز قیام خونین ۱۵ خرداد مردم یکپارچه و مصمم شعار میدادند:

مرگ بر امریکا، دشمن اصلی ما

درد بر خمینی، سلام بر شهیدان مردم، شماره ۲۵۲، شنبه ۱۷ خرداد ماه ۱۳۵۹

کمونیستهای امریکائی در کنار هواداران حزب توده ایران، امپریالیسم امریکا را محکوم کردند.

امپریالیسم امریکا خود را برای اقدامات تجاوزکارانه تازه علیه ایران آماده میکند

ضرورت دفاع از انقلاب حکم میکند که هر چه زودتر عوامل امپریالیسم امریکا در ایران سرکوب شوند

مردم، شماره ۲۶۱، چهارشنبه ۲۸ خرداد ماه ۱۳۵۹

دشمن اصلی - امپریالیسم امریکا - را فراموش نکنیم
چرا مطبوعات ، امپریالیسم امریکا را بفراموشی سپرده اند؟
مردم ، شماره ۲۶۶ ، سه شنبه ۳ تیر ماه ۱۳۵۹

براساس اسناد بدست آمده ، میسیونرهای مذهبی از جمله مراکز جاسوسی امپریالیسم امریکا در ایران بودند:

میسیونرها با گروهی از افسران ارتش ، نیروی هوایی و ادارات دولتی تماس و همکاری داشتند .
چندی پیش یک مرکز جاسوسی اسرائیل در تهران که تحت پوشش فرهنگی - تربیتی (اندیشه) به فعالیت های جاسوسی علیه انقلاب ایران مشغول بود، کشف شد. براساس اسنادی که از این مرکز جاسوسی بدست آمد؛ میسیونرهای مذهبی در ایران برای سازمانهای جاسوسی « سیا » ، « موساد » و « اینتلجنس سرویس » جاسوسی می کردند
مردم، ۳۱۹ ، پنج شنبه ۶ شهریور ۱۳۵۹

توطئه امریکا - بکمک لیبرال ها - علیه انقلاب ، در همان آغاز انقلاب فاش میشود
مردم ، ۳۳۱ ، شنبه ۲۲ شهریور ۱۳۵۹

شناخت دشمن اصلی - امریکا - مهمترین ویژگی خط امام
هربار که نیروهای رنگارنگ ضد انقلاب میکوشند دشمن اصلی را از زیر ضربه خارج کنند، امام خمینی تاکید میکند : « امریکا دشمن شماره یک مردم محروم و مستضعف جهان است »
مردم شماره ۳۳۵ چهار شنبه ۲۶ شهریور ماه ۱۳۵۹

طرح امریکا برای اشغال سه جزیره ایران در خلیج فارس خطرناک جدی و فوری
سپاه پاسداران اصفهان فاش کرد : نقشه « سیا » برای ایجاد جنگ داخلی در ایران :
رئیس سازمان سیا : تمام تخم های یک جنگ داخلی در ایران کاشته شده است
سازمان سیا نقشه و عکسهای هوایی فرودگاه ها و پایگاه های هوایی ایران و اسامی خلبانان ایرانی را در اختیار دارد
مردم شماره ۴۰۳ ، چهارشنبه سوم دیماه ۱۳۵۹

خطر امریکا جدی، فوری و باقی است
باید همگان را در مقابل تلاشهای خائنانه ضد انقلاب و خرابکاری و تحریک لیبرالها و مائوئیستها در ایجاد جبهه داخلی، به اتحاد دعوت کرد
مردم شماره ۴۰۵ ، شنبه ۶ دیماه ۱۳۵۹

هشدار! هشدار!

امریکا در آستانه اجرای توطئه هفتم است

مردم قهرمان ایران! زیرپرچم امام خمینی متحد شویم. در این صورت، امریکا هیچ غلطی نمیتواند بکند
مردم شماره ۴۰۹، پنجشنبه ۱۱ دیماه ۱۳۵۹

امپریالیسم امریکا پشت دروازه های میهن انقلابی ماست

* رسانه های گروهی امریکا با تبلیغات بیسابقه ای افکار عمومی امریکا را برای مداخله نظامی در ایران آماده میکنند
* نیروهای نظامی امریکا، که در شرایط جغرافیائی مشابه خلیج فارس تمرین میکنند، بسرعت آماده انجام عملیات میشوند
* با اتحاد همه نیروهای خلق، زیر رهبری امام خمینی، امریکا هیچ غلطی نمیتواند بکند.....
دقترنامه « مردم » هنوز در اختیار نامه « مردم » نیست مردم، شماره ۴۱۶، یکشنبه ۲۱ دیماه ۱۳۵۹

تیتربزرگ صفحه اول:

امپریالیسم امریکا هنوز به روی کار آمدن لیبرال ها در ایران امیدوار است!
تاکتیک دوگانه « مسخ انقلاب و سرکوب انقلاب » امپریالیسم امریکا را مردم انقلابی و آگاه ما شناخته اند و آماده اند که با مقاومت متحد خود هر دو تاکتیک اهریمنی امپریالیسم امریکا را با شکست روبرو سازند
مردم شماره ۴۱۹، چهارشنبه ۲۴ دیماه ۱۳۵۹

دو سال بعد از فرار طاغوت:

هنوز بعد از شاه نوبت امریکا است

مردم، شماره ۴۲۰، پنجشنبه ۲۵ دیماه ۱۳۵۹

برای مقابله با توطئه های امپریالیسم امریکا، تشکیل جبهه ضدامپریالیست باکشورهای عضو جبهه پایداری از خواستهای مبرم روز است.

امریکا به نیروهای واکنش سریع در مصر و اسرائیل آماده باش داد
کیسنجر در قاهره با اوینسی درباره سرنگونی جمهوری اسلامی ایران گفتگو کرد
مردم شماره ۴۲۲، یکشنبه ۲۸ دیماه

بخش سوم : اندر باب ساواک و اردوگاه های کار اجباری !

افشین شکنجه گرمعروف ساواک در تظاهرات ضد امریکائی ، شعار ضد شوروی میداد

مردم شماره ۸۲، شنبه ۱۲ آبان ماه ۱۳۵۸

تختی پهلوانی که در قلب توده ها جای جاودان خود را بازیافته است : ۱۲ سال از شهادت تختی می گذرد و هنوز راز قتل او فاش نشده است .

..... ساواک سرانجام راه شهادت تختی را یافت . روز ۱۷ دیماه سال ۱۳۳۶ روزنامه های تهران نوشتند ، « تختی خودکشی کرد » خبر ظاهرا درست بود . جسد جهان پهلوان را در یک هتل یافته بودند . روزنامه های گوسفندی رژیم با سروصدا به تبلیغ خودکشی تختی باتریاک و قرص خواب آور پرداختند . اما توده هایی که بعد از پخش خبر خودکشی او خود را به پزشک قانونی رسانده بودند ، دهان به دهان از پزشک قانونی نقل کردند که جای ضربه در پشت گردن او و چند جای بدنش دیده شده است . ساعتی بعد علیرغم جنجال بلندگوهای تبلیغاتی رژیم ، همه به همه میگفتند : « تختی را ساواک کشت »

مردم شماره ۱۳۷، دو شنبه ۱۷ دی ماه ۱۳۵۸

لیست ساواکیها را منتشر کنید !

این خواست کلیه علاقمندان به سرنوشت انقلاب ماست

مردم شماره ۹۶، دو شنبه ۲۸ آبان ماه ۱۳۵۸

برای ساواکی ها اردوگاه کار اجباری بسازید

مردم شماره ۱۸۵ و ۱۸۶، پنج شنبه ۱۶ و ۱۸ اسفند ماه ۱۳۵۸

[این شعار و تقاضا تقریبا در اکثر شماره های مردم دیده میشود]

ما هشدار میدهیم !

نقشه های ضد انقلاب

آتش زدن خرمنها و کشتزارها، ایجاد اغتشاش در شهرها، ایجاد اغتشاش در مناطق اقلیت های ملی در روستاها عمده ترین بخش این اقدامات آتش زدن کشتزارها و خرمنهاست . با اینکار ضد انقلاب میخواهد - دهقانان را خانه خراب کند و از انقلاب روگردان سازد - دشواریهای دولت جمهوری اسلامی را تشدید کند - کشور را دچار مضیقه خواربار سازد

مردم ، شماره ۲۴۱، پنجشنبه ۱ خرداد ۱۳۵۹

ضد انقلاب را سرکوب کنید ، قبل از آنکه فرصت توطئه یابد

« یکی از اتباع اسرائیل در نامه ای که به شورای انقلاب اسلامی ارسال داشته و این نامه در روزنامه جمهوری اسلامی مورخ اول خرداد منتشر شده ، فاش میکند که :

بر حسب دستورات مستقیم کارتر ، برای سرنگونی رژیم آیت الله خمینی نقشه ای تهیه شده است »

] روکردن این نوع «اسناد» همیشه از شاهکارهای حزب توده بود! « یکی از اتباع اسرائیل » !!! نقشه کارتر و اسرائیل را رومیکنند! یا «یک ساواکی فعال»؟! [دنباله مقاله را بخوانیم :

« چنانکه گواه آن بودیم ، این نقشه زیر عنوان « نجات جان گروگانها» وارد عمل شد ولی در نیمه راه ناموفق ماند.

روزنامه « الشعب » چاپ بیروت (چه شماره ، چه تاریخی !)

. . . . روزنامه الشعب چاپ بیروت می نویسد : « در آستانه تجاوز امریکا ، ملاقاتی پنهانی میان نماینده ویژه کاخ سفید و شاه سابق صورت گرفت که نمایندگان فرماندهی نظامی مصر و اسرائیل نیز در آن شرکت داشتند ، در این ملاقات اقدامات مربوط به هماهنگی میان نیروهای انتظامی و گروههای مخالف رژیم انقلابی ایران بررسی شد

نامه یک ساواکی فعال که مجاهدین انقلاب اسلامی آنرا منتشر ساخته ، تائیدی بر این مطلب است . ساواکی فعال می نویسد :

« توجه داشته باشید توطئه گران از اوایل انقلاب شروع به جمع آوری افراد تقریباً بالای ساواکی و افسران گارد و نوکرشاهی کرده وزیر چتر جیره خواری خود آنها را قراردادند ، تا آنها هم تمام افراد زیر دست خود را که فراری و یابیه لطف دولت موقت بخشیده شده اند جمع آوری کند ایجاد آشوب در شهرها و شرکت در توطئه ها بعنوان گروه های طرفدار این سازمان یا آن سازمان و یا ظهور در نقش حرب الهی متحجر . . . باید قبل از آنکه ضد انقلاب وارد عمل شود ، تمام مواضع آنها را درهم کوبید

مردم ، شماره ۲۴۴ ، دوشنبه ۵ خرداد ماه ۱۳۵۹ ، سرمقاله روزنامه

سران ساواک کمیته خرابکاری تشکیل داده اند

مردم ، شماره ۲۶۱ ، چهارشنبه ۲۸ خرداد ماه ۱۳۵۹

الاتحاد، ارگان حزب کمونیست اسرائیل :

مزدوران ایرانی تحت رهبری اوپسی در اسرائیل تعلیم می بینند.

مردم ، شماره ۲۶۳ ، شنبه ۳۱ خرداد ماه ۱۳۵۹

برای ساواکی ها اردوهای کارتتشکیل دهید ، دستگاه ساواک را بشکنید، ساواکی هارا معرفی

کنید: . . . امام خمینی آنگاه که خواست روحانیون بد را به شدیدترین لفظ محکوم کند گفت در چشم من روحانی بد از ساواکی هم بدتر است . چرا مردم از ساواکی ها تا این حد متنفرند؟ علت آنرا نه تنها در نقشی که ساواک در کشتار و آزار بهترین فرزندان ایران داشته است بلکه همچنین در شخصیت کسانی که به عنوان کارمند ساواک

سیاست کلی رژیم را در بیرحمانه ترین و کثیف ترین شکل ممکن اجرا میکردند باید جستجو کرد . کسانی را بخدمت ساواک می پذیرفتند که باصطلاح معروف بتوانند پستان مادرشان را ببرند، ساواکی سگ درنده رژیم بود در همین شماره : تصمیم دادگاه انقلاب ارتش جمهوری اسلامی ایران در قطع حقوق بازنشستگان ارتش، ژاندارمری و شهربانی جمهوری اسلامی ایران که ساکن خارج از کشور هستند، اقدامی مثبت علیه فعالیت این ضد انقلابیون و کاهش صدور ارز به خارج از کشور است .

مردم ، شماره ۲۹۲ ، شنبه ۴ مرداد ماه ۱۳۵۹

در ادامه محاکمه عاملان فاجعه سینمارکس :
طرح عملیات ساواک در جنایت سینما رکس فاش شد

مردم، ۳۲۲ ، دو شنبه ۱۰ شهریور ۱۳۵۹

[انتقام ساواکی ها !

لیست ساواکی ها را منتشر کنید ، شعاری بود که حزب توده ایران تقریبا هر روز در نامه « مردم » باتیت درشت خطاب به رژیم اسلامی چاپ میکرد .
وقتی شتر جلوی خانه حزب توده هم خوابید و سران حزب توده بجرم جاسوسی روانه زندان شدند، بر دیوارهای تهران این شعار دیده میشد:

لیست توده ای ها را منتشر کنید . !!]

بخش چهارم : اندر باب پند و راهنمایی و راه گشائی !

در تاریخ همیشه دو نوع مذهب وجود داشته :

- (۱) مذهب و عاظ السلاطین که ستمکشان را تخدیر میکرده تا به بردگی خود خو بگیرند
 - (۲) مذهب خمینی ها که مردم را برضد بردگی و ستم بر میانگیخته و بر میانگیزد
- مارکیست ها با مذهبونی از زمره دوم همگام هستند و باید همگام باشند
مردم شماره ۱۳۴، پنج شنبه ۱۳ دی ماه ۱۳۵۸

پاکسازی ارتش ضرورت انقلابی مبرم

پاکسازی ارتش - در یک کلام - ضرورت انقلابی است که باید بدون فوت کمتری وقت ، باتهایت جدیت ودقت و به وسعتی که تمامی ارتش را آماده برای نوسازی کند ، با قاطعیت انجام گیرد
مردم شماره ۱۸۰، شنبه ۱۱ اسفند ماه ۱۳۵۸

اعلامیه کمیته مرکزی : وحدت عمل انقلابی را باید در دانشگاهها احیا و تقویت کرد

در هنگامیکه ملت ما در نبرد بغرنج و دشواری با امپریالیسم خونخوار امریکا و همه دستیاران امپریالیستش، از اروپای غربی گرفته تا ژاپن، درگیر است و در زمانی که طبق رهنمود بادرایت امام خمینی، در پیام بمناسبت قطع رابطه با امریکا، اتحاد و همبستگی همه نیروها و هواداران همه مسلکها، برای مقابله با شیطان بزرگ به یک ضرورت تاریخی مبرم بدل شده است، باکمال تاسف تشنج شدیدی سراسر دانشگاهها و مراکز آموزش عالی کشور را فرا گرفته است

..... نهادهای طاغوتی در دانشگاهها و مراکز آموزش عالی کشور، میتوان گفت هنوز دست نخورده باقیست . این نهادها باید متناسب با نیازهای مبرم انقلاب ضد امپریالیستی، دموکراتیک و خلقی مهین ما از بنیاد دگرگون شوند. در دانشگاهها و مراکز آموزش عالی کشور هنوز عناصر طاغوتی بسیاری مقامهای مسئول و کرسیهای تدریس را در اختیار دارند . این عناصر باید تصفیه شوند این یک واقعیت است که بخش مهمی از اداره کنندگان نهادهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، آموزشی و بهداشتی فردای ایران مستقل در دانشگاهها و مراکز آموزش عالی کشور تربیت میشوند و در این زمینه نقایص جدی وجود دارد ولی بنظر ما، واقعیت دیگر آنست که بخش عمده و تعیین کنند اداره کنندگان کشور ما در دانشگاهها و مراکز آموزش عالی کشور های امپریالیستی یعنی کشورهایی که دشمنان سوگند خورده انقلاب ایران هستند، تربیت میشوند . هم اکنون اکثریت مطلق مهمترین مقامات مسئول را تحصیل کرده های امریکای جهانخوار و اروپای غربی همدست امریکا تشکیل میدهند. هم اکنون تعداد دانشجویان ایرانی که در امریکا و اروپای غربی به تحصیل مشغولند ، بمیزان زیادی از مرز صد هزار تجاوز کرده و سالیانه میلیاردها تومان برای مخارج آنان از محصول دسترنج ملت ما و ثروت ملی ما برای تحصیل و زندگی آنان از کشور خارج میشود . ولی همانطور که میدانیم باکمال تاسف ، تاکنون فقط

درصد ناچیزی از این فارغ التحصیلان و دانش جویان در خط دفاع از دستاوردهای انقلاب ایران باقی مانده اند و در آینده باقی خواهند ماند.

این واقعیت بما هشدار میدهد که توجه بیش از حد به یکطرفه امرو نادیده گرفتن طرف دیگر - که جهت عمده نیز هست - مسائل و مشکلات را حل نمیکند.

مردم شماره ۲۱۵، یکشنبه ۳۱ فروردین ماه ۱۳۵۹

پیشنهاد جمهوری دموکراتیک افغانستان درباره مذاکره با ایران ، ابتکار مهمی است که باید از آن استقبال کرد

مردم شماره ۲۴۰، چهارشنبه ۳۱ اردیبهشت ۱۳۵۹

سینما های ایران در تسخیر فیلم های امپریالیستی

از ۶۹ فیلمی که در تهران نمایش داده میشود، ۵۹ فیلم متعلق به کشورهای امپریالیستی است، که از این تعداد، ۳۱ فیلم امریکائی است .

در مرکز، جنوب، غرب و شرق تهران حتی یک فیلم مترقی هم نمایش داده نمیشود.

از میان ۶۹ فیلم روی پرده ، تنها ۶ فیلم آن مترقی است .

مردم ، شماره ۲۵۳ ، یکشنبه ۱۸ خرداد ماه ۱۳۵۹

درود بر پاسداران صدیق و جانباز انقلاب

پاسداران انقلاب تاکنون وظایف مهمی را در دفاع از دستاوردهای انقلاب ، در مقابل توطئه های ضد انقلاب انجام داده اند

پاکسازی صفوف سپاه پاسداران، وظیفه مبرم و عاجل مسنولان امر است

درفردای انقلاب و حتی مدتها پیش از آن ، از دل کوچه ها، از میان زحمتکشان، نیروی خلقی برای سرنگونی رژیم منفرسلطنتی و سپس پاسداری از دستاوردهای انقلابی که با خون ۷۰,۰۰۰ شهید آبیاری گردیده بود ، جوشید . .

مردم ، شماره ۲۶۰ ، سه شنبه ۲۷ خرداد ماه ۱۳۵۹

چه دست هائی در کار ایجاد تشنج اند ؟

ضد انقلاب میکوشد با عمده کردن مساله « حجاب اسلامی » خود را از زیر ضربه خارج سازد و با ایجاد تشنج و نارضائی انقلاب و رهبری انقلاب را آماج حمله کند .

مردم ، شماره ۲۷۴ ، شنبه ۱۴ تیرماه ۱۳۵۹

اعلام جرم نسبت به آقای صادق قطب زاده

جناب آیت الله موسوی اردبیلی دادستان کل کشور

آقای صادق قطب زاده وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، بکرات به بهانه ها و عناوین مختلف در مجموع حزب توده ایران و مسئولین آنرا، بنام ، با فحش و افترا و توهین مورد حمله قرار داده و در این رابطه الفاظ رکیک و خارج از نزاکت بکار برده که در اکثر مطبوعات کشور مانند کیهان ، اطلاعات ، بامداد، جمهوری اسلامی و غیره درج گردیده است .

در شان جمهوری اسلامی که خود را پای بند معنویات میداند نیست که وزیرش مفتری دروغ پرداز باشد و حتی عفت کلام و نزاکت را رعایت ننماید .

این اعمال آقای قطب زاده همچنین مخالف نیات و اوامر امام خمینی است که در هر فرصت مردم را با اتحاد و اتفاق و مبارزه علیه امپریالیسم امریکا دعوت نموده و آنرا از نفاق و نفاق افکنی بر حذر داشته و تصریح نموده است که همه قلمها و سلاحها باید علیه امریکا نشانه روی شود نه علیه مبارزین .

بنابراتب بالا بدینوسیله علیه آقای قطب زاده اعلام جرم میکنیم و مصرانه خواستاریم طبق قوانین و مقررات مربوط مورد تعقیب جزائی قرار گیرد و به مجازات و پرداخت خسارات معنوی محکوم گردد . اسناد ارتکاب جرم تقدیم باز پرس مربوط خواهد گردید .

کمیته مرکزی حزب توده ایران . دبیر اول ، نورالدین کیانوری .

رونوشت : دادستان تهران

تیتر مقاله دیگری در همین رابطه :

آیا سیاست وزارت امور خارجه ایران در راه منافع انقلاب و جمهوری اسلامی است ؟

مردم ، شماره ۲۷۵ ، یکشنبه ۱۵ تیر ماه ۱۳۵۹

قطب زاده مخفیانه در سوئیس با بختیار ملاقات کرد :

رونامه گتی اولوس چاپ ترکیه گزارش میدهد که در تاریخ بیستم و بیست و یکم ژوئن، صادق قطب زاده با بختیار جنایتکار و سازماندهان کودتای ضدانقلابی علیه جمهوری اسلامی ایران در سوئیس ملاقات کرده است . این روزنامه می نویسد که در این ملاقات مسئله سرنگونی جمهوری اسلامی ایران مورد بحث قرار گرفته است و شرکت کنندگان توافق کرده اند که برای همکاری ضد انقلابیون داخل و خارج ایران به منظور سرکار آوردن رژیم سرسپرده امریکا تشریک مساعی کنند . این روزنامه همچنین گزارش میدهد که قطب زاده در جریان اقامت خود در نروژ و سوئد در نیمه اول ماه ژوئن ، محرمانه با نمایندگان دولت امریکا دیدار و گفتگو کرده است، این روزنامه می افزاید که قطب زاده معتقد است که مقاومت « نابخردانه علمای مذهبی ایران به رهبری آیت الله خمینی مانع عمده در راه برقراری مجدد مناسبات ایران و امریکا است .

به نظر میرسد که این آخرین تلاشهای آقای قطب زاده برای پیشبرد سیاست آمریکائی « نه شرقی فقط غربی » او باشد . قطب زاده تاکنون بخوبی در جهتی عمل کرده است که با اهداف امپریالیسم امریکا در ایران تطبیق میکند، وی برای در خواب کردن مردم و منحرف کردن اذهان و جدا کردن انقلاب ایران از متحدان خویش در جهت توصیه برژینسکی است که زمینه را برای پیروزی توطئه های امپریالیسم امریکا ایجاد میکند از هیچ کوششی دریغ نورزیده است و . . . اکنون؟

به نظر میرسد که « پیروزی های » آقای قطب زاده به پایان نزدیک می شود . این طور نیست ؟

مردم، شماره ۲۹۳ ، یکشنبه ۵ مرداد ۱۳۵۹

] در رابطه با قطب زاده ، نامه مردم در یکی از شماره های خود - که متأسفانه در آرشیو من نیست - خیری باین

مضمون منتشر کرده بود :

« ... روزنامه دلی پست - یا چیزی شبیه این نام - چاپ قبرس خبر میدهد که قطب زاده با سیا در ارتباط بوده و مامور سیا است»

سؤال اینجاست که آیا اصولاً روزنامه ای بنام « دلی پست » در قبرس وجود دارد ؟ واگر وجود دارد در چه شماره و چه تاریخی این مطلب رانوشته است ؟ و مهمتر از همه برپایه چه سند و مدرکی ؟

دردوران دانشجویی یکی از رفقای توده ای در جلسه انجمن دانشجویان در پشت تریبون از پیشرفت صنایع شوروی ارقام نجومی ارائه داد که واقعا نجومی بودند!

پس از ختم جلسه در قهوه خانه ای پرسیدم رفیق این ارقام را از کجا گرفته ای ؟ در پاسخ گفت ارقام را خودم رقم زده ام !! . گفتم خوب حال اگر دوستان چپه ملی یا سوسیالیست منبع ارقام را از توخواستند، چه جوابی میدهی ؟

گفت : میگویم ماهنامه کومسلوف نشریه دانشجویان شوروی . حالا بروند نشریه و ارقام را پیدا کنند !!]

آموزش نظامی و تامین سلاح سپاه پاسداران از وظایف ارتش است

ارتش موظف به آموزش نظامی کمیته ها و ارتش ۲۰ میلیونی است

مردم ، ۳۲۳ ، سه شنبه ۱۱ شهریور ۱۳۵۹

تقویت سپاه پاسداران ، تحکیم انقلاب است

زمانی که حرکت خروشان توده ها ، بساط خیانت دودمان پهلوی و خدایگان آن ، امپریالیسم امریکا را از سر راه رویید، بر آسمان انقلاب ، ستارگانی پدیدار شدند، که پاسداران انقلاب اسلامی؛ نام گرفتند

مردم ، ۳۲۶ ، شنبه ۱۵ شهریور ۱۳۵۹

دوستان ایران، آماده همکاری اند

کشورهای سوسیالیستی در هفتمین نمایشگاه بین المللی بازرگانی تهران انواع لوازم و صنایع مورد نیاز ایران را عرضه داشتند و اعلام کردند که آماده اند، بدون هیچ شرط سیاسی، همه صنایع سبک و سنگین را در اختیار ایران بگذارند.

اکنون وقت آنست که بابتن قراردادهای برابر حقوق و با سود متقابل با کشورهای دوست، زمینه برای استقلال کامل اقتصادی ایران فراهم شود.

مردم شماره ۳۵۴ شنبه ۱۹ مهر

بخش پنجم: اندر باب واقع نگری، از جمله سینما رکس!

دردومین سالگرد فاجعه سینما رکس آبادان:

با اتحاد انقلابی خلق، توطئه های امپریالیسم امریکا را افشا و سرکوب کنیم
محاکمه و مجازات سریع عاملین فاجعه سینمارکس خواست مردم ایران است

دیروز دومین سالروز کشتار سینما رکس آبادان و روز تجلی خشم خلق بود. تجلی خشمی که از سینه های سوزان مردم قهرمان ما بصورت فریادهای « مرگ بر امریکا » زیانه کشیده و قلب دشمنان انقلاب را آماج شعله های خویش کرد. تجلی خشمی که پس از گذشت ۲ سال از فاجعه کشتار مردم بیگناه در سینما رکس آبادان، هنوز جوشندگی و توفندگی روزهای نخست خود را حفظ کرده بود.

دیروز مردم اهواز و آبادان؛ به دعوت ارگانهای انقلابی شهر؛ عزای عمومی برپا داشتند و طی یک راه پیمائی باشکوه، به سوی مدفن صدها تن از مردان، زنان، پیران، جوانان و کودکانی که در آتش جنایت امپریالیسم سوختند، شتافتند. آنان یکپارچه و مصمم بر سر مزار آن عزیزان پیمان بستند که تا نابودی کامل تمام وابستگی ها به امپریالیسم امریکا، تا سرکوب تمامی عوامل و مزدوران شیطان بزرگ و تا پیروزی کامل انقلاب ضدامپریالیستی و خلقی ایران از پا ننشینند و مبارزه خود را علیه تمامی دسایس و توطئه های شیطانی امریکای جنایتکار ادامه دهند. مردم قهرمان خوزستان خواهان محاکمه سریع و انقلابی عاملان این جنایت هولناک شدند و خاطره قربانیان بیگناه فاجعه سینما رکس را در فریادهای رزم و دلآوری خود گرامی داشتند.

دیروز دومین سالگرد سینما رکس بود. فاجعه ای که در آن ۱۰۰۰ تن از مردم ایران، در آتش نفرت امپریالیسم نسبت به مبارزات قهرمانانه مردم ایران سوختند و داغ ننگ دیگری بر پیشانی رژیم وابسته و جنایتکار شاه مخلوع باقی گذاردند.

دو سال پیش در چنین روزهایی عمال جنایتکار شاه مخلوع، این دست پروردگان مکتب جنایت و شقاوت امپریالیسم امریکا، به کردار اربابان هیتر منش خود، در سینما رکس آبادان کوره آدم سوزی برپا کردند، راههای فرار مردم بیگناه را که به تماشای فیلم مشغول بودند، بستند و با گازهای مخصوصی که از اسرائیل وارد کرده بودند، بیش از ۱۰۰۰ تن از تماشاچیان سینما را به آتش کشیدند. آنها میخواستند که با این جنایت هولناک ضد بشری به خیال خود از سوئی عزم مردم ایران در سرنگونی بساط ظلم و غارتگری رژیم شاه سابق را سست کنند، و از سوی دیگر با انداختن مسئولیت این فاجعه جنایتکارانه بدوش مبارزین ضد امپریالیست و ترفیخواه ایران، بین صفوف متحد خلق در نبرد با امپریالیسم امریکا و رژیم وابسته اش تفرقه بیندازند. تبلیغات بلند گویهای مزدور رژیم گذشته در این جهت بخوبی نمایانگر مقصود پلید این سیه دلان بود. اما با وجود تمامی این فعالیتها، نقشه آنان با شکست مواجه شد و « رایش تاک » شاه سابق، برخلاف انتظارش، بدل به آوار مهبیبی گشت، که بر سر او رژیم فاسد و مزدورش ویران شد.

گورستان آبادان، که رژیم میخواست از آن صدای نوحه و ناله بازماندگان فاجعه برخیزد، انعکاس دهنده خشم و نفرت خلق گشت. غرش « مرگ بر شاه » و « مرگ بر پهلوی خائن » فضای شهر را به لرزه درآورد و رژیم شاه سابق را بیش از پیش به وحشت انداخت. یورش مکرر درخیمان شاه سابق به گورستان آبادان، تیراندازی به

سوی مردم بیگناهی که در پی این حادثه به خیابان ها ریخته بودند و سرانجام صحنه سازهایی دلکان درباری برای سرپوش گذاردن بر این جنایت عظیم، همگی بیانگر ضربت مهلکی بود که این فاجعه، برعکس انتظار عاملانش به رژیم شاه سابق وارد آورده بود.

کوششهای رژیم شاه سابق برای بهره برداری سیاسی از این جنایت، در جهت ایجاد شکاف بین نیروهای خلق برایش سودی نداشت، مردم قهرمان، با اتحاد پولادین و نبرد حماسه آفرینشان، غول بزرگ تجاوز، غارت و جنایت را سرنگون کردند و ضربه سترگ و عظیمی بر پیکر امپریالیسم امریکا وارد آوردند.

بدنبال پیروزی انقلاب شکوهمند ایران، مردم قهرمان ما و بویژه اهالی خوزستان و بازماندگان شهدای سینمارکس آبادان، انتظار داشتند که دادگاههای انقلاب بطور سریع و قاطع جزئیات این فاجعه را روشن کند و عاملین جنایتکار آنرا به مجازات رساند، لیکن مقامات مسئول به این انتظار بحق مردم وقع چندانی نگذاشتند و تظاهرات و درخواست های مکرر مردم برای تشکیل دادگاه مجرمین، تاچندی پیش با بی توجهی روبرو بود. تنها چند هفته پیش دادگاه انقلاب اسلامی آبادان با انتشار لیست ۳۲ نفر از متهمان این جنایت، آنان را احضار کرد. این عمل گرچه با تاخیر بسیار انجام گرفت، لیکن اگر بطور جدی و پیگیر انجام گیرد، میتواند به خواست بحق مردم زجر دیده خوزستان و تمامی مردم قهرمان ایران جامه عمل ببوشاند.

محاکمه و مجازات جنایتکاران این فاجعه هولناک نه تنها بیانگر عزم و شور مبارزاتی خلق در نابودی تمامی عاملین کشتار و شکنجه دوران ۲۵ ساله حاکمیت رژیم شاه سابق است، بلکه نشاندهنده استواری آنان در تصمیمشان برای نابودی و از هم گسستن تمامی پیوند های اسارت و وابستگی به امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امریکای خونخوار است.

مسئولین دادگاه انقلاب اسلامی آبادان باید باتوجه به این خواست برحق و انقلابی مردم، بدون هیچگونه مسامحه و سستی، دژ خیمان را به پای میز محاکمه کشند.

مادر دومین سالگرد فاجعه سینما رکس آبادان، ضمن گرامیداشت خاطره قربانیان آن و ابراز همدردی با بازماندگان این جنایت عظیم، همپای مردم قهرمان ایران خواستار مجازات سریع عاملان آن هستیم و پیمان می بندیم که در مبارزه با امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امریکای جنایتکار، که نقشه های توطئه گرانه اش علیه انقلاب هر روز فزونی می یابد، مانند همیشه منادی اتحاد و تفاهم انقلابی باشیم. اتحاد و تفاهمی که تنها ضامن غلبه توطئه ها و برای تثبیت، تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب ایران است

مردم شماره ۳۱۲، چهارشنبه ۲۹ مردادماه ۱۳۵۹

آغاز محاکمه متهمان فاجعه سینما رکس

سرانجام پس از مدتها، که از تقاضای گروههای مختلف مردم مبنی بر محاکمه عاملان جنایت هولناک سینما رکس گذشت، دیروز صبح اولین جلسه محاکمه متهمان، به ریاست و حاکمیت شرع **حجت الاسلام موسوی تبریزی**، در محل سینما نفت آغاز شد.

حجت الاسلام موسوی تبریزی، که حاکم شرع دادگاه انقلاب تبریز نیز هست، در اولین جلسه داگاه از جمله، در مورد توطئه هایی که علیه انقلاب ایران جریان دارد، سخن گفت. سپس **نقیبی** دادستان انقلاب، کیفرخواست تنظیمی علیه متهمین را قرائت کرد.

لازم به تذکر است که از ۳۲ متهم احضار شده به دادگاه، تنها ۲۶ نفر در دادگاه حاضر بودند و محاکمه ۶ نفر دیگر بصورت غیابی انجام خواهد پذیرفت.

ماضن ابراز خرسندی از تشکیل دادگاه انقلاب، برای بررسی این جنایت هولناک، امیدواریم که مسئولین دادگاه انقلاب اسلامی با قاطعیت و جدید در کشف جزئیات این حادثه شوم و مجازات مسببین آن اقدام کنند و بدین ترتیب بار دیگر نشان دهند که دادگاههای انقلاب تبلور خشم توده ها علیه جنایتکاران و مزدوران امپریالیسم جهانی به سرکردگی امریکای جهانخوار هستند. محاکمه و مجازات سریع این جانان پاسخ مثبتی به خواست مردم انقلابی ایران و مخصوصا بازماندگان این فاجعه عظیم خواهد بود.

مردم شماره ۳۱۷، سه شنبه ۴ شهریور ماه ۱۳۵۹

اعترافات تکان دهنده در محاکمه عاملین فاجعه سینما رکس آبادان

یکی از مامورین آتش نشانی گفت: « وقتی دود از سینما خارج شد، متوجه شدم که بیشتر اجساد در مقابل راهروی خروجی و در خروجی رویهم انباشته و سوخته اند، و این امر میرساند که تماشاچیان چه جنب و جوشی برای خروج از سینما داشتند»

نخستین جلسه دادگاه ویژه رسیدگی به فاجعه سینما رکس صبح روز دوشنبه ۵۹/۶/۳ با شرکت صد هاتن از بازماندگان این فاجعه، در سالن سینمای نفت آبادان؛ به ریاست حجت الاسلام موسوی تبریزی تشکیل شد. در این دادگاه به جرائم ۳۴ نفر از متهمین، که ۷ نفر از آنها فراری و غایب هستند رسیدگی خواهد شد..... در قسمتی از کیفرخواست حسین تکبعلی زاده، متهم ردیف اول این فاجعه آمده است:

« برابر ادله، شواهد، مدارک و اسناد بدست آمده؛ آتش سوزی سینما رکس تصادفی و غیر عمدی نبوده، بلکه رژیم گذشته و عوامل سرسپرده آن رژیم و مقامات محلی وقت با تمهیدات قبلی و توطئه حساب شده قصد لوٹ ساختن حرکت انقلابی مردم مسلمان و نیز با آتش زدن سینما رکس قصد بهره برداری تبلیغاتی علیه مردم مسلمان و روحانیت مبارز را داشت»

در قسمتی دیگر از این کیفرخواست، بر اساس اعترافات صریح متهم آمده است:

« وی باتفاق سه تن از دوستانش به وسیله « تینر» آغشته بمواد روغنی، سینما را بطور کمر بندی به آتش کشیده و نهایتا منجر به آتش سوزی صد هاتن از مردم بیگناه شده، که سه نفر اخیر نیز در آتش سوزی جان می سپارند و حسین تکبعلی زاده موفق به خروج از سینما میشود و خود را از انظار پنهان میکند. وی پس از دستگیری ابتدا مطالبی خلاف واقع و متناقض اظهار میدارد و در تاریخ ۵۷/۱۰/۴ با صدور قرار زندانی و در تاریخ ۵۷/۱۱/۲۳ از زندان خارج ولی متعاقبا دستگیر میشود، وی در مراحل بازجویی به آتش زدن سینما رکس اعتراف میکند»

در این جلسه حسین تکبعلی زاده، کارگرنقاش، ضمن اعتراض نسبت به مطرح کردن مسائل خصوصی و خانوادگی، در دفاع از خود گفت « از شما می خواهم آنهایی را که در بستن درهای سینما دست داشتند، بگیرد. مقصران واقعی آنها هستند، چرا که در غیر این صورت عده زیادی میتوانستند از مرگ نجات یابند»..... متهمین ردیف ۲ تا ۵ این واقعه بر اساس کیفرخواست دادستان عبارتند

از: متهم ردیف ۲ سرتیپ علی اصغر ودیعی رئیس وقت ساواک منحل خوزستان، متهم به شرکت و طرح آتش سوزی و تهیه مقدمات ایجاد حریق سینما و شکنجه و دستگیری مبارزین و تلاش برای تحکیم رژیم منحط پهلوی

متهم غایب ردیف ۳، سرتیپ اخراجی شهربانی رضا رزمی؛ رئیس شهربانی های قم و آبدان، متهم به شرکت فعال در آتش سوزی سینما رکس، کشتار مردم بی دفاع قم و آبدان، قیام علیه استقلال مملکت متهم غایب ردیف ۴، سرهنگ محمد علی امینی، معاون وقت شهربانی آبدان، متهم به معاونت در آتش سوزی و قتل و آزار مردم متهم ردیف ۵، ستوان یکم بهمنی، افسرکلانتری مرکز در زمان وقوع آتش سوزی، متهم به عدم گزارش به موقع جریان آتش سوزی سینما رکس به آتش نشانی به غیر از این عده، ۲۹ نفر دیگر به اتهام شرکت در آتش سوزی سینما در این دادگاه محاکمه میشوند

مردم شماره ۳۱۹ پنجشنبه ۶ شهریورماه ۱۳۵۹

در محاکمه متهمین:

جزئیات و چگونگی به آتش کشیدن سینما رکس آبدان فاش شد

سومین جلسه رسیدگی به پرونده متهمین آتش سوزی سینما رکس آبدان، روز سه شنبه ۴ شهریورماه تشکیل شد

در این جلسه، حسین تکبعلی زاده، متهم ردیف اول، در جریان دفاع از خود، پرده از جزئیات فاجعه سینما رکس آبدان برداشت. وی پس از توضیح در مورد چگونگی آشنائی خود با چند نفر از عاملین آتش سوزی، جزئیات برنامه آتش زدن سینما سهیلا، که موفق به آتش زدن آن نشدند و چگونگی به آتش کشیدن سینما رکس آبدان را شرح داد.

وی در قسمتی از دفاعیات خود گفت:

« ما اول قصد داشتیم سینما سهیلا آبدان را آتش بزنیم، که بعد از ریختن تینر روی راهروی سینما، که دستشویی و توالت سینما در آن قرار دارد (منظور سینما سهیلا) هنگام زدن کبریت، که دوبار این کار را انجام دادیم، راهرو آتش نگرفت و این به خاطر خشک شدن تینر بود. سپس با چند نفر از دیگر رفقایم، که جهت انجام دادن این کار آمده بودیم، به علت انجام نشدن نقشه، به بیرون از سینما آمدیم و تصمیمی گرفتیم که تینر را باروغن مخلوط کنیم و روز بعد یعنی ۲۹ مرداد به همین سینما، یعنی سهیلا برویم و نقشه را عملی کنیم»

تکبعلی زاده سپس جریان وقایع شب ۲۸ مرداد ۵۷ را شرح داد و گفت: ا

« همان شب حدود ساعت ۸ بود که من ویدالله و فلاح سرکوجه مان ایستاده بودیم، که فرج آمد، یک شیشه باخود آورده بود و اصرار داشت که همانشب برویم سینما سهیلا را آتش بزنیم، من گفتم فردا اینکار را بکنیم و اواصرار کرد و تصویب شد که همان شب برویم»

رئیس دادگاه: « فکر نمیکنید فرج می خواسته حتما همانروز سینما آتش بگیرد؟»

متهم: « نمیدانم ممکن است» و سپس ادامه داد:

« بالاخره قرار شد برویم و فرج رفت و من ویدالله رفتیم جگری محل شام بخوریم. فرج و فلاح آمدند آنجا و دوباره به خانه رفته و همان شیشه ها را پر کردیم. هر کدام یک شیشه برداشتیم و بطرف سینما سهیلا رفتیم، که بلیط بگیریم. گپشه سینما تعطیل بود و قرار شد برگردیم خانه، ولی فرج گفت بریم داخل شهرگشتی بزنیم، ببینیم چه خبر است. از طرف سینما رکس رفتیم حسینیه اصفهانیها ببینیم سخنرانی هست یا نه، چشممان افتاد به سینما

رکس، فرج گفت « برویم برای این سینما» وبدون اینکه منتظرشود ما حرف بزنیم ، چهاربلیط گرفت و رفتیم داخل سالن نشستیم ، یکربع بعد که تقریبا اوایل فیلم بود، فرج گفت « بلند شویم برویم وقت آن است » رئیس دادگاه : « چقدر طول کشید فرج رفت و برگشت ؟»
متهم: « حدود ۱۰ دقیقه »

رئیس دادگاه: « فقط رفت دستشویی و برگشت ونمی دانید جای دیگری رفته وباکسانی حضورا ویاتلفنی حرف زده باشد؟»

متهم : « نمیدانم ونمی توانم نظری بدهم»
رئیس دادگاه: « فکرنمیکنید که آنموقع ، موقع رفتن دستشویی نبوده وبرنامه ای داشته ؟»
متهم : « من نظری ندارم ونمیدانم»

رئیس دادگاه: « نکته همین جاست که طرف بانهایت شدت اصرار داشته همان روز نقشه عملی شود و وقتی سینما سهیلا نشده، به سراغ سینما رکس آمدند و در این ده دقیقه که از داخل سالن بعنوان دستشویی بیرون رفته، چه کرده وباجه کسی صحبت کرده وچه کار کرده؟»

سپس متهم ادامه داد: « نصفه های فیلم بود که گفت بیرون برویم »
رئیس دادگاه : « پس از برگشتن از توالت چقدر نشست وبعد گفت برویم بیرون؟»
متهم : « حدود ۱۵ تا ۲۰ دقیقه »

سپس **حسین تکبعلی زاده** چگونگی پخش تینرروغنی در سالن انتظار و آتش زدن سینما را شرح داد و گفت:
« فرج ویدالله رفتند داخل سالن نمایش ومن زودتر از فلاح مواد را ریختم. سومین نفری که مواد را زودتر تمام کرد، من بودم و آمدم سران پیچ دوسالن، آنجا ایستادم ونگاهی به اطراف کردم ، اما هیچکس نبود. بعد فلاح هم موادش را تمام کرد ومن کبریت زدم. وقتی کبریت را انداختم، تقریبا دور تا دور سالن آتش گرفت، گر گرفت»
تکبعلی زاده در مورد وحشت و هیاهوی تماشاچیان داخل سینما گفت :

« بعد که صحنه آتش را دیدم وحشت زده داخل سالن نمایش دویدم. فلاح را در آنجا ندیدم وبالاخره جسدش هم پیدا نشد. نشستیم پهلوی فرج ویدالله . خواستم به آنها بگویم وداد بزنم ، اما نمیتوانستم . دوسه دقیقه بعدیک نفر از پشت در دادزد که سینما آتش گرفته است . تماشاچیان همه جیغ کشیدند وبه طرف پرده سینما ، که به در خروجی ختم میشد، رفتند وبه حساب خود میخواستند از آنجا بیرون بروند»

در این موقع مادران چند تن از شهدای این فاجعه بشدت منقلب شده بودند و یکی از آنها فریاد زد:
« کثافت، هنوز صدای آنها را می شنوی!»

هنگام دفاعیاتش، چندبار تشنج به **حسین تکبعلی زاده** دست داد، بطوری که نتوانست به دفاعیات خود ادامه دهد. به همین سبب چند دقیقه به نامبرده استراحت داده شد تا بتواند براعصاب خود مسلط شود.
متهم در ادامه دفاعیاتش، چگونگی فرار خود را از سینما شرح داد . او گفت:

« وقتی مردم بادر بسته سینما مواجه شدند، به طرف دیوار سینما، که پشت آن به خیابان امیری آبادان متصل است رفته، تا آن را خراب کنند و نجات یابند و در این لحظه فیلم قطع شده بود و چراغها روش شد ویدالله پهلوی من بود شاید فلاح در آتش سوخته بود ومن دیگر اورا ندیدم. بعد دیدالله گفت یک کیپسول آتش نشانی نزدیک دری است که به بالکن میخورد ویدالله کیپسول را برداشت که شاید از آتش جلوگیری کند و در این لحظه چندتن

از تماشاچیان بالگرد زدند و در « ۳۰ ریالی » را شکستند و عده ای هجوم بردند بطرف در، که من هم در اثر فشار آنها بیرون آمدم »

رئیس دادگاه: « وقتی شما سینما را آتش زدید، چرا باوحشتی که داشتید، دوباره داخل سالن نمایش شدید؟ متهم: « نمی دانم، همینطوری رفتم داخل و فرج گفته بود که کبریت بزن و بیا داخل »

رئیس دادگاه: « کسانی که طراح این نقشه بوده اند بوسیله افرادی مانند حسین متهم ردیف اول، که این طرح را پیاده کرده اند، حتی نمیخواستند یکی از این افراد هم زنده بماند، که مبادا روزی گوشه ای از این طرح ننگین برای ملت شکافته شود و فرج هم که اصرار داشت در همان روز قضیه اتفاق افتد، چرا به ایشان گفته بعد از آتش زدن داخل بیا؟ جز این است که این آقایان برنامه ای تنظیم کرده و پیاده کرده اند، چیز دیگری نمیتوان گفت »

رئیس دادگاه سپس در مورد مواد آتش زای شیشه از متهم سؤال کرد: « فکر میکنید که مواد داخل شیشه های کوچک می توانسته سینما را آنطور آتش بزند؟ همانموقع توسط کارشناسان وقت گفته شد که موادی میتواند اینقدر سریع و قابل اشتعال باشد، مانند بنزین واکتان، که پوست بدن و همه چیز را می سوزاند، آیا با دوستان خود مانند فرج یادت نمی آید که حرفهائی در این مورد زده باشید و اطلاع دارید که یکی از بستگان فرج ساواکی بوده باشد؟ »

متهم: « اوساواکی نبوده، بلکه بوسیله ساواک دستگیر شده و مسئله به اینصورت نبوده »

رئیس دادگاه: « او (فرج) نگفته بود که « تینر » را از کجا خریده و در کجا مخلوط کرده بود؟ »

متهم: « نمیدانم کجا، ولی وقتی آورد، مخلوط کرده بود »

رئیس دادگاه: « از کجا فهمیدید مواد « تینر » بوده و چیز دیگری نبوده؟ »

متهم: « فرج گفته بود « تینر » است »

رئیس دادگاه: « کارشناسان گفته اند بنزین هواپیما بوده »

متهم: « نمیدانم. من به گفته فرج اکتفا کردم »

رئیس دادگاه: « تو مواد را بونکردی »

متهم: « بوی موادی که داخل سینما سهیلا ریختم، مشخص بود که مال « تینر » است »

رئیس دادگاه: « بوی مواد سینما رکس رانفهمیدید؟ »

متهم: « نه »

دنباله جلسات دفاعیات متهم ردیف اول و دیگر متهمان به جلسه بعدی دادگاه موکول شد.

مردم شماره ۳۲۰ شنبه ۸ شهریورماه ۱۳۵۹

یکی از شهود دادگاه ویژه فاجعه سینما رکس گفت :

بعضی از کسانی هم که از سینما خارج شده اند، توسط ساواک کشته شده اند

در ادامه دادگاه ویژه رسیدگی به فاجعه سینما رکس آبادان؛ که در روز جمعه ۷ شهریورماه تشکیل گردید، نکات تازه ای از این فاجعه فاش شد.

در این جلسه دادگاه، یکی از شهود، که خودش حادثه شاهد آتش سوزی بود گفت:

« هنگامی که به تنهایی برای خاموش کردن آتش سالن انتظار سینما، که در آتش میسخت، از پلکان بالا رفته و قسمتهایی از سالن انتظار را خاموش کردم، که ناگهان شیئی محکم به سر من اصابت کرد و دیگر چیزی نفهمیدم. وقتی چشم باز کردم، خودم را در بیمارستان یافتم، هنگامی که در بیمارستان بودم، پس از مدتی چند مامور شهرداری به بیمارستان آمده و مرا با خود به شهرداری برده و مورد بازجویی قرار دادند»

اوسپس ادامه داد: « ممکن است بعضی از کسانی که از سینما خارج شده اند نیز توسط ساواک و ماموران دیگر کشته و دفن شده باشند، خود من شب بعد از حادثه در گورستان بودم و گروهی را که لباس شخصی و لباس ماموران ژاندارمری به تن داشتند، دیدم که سه جسد را به گورستان آورده و در حالی که درون پارچه ای پیچیده بودند، دفن کردند»

در ادامه شهادت شهود، محمد بذرکار، برادر فرج بذرکار، یکی از عاملان فاجعه، که در سینما سوخته است در جایگاه حضور یافت او گفت :

« من یکی و دو هفته قبل از وقوع حادثه متوجه شدم که فرج برادرم با حسین ارتباط دارد و اعلامیه های امام را می خوانند و به سخنرانیها و نوارها گوش میدهند، ولی مادرم از این موضوع خبر نداشت، تا اینکه شب فاجعه من خواب بودم که مادرم ناگهان مرا بیدار کرد و گفت « محمد بلند شو فرج نیست» . گفتم « مگر چطور شده؟ »

گفت « سینما رکس آتش گرفته » . صبح آنروز مادرم به گورستان شهر رفت و من در منزل ماندم. چند ساعت بعد رحیم میرصفیانی پسردائی من آمد خانه و به من فوری گفت : هر چه کتاب و اعلامیه هست جمع کن و ببر بیرون، چون ممکن است که ماموران حمله کنند به اینجا. فردای روز حادثه شنیدم که حسین فرار کرده و فرح و فلاح و یدالله که با او بودند، سوخته اند»

اوسپس ادامه داد: « مساله مهم این است که حسین در دفاعیاتش گفته غیر از ما چهار نفر کسی خبر نداشت . پس رحیم میرصفیانی چرا روز بعد از حادثه بجای اینکه به مردم شهر و داغ دیده ها کمک کند و اجساد را از سینما بیرون آورد و به گورستان ببرد، به منزل ما آمد و به من گفت : « اعلامیه ها را جمع کن و ببر! این میرساند که ایشان، که ساواکی هم بوده است، در این ماجرا دست داشته است »

در پی اطلاعات تازه برادر فرج، رحیم میرصفیانی طبق دستور دادستان دستگیر شد و تحت بازجویی قرار گرفته است

مردم شماره ۳۲۱ یکشنبه ۹ شهریور ماه ۱۳۵

در ادامه محاکمه عاملان فاجعه سینما رکس

طرح عملیات ساواک در جنایت سینما رکس فاش شد

یازدهمین و دوازدهمین جلسه محاکمه عاملان جنایت هولناک سینما رکس آبادان، دیروز و پریروز، در آبادان پشت سر گذاشته شد. در جلسه یازدهم محاکمه، ابتدا یکی از شهود بنام حسین نجارزاده احضار شد. وی طی سخنانی گفت:

« آنشب شاهد بودم که همه ماموران فحش میدادند، آنها به امام هم فحش میدادند که چرا خودش همراه با مردم در آتش نمیسوزند»

سپس متهم ردیف هفتم، بنام سرگرد مسعود خنیفر، به جایگاه احضار شد. وی از جمله گفت:

« نمیدانم این آتش نشانی پالایشگاه که درخاورمیانه بی نظیر است، چطور شد که سینما را خاموش نکردند! عملیات پلیس را سرهنگ امینی رهبری میکرد و تیمسار رزمی به اطاق خودش رفته بود»
شاهد بعدی دادگاه، علی محمدی گفت:

« نزدیک کافه لادن ایستاده بودم، دیدم یکبارہ برق سینما قطع شد و صدای جرقه آمد و برق خیابانها قطع شد..... سرهنگ امینی آمد و بعد ۱۰ تا ۱۵ مامور آمدند و جلوی در سینما را گرفتند و گفتند که چهار خرابکار رفتند بالا و میخواهند خرابکاری کنند. پس از آن گفتم: بگذارید باماشین خودم بزنم در سینما را بشکنم، اما نگذاشتند، بعد چهار طرف سینما را ماموران بستند»

متهم ردیف هشتم، بنام سرهنگ سیاوش امینی آل آقا نیز در جایگاه متهمین حاضر شد و از جمله گفت: « دوازده سال قبل به مدت ۶ ماه به همراه گروهی دیگر از افسران در اسرائیل دوره دیده ام »

دادستان دادگاه در توضیح پرونده این متهم گفت: «وی در زمان ستوان دومی در ساواک دوره دیده و در سال ۵۰ باکسب اجازه از شاه به منظور طی دوره به کشور « مروارید» اعزام شده و بعدا کشف رمز کردیم و فهمیدیم از « مروارید» کشور اسرائیل است. در سال ۴۶ و ۴۷ از شاه ترفیع گرفته و بخاطر جشن های ۲۵۰۰ ساله تشویق شده و به ساواک گزارش داده است که در آتش سوزی سینما رکس بمب منفجر کرده بودند.....»

شرکت گسترده ساواک در طراحی عملیات

دادستان دادگاه سینما رکس آبادان در چهارمین روز محاکمه عاملان این جنایت به نوار و اسناد مدارکی که از ساواک و شهربانی آبادان بدست آمده اشاره کرد و گفت:

« این نوار در حدود ۳ ساعت است و در آن مقالات سرهنگ امینی و سرگرد پیکرستان بوده و دقیقا گویاست که باکمک از یک خانم عملیاتی که ساواک ترتیب میدهد، بوسیله همین خانم فعالیت میکنند. فعالیت ساواک و شهربانی در شناسایی این افراد حاکی از این بوده است که ساواک در جریان جزئیات این فاجعه بوده است و در آبادان عملیات گسترده و خاصی را بنام (عملیات سهیلا) داشته اند.

دادستان در این جلسه به ماهیت ساواک و رژیم ضد خلقی شاه و کارهای ضد مردمی عاملان این جنایت و وحشیانه و ضد بشری اشاره کرد و در این باره مطالب مشروحی را بیان داشت.

دادگاه، تریبونی برای افشای جنایات رژیم شاه سابق

آقای نقیبی، دادستان ویژه پرونده فاجعه هولناک سینما رکس، در یک مصاحبه اختصاصی با روزنامه کیهان، که در شماره روز ۹ شهریور این روزنامه چاپ شده است نکات جالب توجهی را بیان داشته است. وی درباره متهمین و فراریان این فاجعه گفته است:

« آنها که در مظان اتهام هستند از رئیس شهربانی وقت تا معاونین او گرفته و مامورین شهربانی را تشکیل میدهند، که البته یک سری متهمان رده بالا متأسفانه مثلا سرتیپ رزمی قبل از پیروزی انقلاب فرار کرده، و بقیه هم بعد از انقلاب بوسیله کسانی که اینجا صاحب سمت در کمیته بوده اند، فراری داده شده اند و الان هم متواری و غایب هستند. البته دادگاه به پرونده آنها رسیدگی خواهد کرد و حکم غیابی صادر خواهد شد. دولت باید به هروسیله ای که میتواند و تاحدی که امکان دارد، سعی کند این فراریان را استرداد نماید، چون اینها کسانی نیستند که در خارج از ایران ساکت بنشینند. افرادی نظیر مهندس حائری شهردار وقت و مهندس عزیز ری رئیس

سازمان آب فراری هستند. و اینها افرادی بودند که با گرفتن تضمین قرار وثیقه آزاد شدند و با وجودی که ما اسامی آنها را در روزنامه اعلام کردیم، خود را معرفی نکرده اند.»
در ارتباط با شرکت مستقیم رژیم شاه سابق در این جنایات، دادستان گفته است:
« آنقدر دلایل و قرائن در دست هست که این کار توسط رژیم انجام گرفته که گمان میکنم با برگزاری دادگاه خود بخود این مسئله برای همه روشن خواهد شد. این یک کار سازماندهی شده از پیش بوده است و جز رژیم هیچکس اینکار را انجام نداده است. هر چند عامل اجرایی و یک عده از عوامل اجرایش آدمهایی ساده و احیانا غیروابسته بودند. این دادگاه میتواند یک تریبونی باشد برای افشای یک صدهزارم از جنایاتی که آن رژیم کرد. ولی خوب متأسفانه مادست بدامن هرکس شدیم، سند و مدرکی بما نداد. مثلاً سازمان اسناد ملی انقلاب اسلامی، با وجود نامه ای که خود آقای قدوسی نوشت و با وجود مراجعات روزانه، مابه هر جاکه فکر میکردیم مطلب بدرد بخوری ممکن است باشد مراجعه کردیم، بجز شهربانی کل، هیچکس چیز بماندادند.
کلا مقامات مسئول ازدادن اسناد و مدارک ابا دارند و خودداری میکنند. اسناد فراوانی وجود دارد که آدم وقتی که بر خورد میکند از غفلتی که ارگان های اجرائی داشتند از افشای جنایاتی که در رژیم سابق صورت گرفته تعجب میکنند»

دادستان در پایان مصاحبه در جواب این سوال که: « آیا افرادی که دستگیر شده اند واقعا مقصرند؟ » گفت:
« اینهایی که دستگیر شده اند اکثرشان مقصرند و اگر کسان دیگری مادرین رابطه پیدا کردیم، که مقصر و دخیل بودند، مردم همه موظفند که اینها را دستگیر کرده و تحویل دهند، بنابراین جهت ندارد که اگر کسی مقصر بوده، ما از تحویلش خودداری کنیم. البته
وظیفه من وقتی اینجا آمدم فقط این بوده است که پرونده را برای تحویل بدادگاه تنظیم کنم. ولی بهرحال تحقیقاتی را کرده ام»

مردم شماره ۳۲۲ یکشنبه ۱۰ شهریورماه ۱۳۵۹

* * *

] برای شناخت عاملین فاجعه سینما رکس رجوع کنید به مجله چشم انداز، شماره ۲۰، بهار ۱۳۷۸ چاپ پاریس، گزارش مفصل و جالب: « آبادان، ۲۸ مرداد ۱۳۵۷، سینما رکس » از « شیدا نبوی»

در این گزارش مصاحبه شیخ علی تهرانی با علیرضا میبیدی پرده از این جنایت و عاملین اصلی آن برمیدارد: **« شیخ علی تهرانی، شانزده سال بعد، مرداد ۱۳۷۳، همه حرفهایی را که آنزمان زده بود عوض میکند. اوشوهرخواهر سید علی خامنه ای است و سالها بود به دنبال اختلاف با خمینی به عراق پناهنده شده بود، در آغاز انقلاب حاکم شرع مشهد بود چندماه قبل از اینکه به ایران برگردد، در مصاحبه با رادیو صدای امریکا می گوید:**

من به اصرار خمینی به آبادان رفتم تا به پرونده سینما رکس رسیدگی کنم. من کلیه جزئیات پرونده را خواندم و در جریان آن متوجه شدم که در زمان شاه، مدرسین حوزه علمیه قم تصمیم گرفتند برای آنکه آبادان را هم به هیجان بیاورند (چون آبادان یکی از شهرهایی بود که هیچ امکان رخنه انقلابی در آن متصور نبود) آنجا را هم به آتش بگشانند. در جریان مطالعه پرونده متوجه شدم که سینمایی که قرار بود به آتش کشیده شود، سینما رکس نبود ولی بعد برنامه عوض شد و سینما رکس به عنوان هدف انتخاب گردید. در آن هنگام چهار نفر از مدرسین

حوزه علمیه قم طرح مشترکی را برای به آتش کشیدن سینما به امضاء رساندند. دقیقاً نمی دانم چه کسانی ، ولی تصور میکنم یکی از آنها شیخ حسینعلی منتظری بود. اجرای این طرح به سه مامور واگذار شد که آنها به آبادان رفتند، سینما را به آتش کشیدند و دونفر از آنها در جریان حریق، زنده زنده در آتش سوختند اما یکی توانست از این فاجعه جان سالم به دربرد وزنده بماند. اوبعدازاین اقدام دچار ناراحتی شدید وجدان شد، چون هیچکس فکر نمیکرد مقدار تلفات این آتش سوزی تا این حد باشد. من نزد خمینی رفتم وگفتم آقا! من چطور میتوانم حق را ناحق جلوه بدهم؟ وقتی که مشتی بیگناه را گرفته اند و میخواهند اعدام کنند وعاملان اصلی آتش سوزی همه مصدرکارند؟ وقتی درراه مشهد از رادیو اتومبیل شنیدم که تعدادی افراد بیگناه را به جرم این جنایت فجیع به ناحق اعدام کرده اند، خون گریستم ، والله گریه ام گرفت (مصاحبه باعلیرضا میبیدی برای رادیو صدای ایران، امریکا، چاپ شده درنیمروز، شماره ۲۷۷ (سال ششم ، جمعه ۲۱ مرداد ۱۳۷۳)

روزنامه اطلاعات در ۲۹ مرداد ۱۳۵۷ گزارش میدهد:

(..... از ۷۰۰ تماشاگر کوچک وبزرگ که درسالن سینما رکس آبادان سرگرم تماشای فیلم بودند درجریان آتش سوزی تنها ۱۰۰ نفر توانستند خودرازمهلکه نجات دهند وبه بیرون فرارکنند و ۶۰۰ نفر دیگر درمیان جهنمی از آتش سوختند..)

بخش هشتم : اندر باب حقیقت و انسانیت !

شاه مخلوع مرد

طبق گزارش خبرگزاری ها و نیز دفتر ریاست جمهوری مصر، شاه خائن دیروز مرد محمدرضا، فردی که در طول ۳۷ سال حکومت جابرانه و خون آلود خود ده ها هزار نفر از مردم آزادی خواه و حق طلب ایران را به خاک و خون کشاند، هزار هانفراز جوانان این کشور را زیر شکنجه تکه تکه کرد، ثروت های مردم را غارت کرد و در اختیار اربابان امپریالیست خود قرارداد و اقتصاد این کشور را به نابودی و فرهنگ آن را به انحطاط کشانید، گروهی را به غارت مردم گماشت و ۳۵ میلیون انسان را به ورطه فقر و گرسنگی ورنج فروبرد، دیروز رهسپار عدم شد.

محافل مطلع مصری اعتقاد دارند که شاه مخلوع بدست امریکا به قتل رسیده است بی شک این توطئه جدید امپریالیست امریکا نیز با آگاهی و هشیاری مردم انقلابی ایران عقیم خواهد ماند. هدف مبارزات انقلابی مردم کشور ما نه مرگ شاه مخلوع که قطع تمام وابستگی های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، نظامی و فرهنگی کشور ما به امپریالیسم امریکا است. [دقت کردید، محافل مطلع مصری (!!!)]

مردم، ۲۹۴، دوشنبه ۶ مرداد ۱۳۵۹

شوخی نیست . . . !

تیرتوپ !

« جسد شاه مخلوع را شش ملوان ازارابه توپ داربداخل مسجد حمل کردند در حالیکه جسد را داخل مقبره می گذاشتند بعنوان احترام (!) بیست و یک تیرتوپ در قاهره شلیک شد. . . . » اطلاعات ۸ مرداد ظریفی میگفت : چقدر دلم میخواست تیرهای توپ را من بسوئی که خودم میخوام شلیک میکردم!!

مردم شماره ۲۹۹ دوشنبه ۱۳ مردادماه ۱۳۵۹

یکسال از کشتار مشهد، که در آن ۵۰۰ نفر شهید و ۲۰۰۰ نفر مجروح شدند، گذشت

روزی که از خیابانهای مشهد خون جوشید

دهم دیماه، سالگرد یکی از خونین ترین جنایات شاه خائن است. سال پیش در چنین روزی گرازهای شاه مخلوع شهر قهرمان مشهد را درهم کوبیدند و به کشتاری دست زدند که حاصل آن تنها ۵۰۰ شهید بود. چنین کشتاری بعد از جنایت ۱۷ شهریور بیسابقه بود.

مردم شماره ۱۳۱، دوشنبه ۱۰ دیماه ۱۳۵۸

محاکمه شاه مخلوع به عنوان بزرگترین خائن، بزرگترین جانی، و بزرگترین دزد تاریخ باید تدارک شود.

.... سیاستی را که این خائن در عرصه صنایع، کشاورزی، مالی و بازرگانی پیاده کرد، موجب گردید که مثنی

سرمایه داروزمین داربزرگ وابسته، صاحب ثروتهای افسانه ای شوندمیلیونها مردم زحمتکش ب خاک سیاه بنشینند. بی مسکن، بی بهداشت، بی غذای کافی، بازحمت شاق شبانه روزی، میلیونها انسان شریف بامرگ ناشی از فقر در جنگی نابرابر قرار گیرند و همچون برگ خزان، بویژه کودکان معصوم، در گورستان بزرگ ایران بریزند. اوبزرگترین جانی تاریخ است. اودرسال ۱۳۲۵ بیش از ۲۰ هزار نفر مردم بیگناه آذربایجان را قتل عام کرده، او در همان حال در کردستان به کشتار بی امان پرداخته، اودر خرداد ۱۳۴۲ بیش از ۱۵ هزار نفر از مردم مبارز ما را به شهادت رسانده، اودنبال کودتای ۲۸ مرداد برای ایجاد رعب به خاطر ایجاد زمینه امضا قرارداد باکنسرسیوم نفت، ده ها افسرمیهن پرست را تیرباران کرده، او در مدت سلطنت استبدادی خود هزاران نفر از بهترین جوانان ما را در میدانهای اعدام، در کوچه و خیابان و بیابان و در سیاه چالها کشته، او هزاران نفر را زیر شکنجه بهیمی یاکشته و یامثله و معلول کرده، اودرجریان انقلاب پیروزمندما ده هاهزار نفر مرد وزن و کودک و سالخورده را در خون غلطانده است، اواز کشتار لذت میبرده است، به زنش « ثریا» که از دیدن سیل خون حالت تهوع باو دست داده، گفته است که بگذار ادامه دهند تا از « ابهت ماکم نشود»، اوازشکنجه لذت میبرده است، بازنش « فرح» سه بعد از نصف شب از خواب برخاسته تا « منصوره» را که زیر شکنجه « ابرازندامت کرده بود» تماشا کند. اودبست خود آدم کشته است. تمام جنایات این جانی جرقه ای مبتلا به سادیسم، باید مستند در فصل جنایتکاری او دقیق و منظم گردآوری شود تا دنیا بداند او چه حیوان خونخواری بوده و امپریالیسم امریکا چه گرگ خون آشامی را بر ملت ایران مسلط کرده بوده است

مردم شماره ۹۳، پنجشنبه ۲۴ آبان ماه ۱۳۵۸

۲ سال از قیام قهرمانانه مردم تبریز گذشت بمناسبت قیام مردم تبریز در ۲۹ بهمن ماه ۱۳۵۶

ضدانقلاب هنوز در آذربایجان سرگرم توطئه است باید با از میان بردن زمینه های موجود که میراث رژیم شاه خائن است، فعالیت ضدانقلاب را خنثی کرد.

دوسال از قیام خونبار تبریز میگذرد. در روز ۲۹ بهمن ماه سال ۱۳۵۶، مردم دلیر تبریز به دادخواهی خون شهیدان قم برخاستند.

در این روز از جانب چندتن از آزادیخواهان و علمای تبریز به خاطر چهل کشتار قم، عزای عمومی اعلام شد؛ دهها هزار نفر از مردم ستم کشیده، که از جور و جنایتهای رژیم منحوس پهلوی به جان آمده بودند، به خیابانها ریختند و به تظاهراتی که آمیزه ای از سوگواری برای شهدای قم و اعتراض به شرایط اختناق و استبداد حاکم بر ایران بود دست زدند. رژیم شاه مخلوع که تاب دیدن هیچگونه تظاهراتی رانداشت، پلیس را به میدان فرستاد و تظاهرات آرام آنها را بخون کشید. در این هنگام رژیم دست به دامان ارتش شد، سربازهای خود را به خیابانها فرستاد، تانکها را به حرکت انداخت، هلیکوپترها را بیرواز درآورد، غرش فانتوم های خود را برخ کشید و از راه زمین و هوا ب مردم بی سلاح ددمنشانه حمله شد.

جسد دهها شهید عزیز بردستهای خلق بود و عزمی که در سینه برای ادامه نبرد می جوشید. در این روز حماسه آفرین ۴۰۰ نفر شهید و نزدیک به ۱۰ هزار نفر مجروح میشوند.

مردم، شماره ۱۷۰، دوشنبه ۲۹ بهمن ماه ۱۳۵۸

بخش هفتم : اندریاب هنر گرانش !

استعفای آیت الله خلخالی و نگرانی مردم

خبر مربوط به استعفای آیت الله خلخالی حاکم شرع باآنکه خوشبختانه مورد قبول قرار نگرفت و هرگونه نگرانی را ازبابت این استعفا و احتمال انعکاس آن روی ادامه کاردادگاههای انقلابی برطرف کرد، باتعجب و تاسف همه میهن پرستان روبرو شد.

اظهارات آقای یزدی وزیر امور خارجه درباره سمت آقای خلخالی در دادگاههای انقلابی و پاسخ و استعفای آقای خلخالی بدنبال آن، انگیزه این تاسف و تعجب بود. ما صرف نظر از هر سلیقه شخصی که درباره نحوه کار دادگاههای انقلابی وجود داشته باشد، اعلام میداریم که کار دادگاههای میبایست ادامه یابد و از انقلابیون مقتدری نظیر آیت الله خلخالی برای ادامه کار این دادگاهها میبایست استفاده شود. سخنان وی درباره خاندان پهلوی و همدستان شاه مخلوع و حکم اعدام این تبهکاران مورد تأیید خلق بیخاسته ایران است و نباید موجب نگرانی برخی از مسئولان اجرائی سیاستهای دولت شود

مردم شماره ۱۹، دو شنبه ۷ خرداد ۱۳۵۸

آری، پشتیبانی می کنیم . . .

اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

پس از اینکه مدتی از « چپ » و راست نسبت « فرصت طلبی » به حزب ما داده شد و در عمل این اتهام، در برابر استواری حزب در موضعگیری اصولی ضد امپریالیسمی، رنگ باخت، و پس از اینکه بدنبال اتهام « فرصت طلبی »، طعنه « دنباله روی » به حزب ما زده شد و در عمل معلوم گردید که این طعنه نیز آلوده به غرض ضدیت با حزب است و در نتیجه در بین مردم بی اثر شد، اینک در این اواخر « دلسوزی » بحال حزب ما آغاز شده است !

افرادی که غالباً با حزب ما اساساً مخالفند، ناگهان برای حزب ما « دلسوز » شده اند . با چهره ای « متأثر » سرمیچنابند و میگویند : شما، نمیگویم، دنباله روی میکنید، ولی در پشتیبانی از امام « زیاده روی » میکنید ! برای رعایت انصاف باید افزود که این « دلسوزی » به برخی دوستان حزب نیرسرایت کرده است و بهمین دلیل لازم دانستیم سخنی چند در این باره بیان داریم یعنی روی سخن مابیشتر با این دوستان است تا با آن مخالفان، زیرا دوستان را بی غرضند و در اشتباه و مخالفان از موضع مخالفت هر روز شیوه ای بکار می بندند.

آری ، ما از امام پشتیبانی میکنیم، از مشی قاطع و آشتی ناپذیر امام در مبارزه برضد امپریالیسم عموماً و برضد امپریالیسم امریکا خصوصاً پشتیبانی میکنیم، از نظریات امام در زمینه لزوم مبارزه قاطع با بازمانده نفوذ امپریالیسم در ایران پشتیبانی میکنیم، از نظریات امام در زمینه ضرورت ریشه کن کردن ضد انقلاب پشتیبانی میکنیم، از نظریات امام در زمینه مخالفت با هر نوع اختناق، در زمینه ضرورت رعایت اصول انسانیت و عدالت و آزادیها پشتیبانی میکنیم .

مشی اصولی و سیاست بنیادی حزب در این زمینه های مهم، بویژه در زمینه مبارزه ضد امپریالیستی، بانظریات قاطع و پیگیر امام انطباق دارد و بنابراین ما از امام که پشتیبانی میکنیم از سیاست خودمان دفاع کرده ایم، و وقتی راه خود را پیگیری کنیم، از امام پشتیبانی کرده ایم.

اگر منظور از « زیاده روی » اینست که مادر مطبوعات خود پیوسته بر لزوم آتش توپخانه سنگین انقلاب بر ضد امپریالیسم، بویژه امپریالیسم امریکا، که دشمن اصلی و آشتی ناپذیر خلق ماست، تکیه میکنیم؛ ما این « زیاده روی » را ادامه خواهیم داد، زیرا ما وظیفه خود میدانیم که بقدر توان خود، قدرت رزمنده توده ها را برای ریشه کن ساختن نفوذ این دشمن اصلی در تمام عرصه های زندگی در ایران بسیج کنیم. اگر منظور از « زیاده روی »، اینست که ما برگشته های امام در زمینه مبارزه ضد امپریالیستی، در زمینه دفاع از انقلاب ایران، در زمینه حمایت از زحماتکشان تکیه میکنیم، ما باین « زیاده روی » نیز ادامه خواهیم داد، زیرا امام رهبرانقلاب ایران است، سخنان ایشان در میان توده ها نافذ است و بنابراین تکرار و تکیه بر این سخنان، باز هم کمکی است بهمان بسیج توده ها برای مبارزه قاطع و پیگیر بر ضد امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم امریکا، برای مبارزه در راه تثبیت و تحکیم دستاورهای انقلاب.

بعلاوه باید افزود که ما، بین مذهبی و غیر مذهبی مرز نمیکشیم و بنابراین طبعاً ما در همان جبهه ای قرار میگیریم که مذهبی ها و غیر مذهبی های انقلابی، ضد امپریالیست، استقلال طلب، آزادیخواه و مترقی قرار دارند و طبعاً در برابر آن غیر مذهبی ها و غیر مذهبی های ضد انقلابی و مرتجعی قرار میگیریم، که بگفته امام « بدتر از ساواکی اند »

پس ما همانطور که فرصت طلب نبوده ایم و دنباله رو هم نبوده ایم، زیاده روی هم نمیکنیم. تنها کاری که میکنیم پافشاری در جهت اتحاد عمل بر ضد امپریالیسم، برای رهائی ایران از اسارت و ظلم، برای تامین آزادیها و حقوق دموکراتیک مردم است.

این را دوستان حزب ما باید بدانند. مخالفان خود دانند؛ آنها هر چه دل تنگشان میخواهد بگویند. ما به مشی اصولی خود، بی وقفه و بدون انحراف ادامه خواهیم داد

مردم شماره ۴۰، دو شنبه ۲۵ تیر ماه ۱۳۵۸

نامزد های حزب توده ایران برای مجلس خبرگان

- رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران، از تهران
- رفیق احسان طبری، عضو هیات سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، از تهران
- رفیق انوشیروان ابراهیمی، عضو هیات سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، از آذربایجان
- رفیق حسین جودت؛ عضو هیات سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، از آذربایجان
- رفیق علی خاوری خراسانی، عضو هیات سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، از خراسان
- رفیق محمد علی عمونی، عضو هیات سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، از تهران
- رفیق عباس حجری بجنانی، عضو هیات سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، از تهران
- رفیق رضا شلتوکی، عضو هیات سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، از کرمانشاه
- رفیق ابوتراب باقرزاده، عضو هیات سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، از مازندران
- رفیق آصف رزم دیده، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران، از تهران

رفیق صابر محمدزاده؛ عضو هیات سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، از تهران
رفیق مریم فرمان فرماتیان فیروز، عضو هیات سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، از تهران
رفیق علی لامعی، مسئول سازمان حزب توده ایران در شهرستان بهشهر ازماندران
رفیق غلامرضا روحانی شهرکی، از مسئولین سازمان ایالتی حزب توده ایران در اصفهان، از اصفهان
رفیق حسین آذر، از مسئولین سازمان ایالتی حزب توده ایران در اصفهان، از اصفهان
رفیق علی اکبر مایل زاده، از مسئولین سازمان ایالتی حزب توده ایران در خوزستان، از خوزستان
مردم شماره ۴۷، چهارشنبه ۱۰ مردادماه ۱۳۵۸

اطلاعیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

پیرو اطلاعیه قبلی کمیته مرکزی حزب توده ایران درباره پشتیبانی حزب ما از نامزدهای غیرحزبی برای مجلس
خبرگان، اینک به اطلاع میرساند که در **کرمانشاه**، اعضا و هواداران و دوستان حزب، علاوه بر رفیق **رضا
شلتوکی**، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، به حجت الاسلام سید یونس موسوی رای خواهند
داد.

حزب توده ایران، ضمناً اعلام میدارد که در هر نقطه ای که **آیت الله صادق خلخالی** نامزد باشند، به ایشان رای
خواهد داد

کمیته مرکزی حزب توده ایران؛ ۱۳۵۸/۵/۹

مردم شماره ۴۷، چهارشنبه ۱۰ مرداد ماه ۱۳۵۸

توضیح

بنابه اطلاع رسیده، متأسفانه برخی مطالب مندرجه در مقاله ای که به مناسبت روز شهادت علی ابن ابی طالب
در روزنامه مردم نگاشته شده بود، در برخی نقاط مورد تعبیراتی قرار گرفته که گویا قصد برخورد خاصی نسبت
به شخصیت مذهبی خلیفه سوم در میان بوده است .
چنانچه بارها گفته ایم، روش حزب ما احترام به مذهب و معتقدات مذهبی است و قصد اهانت به هیچیک از ادیان
و مذاهب را ندارد و از این کار کمترین سودی نمیببرد.

مابنوبه خود از این جریان سخت متأسفیم و احترام صادقانه خود را به همه ادیان و مذاهب، بویژه به دین اسلام که
دین مردم کشور ماست و از آن جمله به مذهب جعفری اثنا عشری و مذاهب اربعه اهل تسنن یکبار دیگر تصریح
میکنیم

مردم شماره ۵۴، شنبه ۲۷ مرداد ۱۳۵۸

تلگرام گروهی از اعضای کانون نویسندگان ایران به امام خمینی

قم - دفتر امام

حضور عالی آیت الله العظمی امام خمینی، رهبر آزموده و رهشناس انقلاب اسلامی ایران
در تائید سیاست استوار ضد امپریالیستی آن بزرگوار

درهم پیوستگی باموج بزرگ وتازه جنبش رهائی بخش ملی ایران، که بااشغال لانه فتنه انگیزی وجاسوسی سفارت امریکا ازسوی جوانان عزیز وارجمند دانشجوی ما میرود تابه اوج قله پیروزی برسد. درهمگامی باقشرهای انبوه زحمتکش ومحروم ایران که انقلاب اجتماعی، استقرارعدل وبرابری، ونیل به حد آبرومندی ازرفاه درسایه کارشریف وباروررا دنباله طبیعی و ضروری انقلاب سیاسی میدانند. و به امید آن که خلق قهرمان ایران بامجاهدات جانبازانه خود موفق گردد تااستقلال سیاسی، اقتصادی، مالی، نظامی وفرهنگی کشوررابه نحو اکمل تحقق بخشد، ودرسایه این چنین استقلال واقعی، حقوق وآزادیهای مدنی واجتماعی رابرای همه افراد مردم وشرکت عملی شان را دراداره امورملی و محلی، بدورازهرگونه تبعیض تامین کند.

ما امضاکنندگان زیر، اعضای کانون نویسندگان ایران، که به فعالیت اخیراین کانون معترض بوده وهستیم، اعلام میداریم که صف مبارزه ما همان صف واحد انقلاب به رهبری امام است وازاین پس نیز، همچنان که درگذشته، نیروی اندیشه وقلم وبیان هریک ازما وقف خدمت به خلق وانقلاب خلقی واسلامی ایران خواهد بود باسلام ودرود گرم انقلابی

محموداعتمادزاده(به آذین) - سیاوش کسرائی - امیرهوشنگ ابتهاج(سایه) - فریدون تنکابنی - محمدتقی برومند

۱۵ آبان ۱۳۵۸

طبق آخرین اطلاعی که « مردم » بدست آورد، نامه فوق طی یک روز(۱۶ آبان) به امضای ۱۴ نفردیگرازاعضای کانون نویسندگان ایران نیزرسیده است، بشرح زیرین:

مهدی اسفندیارفرد- هانیبال الخاص - علی امینی نجفی - محمود برآبادی - جاهد جهانشاهی - محمد خلیلی - جلال سرفراز - اسدالله عمادی - محمد قاضی - کامبوزیا گویا - غلامحسین متین - ناصر موذن - جمال میرصادقی، هوشنگ ناظمی (نیک آئین) - رحیم نامور

مردم شماره ۸۷، پنج شنبه ۱۷ آبان ماه ۱۳۵۸

برپشتیبانی اعضای کانون نویسندگان ایران ازتلگرام ۵ عضو سرشناس کانون

محموداعتمادزاده(به آذین) - سیاوش کسرائی - امیرهوشنگ ابتهاج(سایه) - فریدون تنکابنی - محمدتقی برومند، به امام خمینی - افزوده میشود.

طبق اطلاع رسیده آقایان زیر نیز پشتیبانی خودراازتلگرام ۵ عضو سرشناس کانون نویسندگان ایران به امام خمینی اعلام داشته اند.

امیرحسین آریان پور، ناصرایرانی، اصغرالهی، محمدرضا اصلانی، محمدپورهرمزبان، ناصرپورقمی، جعفرجهانبخش، بهرام حبیبی، بهالدین خرمشاهی، بهرام داوری، رکن الدین خسروی، محمد زهری، منوچهرشیبانی، احسان طبری، نازی عظیمی، محمد رضا فشاهی، کامران فانی، بهزاد فراهانی، جعفرکوش آبادی، پرویز مسمجدی، محمدعلی مهمید، کیومرث منشی زاده، نصرت الله نوحیان (نوح) اسماعیل نوری علا

مردم شماره ۹۱، سه شنبه ۲۲ آبان ماه ۱۳۵۸

پشتیبانی نویسندگان متعهد از مشی ضد امپریالیستی و خلقی امام خمینی
تاکنون ۴۱ نویسنده، شاعر، مترجم، محقق و روزنامه نگار عضو کانون نویسندگان ایران، در تلگرامی به امام خمینی، رهبرانقلاب، پشتیبانی خود را از مشی ضد امپریالیستی و خلقی امام اعلام داشته و از اشغال سفارت امریکا حمایت کرده اند.

متن تلگرام باین شرح است
قم - دفتر امام - ۱۵ آبان ۱۳۵۸
حضور عالی آیت الله العظمی، امام خمینی، رهبر آزموده و رهشناس انقلاب اسلامی ایران در تائید سیاست استوار ضد امپریالیستی آن بزرگوار، در هم پیوستگی باموج بزرگ و تازه جنبش رهایی بخش ملی ایران که با اشغال لانه فتنه انگیزی و جاسوسی سفارت امریکا از سوی جوانان عزیز و ارجمند دانشجوی ما، میروند تا به اوج قله پیروزی برسد.

در همگامی با قشرهای انبوه زحمتکش و محروم ایران که انقلاب اجتماعی، استقرار عدل و برابری، و نیل به حد آبرومندی از رفاه در سایه کار شریف و بارور را دنباله طبیعی و ضروری انقلاب سیاسی می دانند. و به امید آن که خلق قهرمان ایران با مجاهدات جانبازانه خود موفق گردد تا استقلال سیاسی، اقتصادی، مالی، نظامی و فرهنگی کشور را به نحو اکمل تحقق بخشد، و در سایه این چنین استقلال واقعی، حقوق و آزادیهای مدنی و اجتماعی را برای همه افراد مردم و شرکت عملی شان رادار اداره امور ملی و محلی، بدور از هرگونه تبعیض، تامین کند.

ما امضا کنندگان زیر، اعضای کانون نویسندگان ایران اعلام میداریم که صف مبارزه ما همان صف واحد انقلاب به رهبری امام است و از این پس نیز، همچنان که در گذشته، نیروی اندیشه و قلم و بیان هر یک از ما، وقف خدمت به خلق و انقلاب خلقی و اسلامی ایران خواهد بود.

باسلام و درود گرم انقلابی
محمود اعتمادزاده (به آدین) - سیاوش کسرانی - امیر هوشنگ ابتهاج (سایه) - فریدون تنکابنی - محمد تقی برومند

نویسندگان زیرین هم پس از ارسال تلگرام به قم، متن آنرا امضا کرده اند
امیر حسین آریان پور - مهدی اسفندیار فرد - ناصر ایرانی - هانیبال الخاص - علی امینی نجفی - اصغر الهی - محمود برآبادی - ناصر پور قمی - جاهد جهانشاهی - جعفر جهانبخش - بهرام حبیبی - محمد خلیلی - رکن الدین خسروی - بها الدین خرمشاهی - بهرام داوری - شیخ مصطفی رهنما - جلال سرفراز - احسان طبری - نازی عظیمیا - اسدالله عمادی - بهزاد فراهانی - کامران فانی - محمد قاضی - جعفر کوش آبادی - کامبوزیا گویا - جمال میرصادقی - ناصر موذن - غلامحسین متین - محمد علی مهمید - پرویز مسجدی - کیومرث منشی زاده - هوشنگ ناظمی (نیک آئین) - نصرت الله نوحیان (نوح) - رحیم نامور - کاظم هژیر آزادی

مردم شماره ۹۳، پنجشنبه ۲۴ آبان ماه ۱۳۵۸

پشتیبانی نویسندگان متعهد از مشی ضد امپریالیستی و خلقی امام گسترش می یابد
خمینی، رهبرانقلاب پشتیبانی خود را از مشی ضد امپریالیستی و خلقی امام اعلام داشته و از اشغال سفارت امریکا حمایت کرده اند.

اسامی ۴۰ نفر از این نویسندگان متعهد همراه بامتن تلگرام، روز پنج شنبه در « مردم » به چاپ رسید. اینک نام ۱۳ نفر دیگری که متن را تأیید کرده اند، به اطلاع خوانندگان گرامی میرسد.

محمد پورهرمزان؛ منوچهر شیبانی، محمدزهری، محمدرضا اصلانی، محمدرضا فشاہی، حسن اصغری، جلال علوی نیا، حسن غلامعلی پور، کامبیز صدیقی، عبدالله عسگری، فرهاد عابدینی، مجید دانش آراسته، اسمعیل نوری علا

مردم شماره ۹۴، شنبه ۲۶ آبان ماه ۱۳۵۸

اگر محتاج اسلحه شدیم

« اگر محتاج اسلحه باشیم، از هر کجا که بدون قید و شرط بتوانیم بگیریم، خواهیم گرفت » این گفته آقای بنی صدر، سرپرست وزارت خارجه است. گفته درستی است حاکی از موضعگیری درست در زمینه تسلیح ارتش، که در پاسخ به سؤال خبرنگار « اطلاعات م بیان شده است .

..... آیا ما میتوانیم بدون قید و شرط اسلحه از خارج دریافت کنیم؟ آری میتوانیم، باین دلیل میتوانیم که هستند کشورهایی که هم در جبهه جهانی مبارزه برضد امپریالیسم قرار دارند و هم طرفدار استقلال کشورهای زیرنفوذ امپریالیسم و در نتیجه طرفدار انقلابهای رهایی بخش، از جمله انقلاب ایرانند

مردم شماره ۹۶، دوشنبه ۲۸ آبان ماه ۱۳۵۸

سخنرانی رفیق احسان طبری، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، در زمین

چمن دانشگاه پلی تکنیک

..... از خوشحختیهای این انقلاب آنست که رهبری آن در دست مردی است مانند امام خمینی، که جاذبه سیاسی را با تقوای روحانی همراه دارد و در اتخاذ تصمیم، قاطع و با کفایت است و باتوجه به مشخصات عصر ما (یعنی عصر افول قدرت امپریالیسم) ضربات خویش را جاتانه و صائب وارد میسازد. هم اکنون نام خمینی به نوازشی مهر انگیز برای خلقها، بغرشی خشمگین برای قشرهای انگل و غارتگر نه تنها در مقیاس میهن ما، بلکه در مقیاس جهانی بدل شده است و میشود و روش بیخردانه و پرفیس و افاده امریکا؛ که چشمش برای دیدن واقعیت عصر ما نابیناست، بر حیثیت این نام می افزاید. بیهوده نیست که روزنامه دیلی اکسپرس که از شنیدن نام خمینی گوشش آزرده میشود، برای ژنرالهای باصطلاح لایق ایرانی، که بتوانند چرخ حوادث را به عقب بازگردانند، آه میکشد. توده های عظیمی که بدنبال این رهبر بحرکت درآمده اند، نه تنها از سنن انقلابی غنی ایران بهره میگیرند، بلکه از چهره های روشن مذهب اسلام و تشیع نیز الهام می پذیرند. در میان این چهره ها، اینروزها بجاست از حسین بن علی نام ببریم که براس قیام کربلا، تا آخرین نفرو تا آخرین قطره خون خود علیه دشمنی قسی و کین توزانه سلسله پلید اموی ایستاد.

بدین مناسبت اجازه میخوام چند کلمه درباره حسین، این شهید جاوید تاریخ تشیع، که یاد کرد سوگ او وقهرمانی او در مبارزات حق طلبانه ما ایرانیان نقش مهمی داشت، سخن گویم، بویژه آنکه سنت یادکرد از روز عاشورای حسینی و بزرگداشت ابو عبدالله حسین بن علی امام سوم شیعیان، از طرف حزب ما و در روزنامه « مردم » سنت دیرینه ایست . حزب ما و روزنامه ارگان ما در آن هنگام که عزای حسینی تنها برای گریه واقعی

یا گریه نمائی بود، می نوشت که باید نمونه جانبازی **حسین** علیه یزید بن معاویه سرمشق هر مسلمان قرار گیرد. سرمشق نبرد بی امان علیه ظلم و سیطره غارتگران.

خوشبختانه در انقلاب اخیر ایران، سنت **حسین** و عاشورای او نقش مثبت و سازنده انقلابی ایفا کرد و هم اکنون نیز این سنت، این یادکرد، از حالت یک سوگواری عبث بیرون آمده، و بگفته **امام خمینی**، دلها را در راه و روشی شهادت جویانه هماهنگ میکند.

مبارزه **حسین** بایزید، به تضاد عمیق دوجناح مردمی و اشرافی قریش یعنی خاندان بنی هاشم و آل سفیان باز میگردد. ابوسفیان خودپس از آنکه از لشکر مهاجران و انصار به رهبری پیغمبر اسلام شکست خورد و سالوسانه به اسلام تن درداد، ولی کینه این جناح اشرافی قریش علیه جناح مردمی آن (که بنی هاشم باشند) کماکان باقی بود. این کینه تا پیغمبر اسلام میزیست و در نتیجه حیثیت عظیم و چیرگی ناپذیرش، آتشی بود در زیر خاکستر. وقتی پیغمبر درگذشت این تضاد شعله ور شد. پس از قتل **علی**، معاویه بن ابی سفیان میدان را برای تصرف مجدد قدرت؛ خالی از رقیب یافت.

در آن هنگام مسلمین به دو گروه یا نحله تقسیم شده بودند. نحله غربی بدنبال حاکم دمشق، یعنی معاویه افتادند. نحله شرقی که کوفه را مرکز خودفرا می نمودند و غالباً از ایرانیان و اعراب شیفته خاندان رسالت بودند، با سیطره امویان از در مخالفت درآمدند. آنها دائماً به **حسین بن علی** نامه میفرستادند که حاضرند بخاطر امامت و پیشوائی او جانبازی کنند.

معاویه در زندگی خود از دشواری کارخبرداشت. پسرش یزید، مردی هرزه گرد و شرابخوار وزن باره و بی تدبیر بود. بدستور معاویه او می بایست به محض رسیدن به خلافت **حسین بن علی** و عبدالله بن زبیر را به بیعت وادارد و اگر این دو از بیعت تن زدند. آنها را بی درنگ گردن بزند تا بعد از چهارمخصمه نشود.

ولی **حسین** توانست از خطر بگریزد و به مکه برود و سپس به اجابت دعوت مکرر کوفیان به عراق عرب روی آورد ولی سپاه اعزامی عبیدالله بن زیاد، فرماندار عراق (بدستور یزید) راه را بر **حسین** در دشت کربلا سد کرد و او و هفتاد و دو تن از یاران وفادارش را به شهادت رساند و خاندانش را به اسارت به دمشق فرستاد. این شهادت سرشار از حماسه از سوئی و قساوتها و ذالتهای مخالفان **حسین** از سوئی دیگر، واقعه ای کم نظیر در تاریخ پدید آورده است.

شگفت نیست که مردی چون **حسین**، که به پارسائی و دلیری شهره و از راه **فاطمه بنت محمد**، نوه پیغمبر اسلام بود، در سال ۶۳ هجرت نبوی چنین تنها و بی یاور بماند. پس از درگذشت پیغمبر اسلام، مشتی جاه طلبان دون صفت، که قدرت امویان را بامطامع خود سازگار می یافتند، گرد معاویه را گرفتند. سخن ابوهریره، که زمانی از صحابه رسول بود، در حق این طایفه صادق است. او میگفت: «الصلوه خلف علی اتم و طعام معاویه ادسم اللیل یوم الحرب اسلم» یعنی نماز تمام و کمال همان نمازی است که شما پشت سر علی می خوانید و پلوی چرب و چیل را تنها بر سر سفره معاویه میتوان خورد و اگر سالمترین جارا در روز جنگ خواهانید، به پشت تپه ها پناه ببرید! الحق که شعار کامل همه فرصت طلبان و اعضا «حزب باد» است، که در همه اعصار وجود داشته اند و متأسفانه تا امروز هم وجود دارند. در مقابل این ارادل، **حسین** بر آن بود که «ان الحیوه عقیده و جهاد». یعنی معنای زندگی در ایمان داشتن و در راه این ایمان خود پیکار کردن است. وی در خطابه خود، روز عاشورا، در برابر لشکر یزید بن معاویه گفت: «میدان جنگ برای من بمثابه محراب نماز و دعا است و من با همان هیجان و شوق بدان روی می آورم».

یزید بن معاویه، شکست فاحش نیاکان خود را در برابر «غزوه بدر» از یاد نبرده بود و بهمین جهت وقتی دربارگاهش پرده از سر بریده حسین برگرفتند؛ باشادمانی بانگ برآورد: « لیت اشیای به بدرشهدوا» یعنی «ایکاش نیاکان من درغزوه بدرشاهد این منظره می بودند» همین جمله نشان میدهد که چه کینه عمیقی در دل این طاغوت متفرعن اموی نسبت به شخصیت انقلابی حسین وجود داشت

مردم شماره ۱۰۴، چهارشنبه ۷ آذر ماه ۱۳۵۸

مادر همه پرسی قانون اساسی میگوئیم : آری !

حزب توده ایران از همه اعضا و هواداران خود و همه مردم ایران دعوت میکند که بخاطر تحکیم اتحاد همه نیروهای خلقی در نبرد علیه امپریالیسم به سرکردگی امپریالیسم امریکا و بخاطر پشتیبانی از رهبری ضد امپریالیستی و خلقی امام خمینی هر چه وسیعتر در رفراندوم قانون اساسی شرکت کنند و به این سند، رای مثبت دهند. کمیته مرکزی حزب توده ایران

مردم شماره ۱۰۵، شنبه ۱۰ آذر ماه ۱۳۵۸

تشکیلات دموکراتیک زنان ایران از همه زنان دعوت میکند که متحداً به قانون اساسی نوین رای مثبت دهند

تشکیلات دموکراتیک زنان ایران بخوبی به نواقص قانون اساسی و بخصوص مواد مربوط به زن واقف است اما برآنیم که امروز مردم ایران، اعم از زن و مرد، بزرگ و کوچک، باید در یک جبهه واحد همگام شوند . . . امام خمینی رهبرانقلاب اسلامی ایران همیشه مقام زن را والاداشته و نقش زن ایرانی را در انقلاب بسیار ارجمند شمرده و بارها خطاب به زنان گفته اند: « در مسائل سیاسی خودتان، در مسائل اجتماعی خودتان، دخالت کنید از هر چیز که برخلاف مسیر ملت باشد، انتقاد کنید»

مردم شماره ۱۰۶، یکشنبه ۱۱ آذر ۱۳۵۸

امام خمینی :

ما بنا بر این داریم که امور هر جار خوداهالی آنجا، خودآنهائی که در آنجا هستند، انجام دهند حاکم ولی امر نمیتواند به یک ناحیه بیشتر از ناحیه دیگر توجه کند. یک طرف کشور را زیادتر از طرف دیگر کشور آباد کند

مردم شماره ۱۲۱، چهارشنبه ۲۸ آذر ماه ۱۳۵۸

سلامت امام را آرزو مندیم

سلام به امام، سلام به وحدت خلق است
اعتماد به امام، تکیه دادن به نیروی توده هاست
طپش قلب امام، استمرار انقلاب است
دوام عمر امام، دوام انقلاب است

راه امام ، ادامه انقلاب است
صدای امام ، فریاد خلق است : شیطان بزرگ امریکاست
سلامت امام ، آرزوی توده های میلیونی خلق است
ما، از خلقیم
ما، با خلقیم
ما، با خلق :
سلامت امام را آرزو مندیم

مردم ، شماره ۱۵۰ ، پنجشنبه ۴ بهمن ماه ۱۳۵۸

امام از بیمارستان قلب، در لحظه ای حساس باقلب همه مردم سخن میگوید پیام وحدت در راه خلق . پیام انسانی و انقلابی

امام خمینی ، مردیکه باروشن بینی ژرف، باسیاست صائب و باقاطعیت پولادین خود انقلاب ما را رهبری کرد،
در یکی از لحظات دشوار برای سلامت خودش ، در فکر مردم و فکر انقلاب است
کسی نیست که پیام تکان دهنده و عمیقاً انسانی و انقلابی اورا از بیمارستان قلب تهران شنیده باشد و بار دیگر به
عظمت روح و صلابت اندیشه رهبر انقلاب آفرین نگفته باشد.

رهبر، در بستری بیماری است ، رهبری که توده های میلیونی به او وسلامت او می اندیشند ، ولی او با درک عمیق
حساسیت لحظه ، در فکر مردم و در اندیشه انقلاب است و لازم می بیند که علیرغم منع پزشکی و به بهای سلامت
خویش، آنچه را که در قلب دارد بهمه بگوید، بمردم بگوید، لحظه حساسی است، متصل و متحد باشید، چه حالا
و چه فردا، نزاع و نفاق نکنید، بهم اعانت کنید، نشان دهید که رشید هستید

مردم ، شماره ۱۵۱ ، شنبه ۶ بهمن ماه ۱۳۵۸

دعای من . سیاوش کسرانی ۶ بهمن ۱۳۵۸

صبح از سپیده دم / وقتی که خانواده ام را از خواب/ بیدار میکنم/ در کسب نان و آب حلالی به وسع خویش / من
کار میکنم

بادشمن بزرگ / در هر کجا که هستم و هر جبهه ای که هست / پیکار میکنم
همراه با خلائق/ هم راه میروم/ هم رای میدهم/ جان را ز عشق آینه کردار میکنم.
با کوچک و بزرگ / دارم نشست و آمد و رفت و بگومگو/ آری کلام حق را / در کوچه ها و برزن و میدان شهر و ده
/ تکرار میکنم / وان روز اگر رسد / جان را براه حق ایثار میکنم
اینگونه ، ای خجسته، ترا میدهم تن

مردم ، شماره ۱۵۲ ، یکشنبه ۷ بهمن ماه ۱۳۵۸

نامه کمیته مرکزی حزب توده ایران به امام خمینی
رهبر عالیقدر انقلاب، امام خمینی

خبربیماری و انتقال شما به بیمارستان برای همه اعضای حزب توده ایران و هواداران آن خبری سخت تکان دهنده و بسیار دردناک بود. نقش قاطع شما در رهبری انقلاب بزرگ مردم ایران و تداوم آن در جهت ضد امپریالیستی و خلقی، آن چنان سرنوشت ساز و عظیم است که هیچ انقلابی راستینی نمیتوانست جز بانهایت نگرانی چنان خبری را دریافت کند.

نخستین سخن شما در پیام تاریخی روز ۴ بهمن ماه از بیمارستان قلب که گفتید:

« حال خودم الحمدالله بدنیست » و سپس اطمینان هائی که حضرت حجت الاسلام حاج سیداحمد خمینی و پزشکان معالج داده اند، برای همه ما مایه بسی خرسندی است. همه ما از صمیم قلب آرزو مندیم که سلامت کامل خود را هرچه زودتر بازیابید و نقش برجسته خویش را در رهبری امور کشور و پیش برد انقلاب ما کماکان ایفا کنید و با همان روشن بینی ژرف و سیاست صائب قاطعیت پولادینی که وجه مشخصه رهبری شماست، انقلاب ایران را در جهت غلبه بر انواع خطرات و مهلکه هائی که آنرا احاطه کرده، غلبه بردسایس رنگارنگ ضد انقلاب - امپریالیسم امریکا و عمالش - هدایت نمائید.

انقلاب ایران و کلیه مردم زحمتکش ایران به وجود شما، به رهبری قاطع و بی تزلزل شما، به خط امام خود، نیاز حیاتی دارند. صادقانه امیدواریم که سالهای سال موهبت سلامت و فعالیت پرثمر شما ارزانی انقلاب و مردم ایران باشد.

باتقدیم درود های صادقانه و آرزوی صمیمانه تندرستی. **کمیته مرکزی حزب توده ایران. دبیر اول: نورالدین کیانوری**

مردم شماره ۱۵۳، دوشنبه ۸ بهمن ماه ۱۳۵۸

سالروز بازگشت امام به ایران گرامی باد

امام، با پیام وحدت برای مبارزه با آمریکا، آمد امام آمد. این جمله کوتاه خبری، ثمر دادن ۲۵۰۰ سال نبرد خلق های ایران، سرنوشتی رژیم وابسته به امپریالیسم و تدارک نبرد آینده با امپریالیسم خونخوار را یک جا در خود دارد.

امام آمد. در این دو واژه ساده، تاریخ معاصر ایران، آوای غریو خلق، فریادهای شهدا، متجلی است. امام آمد. و آن روز، امسال یک ساله است. آنروز امام، بعد از ۱۷ سال تبعید، به ایران باز میگشت. ماجرای ۱۷ سال نبرد امام باشاه خائن، خود بخش مهمی از تاریخ معاصر ایران است.

مردم، شماره ۱۵۶، پنجشنبه ۱۱ بهمن ماه ۱۳۵۸

باوقار پرنده دور پروازی . . . جلال سرفراز ۱۲ بهمن ماه ۱۳۵۷

می آیی/ سنگین می آیی / باوقار پرنده ای دور پرواز در گرداب آسمان / که باران سربش از پای در نیندازد.
می آیی / تادروازه های بسته تاریخ را بگشائیم/ بامردمی که پیش از اینت به گرمی ستوده اند/ در فوران خون شهید / که آزادی را ارج می نهاد.

شکوه پروازت را / بر توده نگران خاک و ظنم می بینم/ و بر جمجمه پوک خنیاگران مرگ / که با اشاره چشمی از ایشان در انداخته ایم.
درنگاهت

آینه ای میبینم، به وسعت آزادی
مردم، شمار ۱۵۶، پنج شنبه ۱۱ بهمن ماه ۱۳۵۸

شادباش کمیته مرکزی حزب توده ایران به محضر محترم حضرت آیت الله العظمی امام خمینی

رهبر عالیقدر انقلاب ایران

کمیته مرکزی حزب توده ایران نخستین سالگذشت انقلاب بزرگ و شکوهمند مردم ایران و آغاز قرن پانزدهم هجرت نبوی را به شخص آن حضرت که بحق رهبر گرانمایه این انقلاب شناخته شده اید، از صمیم قلب شادباش میگوید.

این انقلاب عظیم و تاریخ ساز، نظام فرتوت سلطنت مستبده را، که طی هزاران سال در این سرزمین منشا آنهمه بیدادها و فسادها بود، برانداخت و برای نخستین بار، نظام مردمی جمهوری را در میهن ما برپا ساخت. این انقلاب نه تنها انقلابی علیه استبداد شوم سلطنتی بود، بلکه از آن بالاتر رایت طغیان مقدس علیه امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم جهانخوار امریکا، را برافراشت و ناجیزی و ناتوانی این قدرت سلطه گرا برجہانیان آشکار کرد.

این انقلاب نه تنها به چنین قیام حماسه آمیزی دست زد، بلکه رهائی مستضعفین ایران و جهان را از اسارت و ستم مستکبرین و وظیفه خودشمرد و بدینسان از انقلاب مهم سیاسی، به یک انقلاب بزرگ اجتماعی نیز بدل شد. همه این برکات و نعمات انقلابی مدیون قاطعیت و جانبازی کم نظیر توده های میلیونی زحمتکش و همه میهن دوستان ایران و درایت و روشن بینی و سرسختی انقلابی شماست که تحسین و اعجاب جهانیان را برانگیخت و نام شما را در ردیف بزرگترین نامهای تاریخ جای داد.

انقلاب در تداوم خود وجود شما نیاز دارد. بیماری شما همه مردم ایران و از آنجمله ما را سخت رنج و نگران ساخت. از صمیم قلب آرزو مندیم که انقلاب بتواند در زیر رهبری شخص شما، راه خویش را ادامه دهد و کشتی آن، علی رغم توطئه دشمنان رنگارنگ، به ساحل مراد بپیوندد.

در این آرزو، برای شما تندرستی و عمر طولانی و کامیابی بردشمنان مستضعفان ایران و جهان را خواستاریم و مانند همیشه از تلاش مقدس شما بسود مردم ایران و استقلال و آزادی و سعادتش، با صمیمیتی بی خلل، پشتیبانی خواهیم کرد و در این راه برای اجرای همه وظایف ملی و میهنی خویش آماده ایم. **کمیته مرکزی حزب توده ایران.**

دبیر اول: نورالدین کیانوری مردم، شمار ۱۶۴، دو شنبه ۲۲ بهمن ماه ۱۳۵۸

تبریک جمعیت ایرانی هواداران صلح

به حضور عالی امام خمینی رهبر بزرگ انقلاب اسلامی ایران
نخستین سالگرد انقلاب کبیر ایران را که به رهبری قاطع آن حضرت و با جانبازی و نثار خون جوانان وطن به پیروزی رسید، به حضور امام بزرگوار و مردم انقلابی ایران تبریک میگوئیم.
به پیروی از رهنمود امام که فرمودید، **سلامت و صلح جهان جز بانابودی مستکبران حاصل نخواهد شد**، و نیز با اعتقاد به این حقیقت که امروز مهمترین وظیفه هواداران صلح، دفاع از انقلاب و مبارزه قاطع با امپریالیسم

جنگ افروز امریکاست، بار دیگر پیمان می بندیم که بادل و جان در خط امام کوشنده باشیم و بارامانتهی که بدوش گرفته ایم، به سر منزل امن و سعادت جهانی برسانیم.
دوام عمر و عزت امام را آرزو مندیم
مردم شماره ۱۶۶، چهارشنبه ۲۳ بهمن ماه ۱۳۵۸

دبیرخانه جمعیت ایرانی هواداران صلح

سلامت امام خمینی مایه خرسندی است

امام خمینی، رهبر انقلاب ایران، سلامت خود را بر اساس گزارش پزشکان، کاملاً بازیافته و تا آخر هفته جاری بیمارستان را ترک میکنند.
پزشکان اعلام کرده اند: « حال امام فوق العاده خوب است و تمام آزمایشات و نوارها حاکی از سلامت کامل امام است »

بازیابی سلامت امام خمینی، برای حزب توده ایران مایه نهایت خرسندی است. در این لحظات حساس که وجود امام مانند همیشه نقش بسیار مهمی در روند انقلاب ایران دارد، رفع بیماری ایشان برای توده ها و حزب توده ایران مژده بزرگی است.

مبارک دیگر دوام سلامتی امام خمینی را آرزو میکنیم و اطمینان داریم که توده های میلیونی زیر رهبری ایشان تاریخ کن کردن دشمن اصلی انقلاب ایران، یعنی امپریالیسم امریکا، به نبرد تاریخ ساز خود ادامه میدهند.
حزب توده ایران در این نبرد استرگ همراه خلق و رهبر انقلاب می رزمند و خواهد رزمید.

مردم، شمار ۱۷۱، سه شنبه ۳۰ بهمن ماه ۱۳۵۸

آیت الله خلخالی:

ماباکمال قدرت زمینها و اموال منقول و غیر منقول را از فنودالها گرفته و مصادره میکنیم

مردم شماره ۱۷۴، شنبه ۴ اسفندماه ۱۳۵۸

شادباش نوروزی کمیته مرکزی حزب توده ایران

به امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضور حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران در آستانه دومین بهار آزادی و مناسبت عید نوروز، عید همه خلق ستمکش و امیدوار ما، کمیته مرکزی حزب توده ایران شادباش های گرم خود را به حضور شما تقدیم میدارد و تندرستی و شادکامی شما آرزو میکند.
خبر و برکتی که رهبری شما برای انقلاب ما و کشور ما و همه مردم زحمتکش ما به همراه دارد، آنچنان قاطع و اثر بخش است که تردید نداریم همه زجر کشیدگان و محرومان جامعه، همه نیروهای اصیل انقلابی و مترقی، و در میان آنها کلیه اعضا و هواداران حزب توده ایران، که چشم امید به ثمرات انقلاب بزرگ مآدوخته اند، در این آرزوی قلبی و صمیمانه همصدای ما هستند

مراه درازی برای پیشبرد انقلاب و رسیدن به هدفهای ضدامپریالیستی و خلقی آن در پیش داریم و برای پیمودن این راه، بوحدت کلمه و عمل همه نیروهایی که این انقلاب عظیم را به پیروزی رسانند، نیاز حیاتی است.
بشهادت تاریخ و انقلاب ما، رهبری شما نقش قاطع در نیل به این اهداف و در پیمودن این راه دارد.

آرزو داریم در سالی که می‌آید، انقلاب ایران در نبرد علیه امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم امریکا، و بقایای رژیم مخلوع و در جهاد سازندگی برای بنای ایرانی مستقل، آزاد و آباد، برای سعادت توده مردم، زیر رهبری پیگیر و مدبرانه شما و به نیروی متحد همه مردم انقلابی ایران، به پیروزیهای بازم بیشتر و بزرگتری نائل آید

کمیته مرکزی حزب توده ایران، دبیر اول: نورالدین کیانوری

مردم شماره ۱۹۵، سه شنبه ۲۸ اسفند ماه ۱۳۵۸

درود و افتخار بردانشجویان مسلمان پیرو خط امام

بدنبال موضع قاطع و سازش ناپذیر امام در مبارزه با امپریالیسم جهانخوار و جنایتکار امریکا، استقامت و پایداری دانشجویان مسلمان پیرو خط امام در باقی ماندن گروگانها در دستهای محنت کشیده مردمی که از امپریالیسم غدار تازیانه ها خورده اند، سهم اساسی داشته است.

مردم شماره ۲۰۷، پنجشنبه ۲۱ فروردین ماه ۱۳۵۹

تسلیت به امام خمینی و همه شیعیان جهان

طبق پیام امام خمینی شهادت آیت الله سید محمد باقر صدر و همشیره ایشان بوسیله رژیم جنایتکار بعثی عراق مسلم شده است

ما این ضایعه را به امام خمینی و همه شیعیان جهان صمیمانه تسلیت می گوئیم .

مردم، شماره ۲۱۸، چهارشنبه ۳ اردیبهشت ماه ۱۳۵۹

پیام تشکیلات دمکراتیک زنان ایران

ما نهضت خودمان را مدیون زنان میدانیم « امام خمینی »

بیستم جمادی الثانی، روز تولد فاطمه (ع)، بانوی بزرگ اسلام از طرف مقامات جمهوری اسلامی ایران بعنوان روز زن در ایران برگزیده شده است.

تشکیلات دمکراتیک زنان ایران این روز را به همه بانوان و مادران ایرانی تهنیت میگوید. زنان ایران با شرکت فعالانه خود در همه مراحل انقلاب نشان دادند که در جامعه مادیکر هیچ نیروئی نمیتواند مانع شرکت زنان در تعیین سرنوشت کشور شود.

تشکیلات دمکراتیک زنان ایران، وظیفه سنگین و پرمسئولیت زنان و مادران را در حفظ و دفاع از انقلاب ضد امپریالیستی، مردمی و شکوهمند کشور، در لحظه حساس کنونی یادآور میشود.

دشمن در کمین است، اورا براندازیم
جامعه نودر جلوی ما است، آنرا باهم بسازیم

تشکیلات دمکراتیک زنان ایران ۱۳۵۹/۲/۱۴ مردم شماره ۲۲۷، سه شنبه ۱۶ اردیبهشت ماه ۱۳۵۹

پیام تبریک کمیته مرکزی حزب توده ایران بمناسبت سالروز تولد امام خمینی
حضور حضرت آیت الله العظمی، امام خمینی، رهبر و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران

شادباش سالروز تولد **امام** را با سپاس میلیونها مردم محروم خود قرین ساخته ایم، مردمی که بحق رهایی خودرازستم امیرالیسم امریکا، و حکومت پهلوی - سلاله جباران؛ خیانتکاران و مزدوران، ناشی از درایت **امام** و نقش قاطع رهبری او میدانند .

قاطعیت و پیگیری **امام** در مبارزه، تندباد خشم توده ها را برفراز میهن ما به گردش درآورد، گرگ خونخوار از ترس عقب نشست و گزمه ها و شحنة های رژیم بیداد او، رمارم گریختند. به شادی این رهائی برای **امام** سالیان دراز حکومت بر قلوب محرومان جامعه را آرزو میکنیم .

امام باتکیه بر نیروی لایزال توده ها، طلسم بسته استیلای امپریالیسم متجاوز را شکست و ما به شکرانه این نعمت بزرگ، برای **امام** سالیان دراز دیگر عمر پربار آرزو مندیم .

اگر پایداری و استقامت **امام** در برابر خیانتکاران، سازشکاران و عناصر مردد، متزلزل، ترسو و دودل نبود، چه بسا که روند رهایی در نیمه راه متوقف می ماند . به شکرانه این رویداد نیک، آرزوی سلامت کامل **امام** در دلهایمان شعله میکشد.

آرزو مندیم که **امام خمینی** ، رهبر باتدبیر انقلاب، سالیان دراز بمانند و بار رهبری قاطع خود انقلاب را، که در این روزها در خطر جدی است، به پیش رانند . همگی آرزو مندیم .

کمیته مرکزی حزب توده ایران . دبیر اول - نورالدین کیانوری . ۱۳۵۹/۲/۱۶

مردم ، شماره ۲۲۸ ، چهارشنبه ۱۷ اردیبهشت ماه ۱۳۵۹

امام خمینی : . . . شما موظفید، هم وظیفه شرعی و هم وظیفه قانونی دارید که دستگاه رادیو تلویزیون را از گروهائی که منحرف هستند و یا ارتباط با رژیم سابق داشتند و در خدمت آنها بودند، تصفیه کنید و اشخاصی که فاسد هستند که موجب فساد میشوند هم تصفیه کنید . . . مهمتر از همه قضیه اخبار است که باید کاملاً دقت شود که اشخاصی منحرف در آن راه نیابند . . . فیلمهائی که از خارج به ایران می آید ، اکثراً استعماری است . لذا فیلمهای خارجی استعماری را حذف کنید، مگر صد درصد صحیح باشد . . . بار دیگر تذکر میدهم که آنجارا از وابستگان رژیم سابق تصفیه کنید، البته مصاحبه اشکالی ندارد، ولو اینکه یک کمونیست بیاید و حرفش را بزند و همانجا از شخص دیگری جواب بگیرد . این مانعی ندارد . از سخنان امام درباره رادیو تلویزیون

مردم ، ۲۳۶ ، شنبه ۲۷ اردیبهشت ماه ۱۳۵۹

مردم تهران دیروز در راه پیمائی وسیعی حمایت خود را از اقدامات قاطعانه حجت الاسلام خلخالی اعلام داشتند عصر دیروز مردم تهران بمنظور حمایت از اقدامات قاطعانه و انقلابی حجت الاسلام خلخالی علیه قاچاقچیان مواد مخدر، سودگران مرگ و نیستی، راه پیمائی کردند . این راه پیمائی بدعوت جامعه اصناف تهران از دانشگاه تاجلوی لانه جاسوسی امریکا برگزار شد . مردم تهران در طول مسیر با حمل پلاکاردهائی حمایت بیدریغ خود را از اقدامات انقلابی حجت الاسلام خلخالی اعلام کردند و در شعارهای خود، خواهان بسط و گسترش

این قاطعیت انقلابی در تمام عرصه و در برخورد با انواع مشکلاتی که در مقابل رشد و گسترش انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ما سد ایجاد کرده اند، شدند
مردم، شماره ۲۴۷، شنبه ۱۰ خرداد ماه ۱۳۵۹

اتحاد مسلمانان انقلابی پیرو امام خمینی و پیروان راه سوسیالیسم علمی
ضرورت حیاتی و تاریخی و مطمئن ترین وثیقه برای تامین پیروزی قطعی و نهائی انقلاب ایران است
هفدهمین سالگرد قیام ۱۵ خرداد را به امام خمینی، رهبر انقلاب، به مردم ایران و همه نیروهای انقلابی صمیمانه
تهنیت میگوئیم
مردم، شماره ۲۵۱، چهارشنبه ۱۴ خرداد ماه ۱۳۵۹

فریاد پردرد امام خمینی
امام خمینی در گفتار تاریخی خود در برابر خانواده های شهدا و معلولین انقلاب بار دیگر با صراحت، قاطعیت
و صمیمیت خاص خود اعلام کرد که دستاوردهای انقلاب ایران را در دوران پس از سرنگونی رژیم شاه کافی نمی
داند و تا آن حد کافی نمیداند که لازم میشمارد، در مقام رهبری انقلاب، در برابر مردم ایران عذرخواهی کند. . . .
امام مانند همیشه صادقانه سخن میگفت و سخنانش در دل دردمندان انقلاب ایران می نشست
مردم، شماره ۲۷۱، سه شنبه ۱۰ تیر ماه ۱۳۵۹

اخبار مجلس :
در پایان مجلس ماده واحده ای را درباره تغییر نام « مظهر عدل مظفر » به « مظهر عدل علی » تصویب
کرد .
مردم، شماره ۲۹۳، یکشنبه ۵ مرداد ۱۳۵۹

بیماری حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی
در جلسه دیروز مجلس علی اکبر پرورش اعلام کرد که حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس شورای
اسلامی، به علت بیماری و انجام یک عمل جراحی بستری است. ما امیدواریم رئیس مجلس شورای اسلامی
هر چه زودتر بهبود یابد و در جلسات مجلس حاضر شود
مردم شماره ۳۹۷ چهارشنبه ۲۶ آذر ماه ۱۳۵۹

امام خمینی :
هر کس از افراد ملت، اسلحه را کنار بگذارد و بیاید در ملت وارد بشود. . . . آنها را می پذیرم
ساده اندیشی است که ماگمان کنیم که باید همه اینها که تخصص دارند، هر طور که میخواهند باشند، باید بیایند
و ما از شان استفاده کنیم .

امام خمینی از جمله گفتند: ساده اندیشی است که ما گمان کنیم که فقط تخصص میزان است و علم میزان است . علمی الهی هم میزان نیست ، علم توحید هم میزان نیست ، علم فقه هم و فلسفه هم میزان نیست
مردم شماره ۴۱۵، شنبه ۲۰ دیماه ۱۳۵۹



پوستر حزب بمناسبت روز جهانی «زن»!!

بخش هشتم : اندریاب هنر خبرچینی !

آیا راست است :

که رئیس شعبه بازار بانک ملی از حامیان رژیم شاه مخلوع بوده و هنوز هم بنفع رژیم سرنگون شده سلطنت تبلیغ میکند؟

مردم شماره ۱۷۷، سه شنبه ۷ اسفندماه ۱۳۵۸

آیا راست است

که آقای اسحق فرهمندپور، معلم خصوصی بهمن، پسر غلامرضا پهلوی، خود را از طرف جامعه یهودیان نامزد نمایندگی مجلس شورایی کرده و صلاحیت او، علیرغم تذکرات مکرر یهودیان ایران، از طرف وزارت کشور تأیید شده است؟

مردم شماره ۱۸۹، سه شنبه ۲۱ اسفندماه ۱۳۵۸

توطئه کودتا در هم شکسته شد .

رفیق نورالدین کیانوری در جلسه پرسش و پاسخ درباره کودتای نوژه :

. کودتا شکست خورد اما وظیفه ما چیست ؟

. چشمها و گوش هایمان هفت برابر باز باشد و بدانیم فعالین ضد انقلاب را در هر گوشه ای تشخیص دهیم و با سرعت آنرا منتقل کنیم، اگر نمونه هائی پیدا بشود که این نمونه ها قابل توجه هست، آنرا منتقل بکنیم به مرکز و از این جا ما بتوانیم با جمع کردن نمونه های مختلف اطلاعات مختلف، از جاهای مختلف، بتوانیم فعالیت ضد انقلاب را خلاصه چشم بینائی نسبت به آن داشته باشیم و کمک بکنیم از این راه برای مبارزه علیه ضد انقلاب. این مسئله فوق العاده مهم است و وظیفه هر انقلابی در شرایط کنونی است . در هر جایی که هست چه در داخل حزب هست ، چه جای دیگر .

ما حتی از هواداران حزب، حتی نیروهای دیگری که هوادار حزب هم نیستند، از ضد امپریالیستها و انقلابی های دیگری هم که در جامعه ما همستند، فعالیت میکنند و با حزب ما هم روی خوشی ندارند یا انتقاد دارند، از آنها هم خواهش میکنیم که بوسیله سازمانهای خودشان یا بوسیله سازمان ما، بوسیله نامه، هر چه که هست، هر گونه پدیده فعالی ضد انقلابی را می بینند، این پدیده را حتماً با اطلاع بدهند. حتی کافی است مثلاً، چون یک وقت می بینید یکنفر یک اعلامیه گروه نقاب یا گروه آریا ، یا گروه بختیار را در یک اداره پخش میکند. ممکن است از این آدم مابه یک سازمان مهم ضد انقلابی، پی ببریم . این را کوچک نگیریم رفقاً. هر گونه دمی که از ضد انقلاب پیدا میکنید، این دم میتواند جنبش را به نتایج مثبت برساند . بایستی چشم و گوش انقلاب را هر چه که ممکن هست شنواتر کرد، بیناتر کرد و این وظیفه یکایک افراد انقلابی در تمام طیف نیروها ی انقلابی ایران هست ، نه فقط و وظیفه حزبی افراد حزب توده ایران و هواداران آن

مردم، شماره ۲۸۰، شنبه ۲۱ تیر ماه ۱۳۵۹

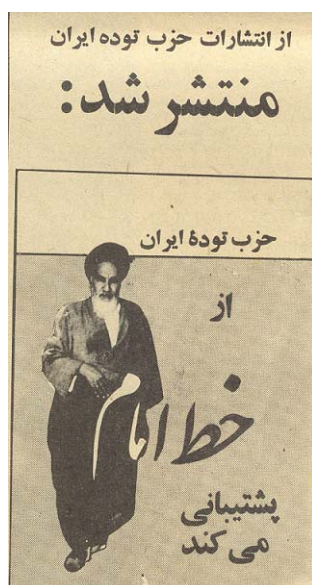
شبکه ضد انقلاب را در میان تاکسیرانان کشف کنید و درهم کوبید!

شبکه عوامل ضدانقلاب در میان تاکسیرانان بسیار فعال است. اینان بواسطه تماس گسترده ای که با مردم دارند علیه انقلاب تبلیغ میکنند، نارسائیهای انقلاب و خرابکاریهای ضد انقلاب را برجسته میکنند، آنرا به پای رهبری انقلاب می گذارند، برای رژیم پیشین و توطنه گران جنایتکاری چون بختیارها، آه می کشند و رژیم منفورپهلوی را می ستایند.

این مزدوران که بطور عمده عوامل ساواک جنایتکار هستند و سازمان یافته به درون این عرصه مهم رسوخ کرده اند، آخرین شایعات و تبلیغات ضد انقلاب را که بوسیله شبکه سیاسی ضد انقلاب ساخته و پرداخته میشود در میان مردم منتشر میسازند. اینان همچنین نقش مهمی در خبررسانی، برقراری ارتباط میان عناصر مختلف ضد انقلاب ایفا میکنند و.....

برای حصول به این مقصود (شبکه ضد انقلاب را که خود را زیرپوشش تاکسیران پنهان ساخته است مورد پیگرد و شناسائی قرار دهند) ما (یعنی حزب توده) پیشنهاد میکنیم که مسئولین باتعین مرکزی برای بررسی این امر، مردم را فرا بخوانند که اطلاعات خویش را در مورد تاکسیرانان ضد انقلابی در اختیار این مرکز قرار دهند، در این زمینه مراجعه به تاکسیرانان زحمتکش و مومن به انقلاب، که شناخت بیشتری نسبت به عناصر مشکوک در میان تاکسیرانان دارند، بازده این امر را فزونتر خواهد کرد و کشف این شبکه مخرب را تسهیل خواهد نمود.

مردم، ۳۳۲، یکشنبه ۲۳ شهریور ۱۳۵۹



بخش نهم : اندر باب ادبیات توده ای !

رفیق کیانوری که آمد؛ انبوه جمعیت از جاکنده شد. هزاران دست ، مشت شده، هزاران صدا هلهله، یک صدا، صداها شد. صداها شور و سرود بود. صداها درود به رهبری حزب بود
مردم شماره ۷۱، یکشنبه ۲۹ مهرماه ۱۳۵۸

از سپیده دمان تا آفتاب ژاله به شهیدان راه انقلاب

مرابه سپیده دمان خواندی/ به سرزمین آفتاب
اماخود، در صبحی سربی فام/ در مرز زمین و آسمان/ محوشدی
ای شهید!/ این پایانی بود برای طلوع دگر باره ات/ آنکه که خون تو بر طاق سربینه آسمان پاشیده شد/ و اینک تو
خود آسمان شده ای / و دمی دیگر آفتاب خواهی شد/ و مرا به سپیده دمان فرا خواهی خواند
مردم شماره ۱۳۱، دوشنبه ۱۰ دیماه ۱۳۵۸

وطن فروشی که می گریخت شبم

همه اورادیدند که می گریخت/ و بالا پوشش در باد تاب میخورد/ بستوه آمده، بی لگام/ با چمدانهای انباشه/ ولی
بامغرتھی/ باباری از خیانت بردوش/ همه اورا دیدند که میگریخت/ همه اورادیدند.....
مردم شماره ۱۳۲، سه شنبه ۱۱ دیماه ۱۳۵۸

حزب احسان طبری . دی ماه ۱۳۵۸

بسی از تورو تافتند، بگذار! ولی تو، چاوش، تو، کاروان سالار/ از سیر در سنگلاخ نفرسودی/ وز رزمیدن
نیاسودی
سربازت بی توقع پوینده/ در تیر بار زجر و افترا/ بشوق سنیغ آینه؛/ و چون کاستی را تیرگی/ و راستی را چیرگی
روزی است/ شکیب بسیار/ تا صبح پیروزی است .
تو آموختی از مغاک خود برون خزیدن/ نام انسان را سزیدن/ تا طارم نور بالا فراختن / چون زرد بوته رنج
گداختن / از دل بستگی گسستن / به و راستگی پیوستن .
تو آموختی به کوی امید در آمدن/ چون خورشید در خویش سرزدن / زیستن را نه موئیدن ، بل سرودن / و زخاره
ستبرنگ روزن گشودن.
تو آموختی پیکار آرمانی را/ شگرد شگرف ارانی را / چه پرتور هادر نهانت/ چه جاده ها: عطر آمیز/ و گلگشت
شهیدانت/ آتش افشان / شور انگیز ، / و ریشه جاویدانت / مژده گو از ستاخیز،

ای مادر، ای آموزگار/ دربندهای جادو هشیارم کن !! / وز بهر سلوکی رنجبار/ سزاوارم کن !

مردم شماره ۱۴۶، یکشنبه ۳۰ دیماه ۱۳۵۸

رهنمون فردا ها . به حزب

گل قاصد/ جهان روشنایی را پیام آور/ از افق آمد/ از شقایق زار ایثار/ از کوچه های بخون تپیده / از معراج
آرزو/ بادیستی پر هاورد، / برای دوست / با سینه ای پرازکین، / برای خصم
با پرچم سرفرازهایی / ابری باران ز/ در خشکسال آرزوها/ لب تشنگان را چشمه / نامردمان را دشنه/
شعرظرفروشوق سفر/ پیامی از سرزمین به زردی / نشسته چهره ها/ کلامی از عصیان شعله ها/ با عشق زلال
وخشم پایدار/ امروز هم چون دیروز/ ای حزب من! / رهنمون باش! / رهنمون فرداها. **ژاله مردم شماره**

۱۵۵، چهارشنبه ۱۰ بهمن ماه ۱۳۵۸

توضیح

تاکنون در « مردم » اشعاری بنام « ژاله » ویا « ژاله ن » چاپ شده است. شایان ذکر است که این اشعار از ژاله بدیع (اصفهانی) نیست .

مردم شماره ۱۸۱، یکشنبه ۱۲ اسفندماه ۱۳۵۸

پیغام

سیاوش کسرانی

آمد/ توفنده گردبادی از راه/ ستار بود/ جوانتر/ تازه نفس تر/ آگاه
ایوان وبام خانه میلرزید/ آرام ایستاد بدرگاه/ سیمای مهربانش در جام شیشه ها/ تصویر هر چه چهره دلخواه/
دستی بروی سینه بر آورد/ بی کلام/ با سینه اش شقایق خون بود/ در سایه روشن اطاقم، / گویا
پچید این صدا/ باز آمدم، بگو! / تبریز منتظر بشما میدهد پیام!

شب بود و در گرفتگی ابردل سیاه/ رخ مینمود ماه اسفند ۵۶

مردم شماره ۱۷۰، دوشنبه ۲۹ بهمن ماه ۱۳۵۸

از انتشارات حزب توده ایران

بزودی منتشر میشود

* زندگی دوباره

* زمین بکر

از آثار رفیق لئونید برژنف

کتاب زمین کوچک که به تازگی انتشار یافته است، نخستین اثر از این آثار سه گانه رفیق لئونید برژنف است .

مردم شماره ۱۷۱، سه شنبه ۳۰ بهمن ماه ۱۳۵۸

درگردهم آئی انتخاباتی بزرگ حزب توده ایران

..... در قسمت بعدی برنامه ، رفیق مریم فیروز عضو کمیته مرکزی و کاندیدای حزب توده ایران برای نمایندگی مجلس شورای ملی از تهران سخن میگوید، هزاران دهان آواز معطر مهربانی و صداقت راندا میدهند:

درود بر شیرزن حزب ما!

رفیق مریم از زنان، از انقلاب، از مشگلات و از مبارزه سخن میگوید، رفیق مریم در گوشه ای از سخنان خود وصیت نامه هوشی مین را میخواند
« کوه ها برای همیشه ماندگار هستند
رودها برای همیشه روان هستند
خلق ما برای همیشه زنده و جاویدان است
آنگاه که ما بر مهاجمین امریکائی پیروز شویم
کشوری ده برابر زیباتر برپا میسازیم »

رفیق مریم گفت « مردم ایران بر امریکای جهانخوار پیروز شده اند، ولی این پیروزی را باید حفظ کرد. اودر کمین است. ما با انتخاب نمایندگان شایسته می توانیم این وظیفه بزرگ را به انجام رسانیم. تنها با انتخاب نمایندگان دلسوز و فداکار میتوان کشوری صدها بار زیباتر ساخت »
سخنان رفیق مریم همچنان « بادرود بر شیرزن حزب ما » بدرقه میشود

مردم شماره ۱۹۲، شنبه ۲۵ اسفندماه ۱۳۵۸

پیام به امریکا

چه می خواهی تو ای دژخیم دوران
از ایران سرزمین قهر و عصیان؟
ز پشتیابی ضحاک خونخوار
نداری شرم؟ شرمت باد از این کار
تو خوددانی که این جلاد تاریخ
گسسته حلقه ی زنجیرشاهی است
که با او بسته شد شهنامه ی ما.
و نامش مرده در تاریخ ما باد
دگر آن روزگاران برنگردد
که بنشینند کسی بر تخت بیداد
کنون ایران پیروز سرافراز
زرنج قرن ها آزاد گشته است
دهان بچه های کوچکی حتی
بجای خنده پرفریاد گشته است
که روز انفجار خشم و کین است
که ایرانی حماسی آفرین است
شرار سینه ها - آتشفشانهاست
نفس ها شعله و راز سوز جان هاست
که هشیار است و بیدار است ایران

و نبض قرن تیدار است ایران.
تجاوزگر بود محکوم تاریخ
جزایش نفرت است و انتقام است
شکستت را چه زودا زیاد بردی
که جاویدان بیاد ویتنام است
شود بی شبهه جنگ افروز مغبون
مکن بازی دگر با آتش و خون
مردم شماره ۲۰۹، یکشنبه ۲۴ فروردین ماه ۱۳۵۹

ژاله (اصفهانی) آذر ۱۳۵۸

جشن خلق

جشن خلق . جشن درکارخانه . جشن درمزرعه . جشن در خیابان . جشن بر مزار شهیدان .
دستی از کارگر ، بر بازوی دهقان ، بازوی دهقان بر شانه ماهیگیر .
جشن خلق . جشن در جنوب تهران . جشن در کپرهای بوشهر . جشن در روستای سیستان .
دستی از نفتگر ، بر شانه بزرگر ، بازوی بزرگر بر شانه سوزن بان .
جشن خلق . جشن در واحه سوزان یزد . جشن در شالیزار . جشن در باغ های نیشابور .
دست تهران ، بر بازوی کرمان . بازوی کرمان بر شانه انزلی . دست هادردست ، مشت بزرگ :

– ایران :

جشن خلق . جشن ایران . زیر باران شکوفه های گیلاس .

مادری : پسرم تیرباران شد . . . / زنی : شویم در شکنجه گاه / کودکی : پدرم در خیابان و شلیک دژ خیمان . . .
صدای خلق :

– مرگ بر امریکا . . .

سرود خلق :

گسست رابطه با شیطان . عشق می ورزیم . پای میکوبیم . شادمانیم .

غریو مردمان :

– برکنیم ریشه امریکا

کارگری : تاکار سرود رهائی بخواند در کارخانه ، در مزرعه

زنی : در شالیزار

مادری : تاکپرهای بوشهر بمیرد

سوزن بان : ناقطارها شقایق بیاورند و عشق در ایستگاههای تنهائی گل کند

و مردمان :

– تا آزاد شود ایران

از یوغ سرمایه

و توده ای . . .
از خلق در میان خلق ، باخلق
پای می کوید، سرود میخواند :
- وطنم ! ایران :

تیرباران شدم تازنده بمانی
خلقم ! کارگر! برزگر!
از معبر خونین شکنجه گذشتم
تافتح کنیم باغ های فردا
دستم را بگیر ایران من
همه باهم بخوانیم یکصدا
ایران ، یک دهان:

- مرگ بر امریکا
نام شاعر ذکر نشده است

مردم شماره ۲۰۹، یکشنبه ۲۴ فروردین ماه ۱۳۵۹

ای بی خبران ، مارا آئینی است !

ای بی خبران مارا آئینی است / آئینی در خدمت انسان و بهروزی / تابناک مانند خورشید، گرما بخش مانند
آتش/ با استغنا درویشان و اینار عاشقان/ باشور پیامبران و قهرمانان.
حقیقت را رها از شائبه سالوس می پرستیم/ عدالت را در دستهای پینه بسته می پرستیم/ زیبایی را در راستای
زندگی می پرستیم/ عشق را در پیوند جانها می پرستیم / رزم را بادیوان آدمیخوار/ وفادار رزم دشوار می
پرستیم.

همه جانبازان راه حق در نزد ما مقدسند/ و همه یاران ستم و دروغ در نزد ما ملعون!
و این ایمان را چشمداشتی نیست/ نه به سکه زر و نه به غرفه رضوان/ نه به کرسی ریاست و نه به تاج پیروزی/
و این ایمانی است چون بنفشه های محجوب / که بخاطر خرسندی خلق / در پای تندیس تکامل نهاده میشود. ا. ط.

مردم شماره ۲۱۳، پنجشنبه ۲۸ فروردین ماه ۱۳۵۹

روزبه

خون به کاکل/ می خرامد/ در چمنزاران آتش/ مردمیدان/ مردافسانه/ سیاوش
برگ و بارش/ مهربانی / روزگارش / داستانی / از تبارش می گریزد/ مرد آتش / بی غل و غش
روزبه / روزش به ازبه / روبه میدانی پرازخوکان فریه/ می رود بامردمانش / « توده » های همزیانش /
تافر و آرد/ چو آرش/ سردو سنگین / نیزه بر مرز زمانش
باد هایش می رباید/ خار و خس/ خاشاک و خاکستر/ درسش سودای انسان/ آتشش را شبگزاتر/ - وین چنین
مغرور/ می شود رویین سرودش/ رایتی/ جان بخش و مرگ آور
روزبه/ روزش به ازبه/ بسترش رود مذاب خلق:

بردیوان دیوان/ تاییفروزیش خشم اخگر/ فرود آریش / صیقل خورده جان خنجر **جلال سرفراز**
مردم شماره ۲۳۱، یکشنبه ۲۱ اردیبهشت ۱۳۵۹

فرمان رهبر، به پیمان حزب سیاوش کسرانی، شهریور ۵۹
سرود آمادگی

ندا میدهد انقلابت که باز / چراغ ننگه دار و آماده باش / به فرمان رهبر، به پیمان حزب/ به پیوند باخلق آزاد
باش
سپاه ددان ازکران تاکران/ زهرسو گرفته ترادرمیان/ براین حلقه ننگ و نامردمی/ نگینی ز خون شجاعت نشان
برآور زداد و زدانش علم/ فراهم کن از خلقها توده ای / که همراه و همگام و همداستان/ بسازیم فردای آسوده ای
به پیوند این دست و بازوی کار/ بشوریم برفوج سرمایه دار/ نمائیم و بیکارپایان دهیم / دگرگونه سازیمشان
روزگار
ممانیم تک قطره های جدا/ دراین شط تاریخ ، یکجا شویم/ برآریم از موجها ؛ موجها/ گران سنگ و جاوید دریا
شویم

وقت است سیاوش کسرانی . ۱۶ مرداد ۵۹
ای توده ، نگارنده تاریخ شمانید/ وقت است که بازش بنویسیم بیانید/ دریای زجا کنده افراشته بالید/ بس موج
بلندا که شمانید، شمانید/ چون ماه بسی درتک شبها بنشستید/ امروز چوخورشید براین بام برآنید/ بیدار بمانید
وفروزنده جاوید / آخرنه شما چشم و چراغ همه مانید!/ از راه گشایان ، کمرروقله گرفتید/ دشمن به کمین است
دراین تنگ ، بیانید
مردم ، ۳۰۳ ، شنبه ۱۸ مردادماه ۱۳۵۹

راه را باز کنید! سیاوش کسرانی ۲۷ آذر ۱۳۵۹
باشما هستم من/ سود و سرمایه و سودا به طمع باختگان!/ باشما شعله به بازار در انداختگان/ مردم و مردمی
از کالا نشناختگان!
به عبث راه مگیرید به خلق/ درگذرگاه چنین سیلی جاخوش مکنید!/ خوش گرفتید ازین پیش مراد دل خویش/
پس ازین بیهده اندیشه ناخوش مکنید!
کی بود عقل پذیر/ پیرهن برتن توفان کردن؟/ به کمندی کت امواج خروشان بستن؟/ گردبادی به قفس افکندن؟/
یا حریق را درمشت به دام آوردن؟!/ از شمایان، همه، می پرسم من. بروید!/ بانگ و فریاد به جای دگر
آغاز کنید!/ خلق ازین راه گذردارد، ای!/ باشما هستم من/ راه را باز کنید!
مردم شماره ۴۰۰، یک شنبه ۳۰ آذر ماه ۱۳۵۹

کاروان امید سایه
کجا بودی ای کاروان امید؟ که عمری دلم انتظارت کشید

ارمغان به حزب توده ایران

ای رهسپران بارگاه مهر / ای پرده دران سحراهریمین / درمقدمتان فشانده تریباد! / کلخنده پرسپاس مردوزن / کاندیرههتان به شوق افشانند.
این راه درازرا نهایت نیست / وین کوره همی شود فروزان تر / این بلبل نکته دان خوش آواز! / ای مژده سرای روزرخشان تر؟ / این خلق بتو امیدها دارد.
بنای ره نبرد را برمن / بپذیرمرا به سلک یارانت / دردل نبود مرا جزاین امید / کزپرتورهگشای ایمانت: / شایسته نام « توده ای » کردم.
بدخواه ترا مجال افسون نیست / امید ستمگران رودبرباد / توشادشوی و خصم نافرجام / باشوق زدل برآوردم فریاد / چون می شنوم پیامت از « مردم » .
درهمه تلاش هستی ساز / درخامشی بزرگ کوهستان / درسینه هرجوان ایرانی / پیچید به شکوه وشوری پایان / آوازه حزب توده ایران .
رئوف - رشت - آبان ۵۹

مردم شماره ۴۲۲، یکشنبه ۲۸ دیماه ۱۳۵۹

قصیده دراز راه رنج تا رستخیز

سیاوش کسرائی ، آذرماه ۱۳۵۷

ازخانه بیرون زدم / تنها / که درخود نمی گنجیدم / چنانکه جمعیت درخیابان و / خیابان درشهر / نه / دلکاسه ، حوصله ی دریا نداشت
جانوری بودم / شاید ازدهائی / که دهانم / درکاربلعیدن « شهیاد » بود و / دم / « پل چوبی » را نوازش میکرد / های های / افسانه ازواقعیت جان میگرفت
هرگام / ازهرگوشه ی شهر / برراهی واحد میدوید / پاهای / فرشی تازه می بافت : / قالی تاریخ نوپائی و نوزبانی / کالی درکردار / ورزش سبک برآمدن / باهم آمدن / امادرمجموع / سماع جادویی اتحاد / مزارع سیاهپوش آدمی / باغچه مشتتهای سفید و / سرود سرخ / شهادت برپرچم و / کینه / درشعر میگرددید / پیری درپپاده رو میگریست و / آینده / دست در دست پدر / یابرسینه مادر / همراه میآمد
دیوارها / دفتر وقایع و آرزو بود و / آشننامه های خلق
بصف میرفتیم که صف شدن را / بسالیان / تومان آموخته بودی: / هر سپیده دمان درصف تیرباران شدگان / به نیم شبان درصف
زندانیان / به نیمروز درصف طویل ملاقات کنندگان / بشامگاهان درصف خواربار / و هرگاه و بیگاه درصف نفت / واینک صف درصف / برابر تو بودیم ای مردمی شکن!
توده ی تیره ای بودیم / خال کبودغم / برگونه شهر / و دربرابر دشمن سربی / کوره ای گداخته ازخشم / نه تبری برای کشتن / اما گرمائی بکفایت برای ذوب کردن
گرچه بسوگی عظیم / برخاسته بودیم / ولی حضور همگان / شادی آورده بود / شور آورده بود / درکربلای حاضر / حسین / نه مرثیه که حماسه میخواست
به کربلای تو آمدم / حسین ! / نه بدان گذرگاه که امتی اندک / باتوماندند و / ماندگار شدند / باتو آمدم ببدان مهلک / که معبرملتی است / و نه بدین تو / که بائین تو / از سر صداقت / بشهادت

باتو آدم / تا عاشورا را با عشار برم / بعشرات برم / تا این گلگونه را / درشت کنم / درشت ترکم / و شنی از خون
بر آرم / شایسته اندام برم
درمن بنگر حسین ! / نفتگرم / خدمتکارم / آموزگارم / طواف و بار برم / قلمزن و اندیشه گرم / نهال نازک اندوه نه /
درخت خون / از ریشه ی سهمگین حسرت .
در پیگیری رد خون ، حسین ! / به کسان رسیدم / به بسیاران / تا شبنم سرخ تو نیز / بر من نشست و شگفتم / و اینک
/ راهی دراز بایدمان رفتن / نه از پل به میدان / و نه از مدینه بکوفه و کربلا / راهی از رنج تا رستخیز / از ستمشاهی
تابداری .
تنها رفتم و / خلقی بخانه باز آدم / گندمی / که در غلف لاغر خویش / خرمنی با خویش آورد .

بخش دهم : اندر باب شوخی با تاریخ !

یاد هزاران شهید فرقه دمکرات آذربایجان گرامی باد!
۲۱ آذر ۱۳۲۴ روز قیام خلق آذربایجان برای دفاع از آزادی، استقلال و تمامین ارضی ایران، صفحه ای درخشان در تاریخ جنبش رهایی بخش ضد امپریالیستی ملت ایران
مردم شماره ۱۱۵، چهارشنبه ۲۱ آذر ماه ۱۳۵۸

مردم شوروی خاطره دکتر محمد مصدق را گرامی میدارند
رادیو مسکو، در بخش فارسی خود، بمناسبت سالروز درگذشت دکتر محمد مصدق گفتاری پخش کرد
مردم شماره ۱۸۷، یکشنبه ۱۹ اسفند ماه ۱۳۵۸

پیام تبریک لنونید برژنف به امام خمینی
به مناسبت شصتمین سالگرد برقراری روابط دیپلماتیک میان اتحاد شوروی و ایران
مردم، ۲۳۹، سه شنبه ۳۰ اردیبهشت ماه ۱۳۵۹

رفیق فرانتس موری ، صدر حزب کمونیست اتریش در مصاحبه با نامه مردم :
حزب کمونیست اتریش عمیقاً از انقلاب ایران دفاع میکند
[بدنیت بدانید که حزب کمونیست اتریش چیزی حدود ۱۰% جمعیت ۷ میلیونی اتریش عضو دارد!]
مردم، ۳۲۹، چهارشنبه ۱۹ شهریور ۱۳۵۹

بخش یازدهم : اندر باب پایان خواب و خیال « پرگیا »

درسی و هشتمین سالروز تاسیس حزب توده ایران و آغاز انتشار مجدد « مردم » توسط مردم

دفتر « مردم » گلباران شد

دفتر « مردم » در حضور رفیق نورالدین کیانوری دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران و عده ای از اعضای هیئت سیاسی و کمیته مرکزی، توسط نماینده دادستان کل انقلاب گشوده شد
مردم شماره ۵۸، شنبه ۱۴ مهرماه ۱۳۵۸

بمناسبت باز شدن دفتر « مردم » بر اثر غزل مشهور مولوی

بازگشائی

ای توده کجائید؟ بیائید! بیائید!

برخانه خود در به گل و نقل گشائید!

شد بار دگر نوبت شادی من و تو

غم از بر مارت و ستم دیر نیائید

یاران خطر کار، دگر باره رسیدند

وقت است کز این غربت جانسوز در آئید!

گر چند گهی صحبت «مردم» نشنیدید

امروز به همخوانی او نغمه سرانید!

از یار بخواهید یکی شمع شب افروز

بر راهروان دل شب، راه نمائید! ۹ مهر ۱۳۵۸

مردم شماره ۶۰، دوشنبه ۱۶ مهرماه ۱۳۵۸

سرود دریا سیاوش کسرانی

چرا نیالم/ چرا نتوفم/ چرا نتایم/ چرا بال موج بر نکم! /؟ اینک که از هر ساحلم/ با آواز میخوانند/ اینک که از هر کرانه / بازوی هزاران جویبار و شط / عاشقانه/ در من گره میخورد! /

مردم شماره ۱۲۱، چهارشنبه ۲۸ آذرماه ۱۳۵۸

اینست منطق ضدانقلاب!

بمب گذاری ضدانقلاب در دفتر حزب توده ایران در اراک

مردم شماره ۱۲۴، یکشنبه ۲ دیماه ۱۳۵۸

اطلاعیه دبیرخانه کمیته حزب توده ایران

علیه تجاوز به دفتر «مردم» به شدت اعتراض میکنیم

ساعت ۲ بعد از نیمه شب دوشنبه ۱۰ دیماه، سه وسیله آتش زا بسوی دفتر «مردم» ارگان مرکزی حزب توده ایران و محل دبیرخانه حزب - خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸ - پرتاب شد. یک بطری دارای مواد محترقه بدیوار اصابت کرد و زبانی ببار نیاورد. یکی دیگر روی بالکن مشتعل شد و سیمهای تلفن راسوزانید و سومی پنجره اطاقی راشکست و روی میز کار افتاد و اسناد و کاغذها و یک دستگاه تلفن را طعمه حریق ساخت و به درودیوار و سایر وسایل زینانهائی وارد نمود

در این واقعه ما دست جنایتکار ساواکی ها را می بینیم که امروزه به لباسهای مختلف درآمده اند و بانامهای گوناگونی علیه نیروهای پیگیر ضد امپریالیستی عمل میکنند. بنابه سابقه موجود، همدستی و همزبانی برخی از گروهکهای مائوئیستی، که آبروی نداشته خود را بر باد می بینند و از گسترش روز افزون نفوذ حزب توده ایران در میان زحمتکشان و پیروزی اندیشه های اصیل و راستین انقلابی سخت نگران شده و دچار خشم عاجز و دیوانه کننده ای گردیده اند، در چنین حوادث جنایتکارانه غیر محتمل یا عجیب نیست..... دبیرخانه کمیته مرکزی

حزب توده ایران ۱۰ دیماه ۱۳۵۸

مردم شماره ۱۳۲، سه شنبه ۱۱ دیماه ۱۳۵۸

۳ رفیق توده ای را به « جرم » فروش نامه « مردم » در اهواز ۷۵ ضربه شلاق زدند

حزب توده ایران ضمن ستایش از اصولیت، بردباری، مقاومت و هشیاری سه رفیق توده ای بشدت به این حکم غیرقانونی اعتراض میکند.

مردم، شماره ۲۵۳، یکشنبه ۱۸ خرداد ماه ۱۳۵۹

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران :

بمناسبت حمله و اشغال دبیرخانه حزب توده ایران

دیروز، روز سی ام تیرماه، سالروز قیام متحد نیروهای خلق و به ویژه عمل متحد توده ایها و مبارزان مذهبی علیه توطئه امریکائی انگلیسی در بار طاغوت، دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران و مرکز سازمان جوانان و دانشجویان دموکرات ایران مورد حمله و چپاول قرار گرفت. افغانهای وابسته به گروههای امریکائی - افغانی و گروهک ضدانقلابی - مائوئیستی حزب رنجبران در این توطئه شرکت فعال داشتند.

حمله و تخریب دفتر مرکزی سازمان جوانان و دانشجویان

مردم، شماره ۲۹۰، چهارشنبه ۱ مردادماه ۱۳۵۹

محل دفتر نامه مردم فعلا در اشغال عناصر غیرمسئول است

مردم شماره ۳۰۳، شنبه ۱۸ مرداد ۱۳۵۹

کاخ بیداد را زین کنسیم خانه حزب را کنیم آباد

کمک به خانه حزب:

ارسلان از تنگ دره ۳۰۰۰ ریال

یعقوب پور ۱۰۰۰۰ ریال

جمع آوری پول برای ساختن خانه حزب توده ایران

محل دفترنامه « مردم » فعلا در اشغال عناصر غیرمسئول است

مردم شماره ۳۰۸، شنبه ۲۵ مردادماه ۱۳۵۹

حمله به دفاتر حزب توده ایران را متوقف کنید

.....مقصود از این حمله، تخریب و غارت دفاتر سازمانهای حزب توده ایران - حزبی که با استواری و پیگیری در پشتیبانی صادقانه از انقلاب شکوهمند مردم ایران برهبری امام خمینی، هرگونه تهمت و افتراء، هجوم و تعرضی از راست و « چپ » را تحمل کرده است، چیست، آنهم هنگامیکه دشمن اصلی ما، امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم امریکا تدارک گسترده توطئه تجاوز جدی نظامی علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را دیده است؟ آیا این حملات مداوم خود بخشی از همین تدارکات زمینه توطئه امپریالیسم امریکا علیه انقلاب ایران نیست؟!.....

دفترنامه «مردم» هنوز در اختیار نامه «مردم» نیست

مردم شماره ۳۲۳ یکشنبه ۱۱ شهریورماه ۱۳۵۹

حزب توده ایران « خانه تیمی » ندارد

اخبار و شایعاتی انتشار می یابد که در وضع حساس کنونی، پاسخگوئی به آنها را وظیفه ای ضروری و جدی میبشمریم.

مخالف و منابع معینی، دانسته و یا ندانسته، میکوشند به حزب توده ایران برچسب هرج و مرج طلبی و توطئه گری بچسبانند، برای نمونه دوماطلب زیر را، که متأسفانه هردوی آنها در روزنامه « جمهوری اسلامی » منتشر شده، نقل میکنیم.

مطلب اول: « یک گزارش دیگر از خیرگزاری پارس دربندریگ حاکی است که بعد از ظهر پیرروز نیز در این بندر میان هواداران مجاهدین خلق، حزب توده و چریکهای فدائی خلق از یکسو و جوانان مسلمان از سوی دیگر زود خورد شدیدی روی داد، در این درگیری چندتن بوسیله سنگ و چماق و چاقو مجروح شدند.... »
جمهوری اسلامی ۱۰ شهریور ۵۹

مطلب دوم، که زیر عنوان « کشف خانه تیمی حزب توده » منتشر شده، چنین است:

« روابط عمومی دادستان کل انقلاب جمهوری اسلامی ایران طی اطلاعیه ای اعلام داشت، بحکم دادستانی کل انقلاب اسلامی انتشارات پویا و انتشارات رزم واقع در خیابان انقلاب خیابان فخر رازی - بن بست فرهاد پلاک

۳۳ که از پایگاههای حزب توده بوده و درلوی انتشارات از این محل بعنوان خانه تیمی نیز استفاده میشده، توقیف گردید» جمهوری اسلامی ۱۱ شهریور ۵۹
مطالب دیگری نیز با همین روح در جاهای دیگر انتشار یافته است، که برای رعایت اختصار تنها به ذکر نمونه فوق اکتفا کردیم

اطمینان داریم که مسئولان متعهد امور مملکتی و توده های وسیع مردم آگاه و هشیار و بیدار ایران، که طی مدت ۱۹ ماه پس از انقلاب در عمل و تجربه روزمره خود با موضوع روشن و سیاست حزب توده ایران آشنا گشته و حتی الفت و انسیت گرفته اند، شایعات و اخبار بی اساس از قبیل نمونه هائی که در بالا ذکر شده را بهیچوجه باور نمیکنند و حتی به آن میخندند. ولی بهرحال لازم می آید مطالب زیر را بار دیگر با صراحت تمام و قاطع اعلام نمائیم که :
حزب توده ایران در هیچ بلوا و غوغا و آشوبی شرکت نکرده، نمیکند و نخواهد کرد، و خبر شرکت در زد و خورد و خبر « کشف خانه تیمی حزب توده» مطلقاً حقیقت ندارد و نمیتواند داشته باشد
..... حزب مادر همه جا و حتی در مناطقی چون کردستان، که همه امکانات برای هر خرابکاری بدون مجازاتی آماده است، یگانه حزب و نیروئی است که در زیر شدیدترین مخاطرات و گلوله های ضد انقلاب، مردم را به همبستگی با جمهوری اسلامی ایران، افشا و طرد ضد انقلاب و پایان مقابله و مخاصمه با جمهوری اسلامی ایران فرا میخواند..... حزب توده ایران، همه اعضا و هواداران حزب ما، در همه جا دوش بدوش نیروهای اصیل انقلابی، نهادهای انقلابی و همه مسئولان متعهد جمهوری اسلامی ایران پاسدار قانون و نظم انقلابی، تفاهم و اتحاد و همبستگی انقلابی بوده و هستند . ما وظیفه مقدس تاریخی خودمان را میدانیم و همگان باید اطمینان داشته باشند که حزب پرافتخار ما، در همه شرایط و اوضاع و احوال، از صراط المستقیم دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، حتی یک طرفه العین منحرف نخواهد شد
مردم شماره ۳۲۴ یکشنبه ۱۲ شهریور ماه ۱۳۵۹

تیرهای نامه « مردم » شماره ۳۲۷ :

کارزار دروغ و بهتان علیه حزب توده ایران را متوقف کنید
توسط اشخاص متفرقه ! دفتر نشریه کارگری « اتحاد » اشغال شد .
دستگیری سه توده ای در بندر ديلم بعلت کشف نشریات یک سازمان سیاسی دیگر!
رادبو، از زبان کیهان، علیه حزب توده ایران
نامه آقای محمود اعتمادزاده (به آذین » صاحب امتیاز و مدیر روزنامه « اتحاد مردم » به دادستان کل انقلاب، در اعتراض به اشغال دفتر این روزنامه توسط افراد غیرمسئول
دستگیری ده تن اعضا و هواداران حزب توده ایران در اراک
تشنج و درگیری در کسما نیز سرایت کرد و دفتر حزب توده ایران در شهرستان کسما اشغال شد
نامه « مردم » روز دوشنبه ۱۷ شهریور ۵۹، بمناسبت سالگرد جمعه خونین منتشر نمیشود
دفتر نامه « مردم » هنوز در اختیار نامه « مردم » نیست

مردم شماره ۳۲۷ یکشنبه ۱۶ شهریور ماه ۱۳۵۹

کارزار ضد توده ای: بسود امپریالیسم امریکا، برهبری امپریالیسم امریکا، و مقدمه اجرای توطئه امپریالیسم امریکا است.

هشدار مایه عناصر ناآگاهی که در این کارزار شرکت دارند، اینست که: در دام کارزار ضد توده ای نیفتید و ناخواسته به دشمنان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران کمک نکنید!

.....**امیرانتظام** که معتقد بود « حزب توده ایران به موجب قوانین موجود (قوانین شاهنشاهی) غیرقانونی است و تالین قوانین لغو نشده اند، بقوت خود باقیند»

همان کسی است که جاسوس سیا از کار درآمد و خشم میلیونی مردم ایران را بدلیل تلاش برای کشاندن انقلاب ایران به راه سازش با امپریالیست، علیه خود برانگیخت

نژیه که آرزوی جزایمال ساختن استقلال ایران و آزادی مردم ایران بسود اربابان جنایتکار امپریالیست خود ندارد، اعلام میکند که: « اولین هدف انقلابیون باید نابودی آخوندهای طرفدار خمینی و رهبران سرسپرده حزب توده باشد! »

بختیار، عنصر خود فروخته و سرسپرده ای که توسط مردم انقلابی ایران، از کشور بیرون رانده شد؛ میگوید: « بعد از اینکه بقدرت برسم (!) اولین خصم من حزب کمونیست توده است » و « اگر بقدرت برسم، تمام احزاب را آزاد خواهم گذاشت، مگر حزب توده که آنرا نابود خواهم کرد » و « حزب توده نماینده مسکواست » ایران

تایمز ۲۰ مرداد ۵۹

مردم شماره ۳۳۶ پنجشنبه ۲۷ شهریورماه ۱۳۵۹

نگذارید چماقداران جمهوری اسلامی را بی اعتبار کنند

گروهی اشخاص بی مسئولیت، که عمل آنها برای جمهوری اسلامی زشت و سنگین است. برخلاف تاکیدات امام خمینی، تصریح قانون اساسی و سخنان مقامات مسئول، همچنان به اشغال خانه حزب مودقترنامه «مردم» در تهران و دفاتر و مراکز فروش نشریات حزب در شهرستانها ادامه میدهند

امام خمینی میگوید:

س: شما حزب کمونیست را غیرقانونی میدانید؟

امام خمینی: حکومت اسلامی ما متکی به آرای عمومی خواهد بود و همه احزابی که برای مصالح ملت کار کنند، آزاد خواهند بود. از مصاحبه امام خمینی با خبرنگار گاردین ۱۰ آبان ۱۳۵۷

س: در جمهوری اسلامی آیا حزب کمونیست آزاد خواهد بود؟

امام خمینی: اسلام بیش از هر دینی و بیش از هر مسلکی به اقلیت های مذهبی آزادی داده است. در جمهوری اسلامی کمونیستها نیز در بیان عقاید خود آزادند. از مصاحبه امام خمینی با روزنامه هلند « دی ولت کرانت » ۱۶ آبان ۱۳۵۷

س: در مورد آزادیهای دمکراتیک، میخواهیم بدانیم آیا کمونیست ها و مارکسیست ها آزادی اظهار عقیده و بیان خودشان را دارند یا نه؟

امام خمینی: دولت اسلامی یک دولت دمکراتیک به معنای واقعی هست..... و هر کس میتواند اظهار عقیده خودش را بکند..... و دولت اسلامی همه منطق ها را با منطق جواب خواهد داد از مصاحبه امام خمینی

باگروهی از خبرنگاران غربی، ۱۸ آبان ۱۳۵۷

س : آیا در حکومت اسلامی، مارکسیستها آزادی عقیده، آزادی بیان عقیده دارند؟
امام خمینی: در حکومت اسلامی همه افراد دارای آزادی در هرگونه عقیده ای هستند، ولیکن آزادی خرابکاری ندارند. از مصاحبه امام خمینی با نماینده سازمان عقوبین المللی، کیهان ۱۹ آبان ۱۳۵۷
امام خمینی : هنگامیکه حکومت اسلامی در ایران ایجاد شود، مارکسیستها آزاد خواهند بود خواسته های خود را بیان کنند، اما آزادی توطئه علیه کشور را نخواهند داشت پاسخ امام خمینی به خبرنگار روزنامه لبنانی اللوا، کیهان ۲۶ دی ۱۳۵۷
س: آیا احزاب آزاد خواهند بود؟

امام خمینی : احزاب و همه مردم آزادند، مگر حزبی که مخالف مصلحت مملکت و مردم باشد اولین مصاحبه امام خمینی با خبرنگاران ایرانی، کیهان ۳ بهمن ۱۳۵۷
آزادی بیان و قلم و عقیده برای همگان آزاد می باشد، ولیکن مردم توطئه را هرگز اجازه نمیدهند از پیام امام خمینی چهارشنبه ۹ اسفند ۱۳۵۷
آزادی بیان هست هرکس هرچه میخواهد بگوید. آزادی بله و توطئه نه . . . سخنرانی امام در گورستان بقیع قم ۱۹ اسفند ۱۳۵۷

پس چرا؟

امام خمینی زبان گویای توده های میلیونی، تاکید امام بر آزادی مارکسیستها؛ یاران انقلاب، در مصاحبه های متعدد، بیان خواست مردم انقلابی است
قول امام خمینی ، وثیقه انقلاب است، قولی که قانون اساسی هم بر آن صحنه میگذارد و تائید میکند.....

ماباز هم می پرسیم : با وجود تاکیدات مکرر امام خمینی، تصریح قانون اساسی و سخنان مقامات مسئول چرا « اشخاص متفرقه » اجازه می یابند به اشغال ها و حمله های خود ادامه دهند ؟
ماباز هم میخواهیم : هرچه زودتر خانه حزب ما و دفترنامه «مردم» در تهران و دفاتر و مراکز نشریات حزب را در شهرستانها به ما پس بدهید

مردم شماره ۳۳۶ پنج شنبه ۲۷ شهریور ماه ۱۳۵۹

دفاتر حزب توده ایران را باز پس دهید

تا امکان دفاع حزب ما از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران گسترش یابد

قریب به ۳ ماه از اشغال غیرقانونی دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران، دفتر مرکزی نامه « مردم» در اهران و نیز دفاتر حزب و نامه « مردم» در شهرستانها میگذرد، ولی متأسفانه علیرغم مخالفت جدی و صریح مسئولین درجه اول جمهوری ایران باین اعمال غیرقانونی، هنوز « حق به حقدار» نرسیده است و هنوز دفاتر حزب توده ایران که هیچگونه ایراد قانونی به فعالیت آن وارد نیست، در اختیار حزب توده ایران قرار نگرفته است.....

حزب توده ایران علیرغم توطئه های ضد انقلاب و با تحمل دشواریهای فراوان توانست توطئه های امریکا و رژیم صدام حسین و دیگر دستیاران امپریالیسم امریکا را مرتباً افشا کند و اخبار آنرا در اختیار مسئولین جمهوری

اسلامی ایران قرارداد..... شرط انصاف، صداقت انقلابی و تعهد نسبت به انقلاب و جمهوری اسلامی ایجاب میکند که هر چه سریعتر اماکن حزب و نامه « مردم » در تهران و شهرستانها به حزب توده ایران بازپس داده شود

برقراری اتحاد همه نیروهای ضدامپریالیستی و دموکراتیک در جبهه متحد خلق کارگران مبارز ایران! در یکدست با بازار کار و در دست دیگر با اسلحه از میهن انقلابی دفاع کنید برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحدشویم!
مردم شماره ۳۵۷ سه شنبه ۲۲ مهرماه ۱۳۵۹

سه عضو حزب توده ایران در میاندوآب آزاد شدند

سه رفیق توده ای را در تهران آزاد کنید
سه هوادار حزب توده ایران دریم را آزاد کنید
دفتر نامه « مردم » هنوز در اختیار نامه « مردم » نیست
مردم شماره ۴۱۲، سه شنبه ۱۶ دیماه ۱۳۵۹

۳ هوادار حزب توده ایران دریم آزاد شدند

ماضن ابراز خوشحالی از آزادی این رفقا، خواستار اتخاذ تدابیری برای ممانعت از وقوع مجدد این حوادث، که به زیان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران تمام می شود، هستیم ، دفتر نامه « مردم » هنوز در اختیار نامه « مردم » نیست
مردم، شماره ۴۱۶، یکشنبه ۲۱ دیماه ۱۳۵۹

دفاتر حزب توده ایران را بازپس دهید

نزدیک به ۶ ماه از اشغال دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران و دفتر مرکزی نامه « مردم » توسط عناصر غیرمسئول می گذرد.
مردم شماره ۴۱۸، سه شنبه ۲۳ دیماه ۱۳۵۹

خانه حزب توده ایران را بازگردانید.

عناصر « مغرض » باید به مجازات قانونی برسند و افراد « نادان » باید هدایت شوند
مردم شماره ۳۳۲، یکشنبه ۲۳ شهریور ۱۳۵۹

تسلیت : ضایعه اسف انگیز درگذشت فرزند حجت الاسلام محمد مجتهد شبستری نماینده محترم مجلس شورای اسلامی را به ایشان و خانواده محترم شبستری صمیمانه تسلیت میگوییم
صفحه اول مردم شماره ۳۳۳، دوشنبه ۲۴ شهریور ۱۳۵۹

رفقای توده ای ما را در کردستان آزاد کنید

برای مقابله با تجاوز نظامی امریکا ، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود
چریک ها با پای لنگ به دنبال مارکسیسم
شناخت دشمن اصلی - امریکا - مهمترین ویژگی خط امام
مردم شماره ۳۳۵، چهارشنبه ۲۶ شهریور ۱۳۵۹

دفترنامه « مردم » هنوز در اختیار نامه « مردم » نیست

مردم، ۳۳۷، شنبه ۲۹ شهریور ماه ۱۳۵۹



بخش دوازدهم : آخر خط !

آبان ماه ۱۳۵۹

پس از دو هفته « مردم » باز دیگر اجازه انتشار یافت. قطب زاده در ۱۷ آبان بازداشت شد. این بار گفته شد که حزب اسنادی در اثناء او ارائه داده است..... در حوزه حزبی رفیقی گفت: « جانمی جان، زور مابه قطب زاده چربید، دیگر چیزی نمونده ! یک کم دیگر جای پایمان را سفت کنیم ، بعد یک کودتائی، چیزی، بعدش هم شوروی را می گوئیم بیاید. مثل افغانستان..... به به !»
قطب زاده پس از سه روز آزاد شد جزوه « باگام های فاجعه» ف. شیوا ، از انتشارات حزب دموکراتیک مردم ایران، پائیز ۱۳۶۸، آلمان غربی

یکشنبه ۱۷ بهمن ماه ۱۳۶۱ شمسی

دربامداد دردل سیاهی شب که هنوز به صبح نپیوسته بود، بطور همزمان به خانه های اعضای رهبری و کادرهای اصلی حزب یورش آوردند وعده بسیاری را دستگیر کردند. در ساعات صبح همه دفاتر و محل کارشعبه ها ونواحی حزب نیز تسخیر و ضبط شد و کارکنان آنها دستگیر شدند از جزوه « باگام های فاجعه» ف. شیوا ، از انتشارات حزب دموکراتیک مردم ایران، پائیز ۱۳۶۸، آلمان غربی

[در تابستان سال ۱۳۶۷ هزاران تن از زندانیان سیاسی در زندان های ایران و منجمله «زندان اوین» بدون محاکمه و تنها به جرم وابستگی به سازمان های سیاسی چون مجاهدین ، فدائیان خلق (اقلیت و اکثریت)، سازمان های مائونیستی، ومخالفت با رژیم اسلامی حلق آویز و یادرزیر رگبار مسلسل جان سپردند. **روانشان**

شاد باد

در میان این لشکر عظیم زنان ومردان بیگناه تعداد زیادی افراد توده ای نیز دیده میشد. این گروه که تعدادشان هم کم نبود برخلاف بقیه، سردعوا با رژیم اسلامی نداشتند و تالحتظه دستگیری بی چون وچرا از جمهوری اسلامی ورهبران آیت الله العظمی خمینی (امام خمینی) تبعیت میکردند.

من براین گمانم که اکثر آنان تا آخرین ثانیه حیات ، حتی نمیدانستند که چرا و برای چی فدا میشوند وجان میدهند

روانشان شاد باد.

اسامی تعدادی از اعضای حزب توده ایران که در زندان های جمهوری اسلامی حلق آویز یا

تیرباران شدند:

کیومرث زرشناس

منوچهر بهزادی

سیامک بهزادی

مهرداد فرجاد

عبدالحسین آگاهی

ابوالحسن خطیب
اسماعیل ذوالقدر
حجری بجنستانی
مهنزارشدهی
خسرواسدی
ابوتراب باقرزاده
محمدپورهرمزان
دکترجعفرجاویدفر
حسن جودت
جهانگیرجهان بخش
ابراهیم چاووشی
عباس حجری بجنستانی
گاگیگ (اوانسیان)
هدایت الله حاتمی
دکتر احمد دانش
اصغر محبوب
تیمورراوندی
آصف رزم دیده
ناصر شاهسوند
فرج الله میرانی (جواتشیر)
امیر هوشنگ ناظمی (نیک آئین)
رحمان هاتفی
وصدها تن دیگر

درویت سایت یا « وب نوشت های مسعود برچیان www.borjia.net/2006/09/blog-post.html چنین آمده است:

« پس از آنکه یکی از افسران اطلاعاتی روسیه بنام کوزیچکین به غرب پناهنده شده بود. اطلاعات ارائه شده توسط او درباره عملکرد سازمان جاسوسی شوروی و حزب توده، توسط سازمان جاسوسی انگلیس به پاکستان داده شد و از این طریق به دست ایران رسید. بالین وجود، پنج ماه (مهرماه تا بهمن ۶۱) طول کشید تا برخورد عملیاتی با حزب توده آغاز شود. پس از این موج (که به ضربه اول مشهور شد) دومین عملیات گسترده در اردیبهشت ۶۲ انجام گرفت و بسیاری از فعالان حزب توده را به دام انداخت (ضربه دوم). حزب در این فاصله، همچنان زیر نظر بود و فعالیت هایش رصد میشد. در واقع فعالیت های حزب توده از زمان کشف اسناد سازمان مخفی حزب در خانه ی مهدی پرتوی (رئیس سازمان مخفی حزب) در سال ۵۸ زیر نظر بود. حزب توده به جز سازمان مخفی، سازمان نظامی خود را نیز حفظ کرده بود. این سازمان پس از انقلاب موفق به جذب ناخدا افضلی، فرمانده نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی شد که در آذرماه ۱۳۶۲ محاکمه و محکوم به

اعدامشد. پیش از محاکمه ی او چندتن از سران حزب در اردیبهشت ۶۲ در سیما ظاهر شده و به خطاهای خویش اعتراف کرده بودند: محمد علی عموی (عضو ارشد سازمان نظامی حزب)، محمود اعتمادزاده معروف به «به آدین» (از روشنفکران عضو حزب که چندی پیش درگذشت) و احسان طبری (نظریه پرداز ارشد حزب) از جمله ی این افراد بودند. سران حزب حتی در دادگاه علیه یکدیگر دست به افشاگری میزدند و همدیگر را وادار به اعتراف میکردند. ناخدا افضلی در پی افشاگری های مهدی پرتوی در دادگاه، ناچار مجبور به اعتراف شد. در پی این دو عملیات گسترده؛ سران حزب محاکمه شدند. ناخدا افضلی اعدام شد. کیانوری دبیر اول حزب و نوه ی شیخ فضل الله نوری به زندان و پس از آن به حبس خانگی تا پایان عمر به همراه همسر خود مریم فیروزتن داد. احسان طبری نظریه پرداز ارشد حزب سال هائی چند به اعترافات خویش ادامه داد و چند کتاب در نقد مارکسیسم و حزب توده و دفاع از اسلام و انقلاب اسلامی نوشت. پرونده حزب توده نیز در اردیبهشت ۱۳۶۲ برای همیشه بسته شد»

* * *

نورالدین کیانوری، محمد علی عموی، محمد مهدی پرتوی، حسن قائم پناه، مریم فیروز پس از اعدام های دسته جمعی زندانیان سیاسی از زندان آزاد شدند، کیانوری تا سال ۱۳۷۰ در زندان اوین بازداشت بود، پس از آن تا سال ۱۳۷۵ در آپارتمانی به همراه همسرش تحت مراقبت ویژه قرار داشت و بعد از سال ۱۳۷۵ با آزادی کامل بمنزلش در خیابان سنائی بازگشت.

« از مصاحبه محمد علی عموی با روزنامه عصر آزادگان و آفتاب امروز»

] کیانوری در تاریخ ۱۳۷۸/۸/۱۴ در تهران فوت کرد و پرونده « آرسن لوپن » حزب توده موقتا (!) بسته شد. احسان طبری متولد ۱۲۹۵ در ساری، در تاریخ ۱۳۶۸ شمسی در سن ۷۵ سالگی بمرگ طبیعی فوت کرد حمید صفری، حبیب فروغیان، ژیلای سیاسی، در خارج از ایران بسر میبردند، شمس الدین بدیع توانست بموقع تهران راترک کند، بدیع افسرنیروی هوائی بود در وقایع آذربایجان و شکست فرقه دموکرات (۱۳۲۵) به شوروی پناه برد و اوایل انقلاب با کارنامه کلاس چهارم دبستان (بجای گذرنامه) وارد تهران شد و به هنگام یورش به حزب توانست بموقع با کمک قاچاقچیان از مرزبازرگان از ایران خارج شود، چندسالی در مسکوبسبرد و بعد به همسر - ژاله اصفهانی - و دو پسرش در لندن پیوست و در هفتم ژانویه ۲۰۰۵ در سن ۸۵ سالگی در خانه سالمندان درگذشت؛ قابل ذکر است که دکتر بدیع و کیانوری هیچ زمان باهم میانه خوبی نداشتند و بدیع جدا از بدنه کمیته مرکزی و در زیر چتر (مقامات شوروی) فعالیت میکرد و در تهران هم بهمین نحو فعال بود، سیاوش کسرانی از راه افغانستان به مسکوفت، در مسکوپاقت نیلورد و به وین به همسرش پیوست و در ژانویه ۱۹۹۶ پس از جراحی قلب در بیمارستان وین فوت کرد

برای اطلاعات بیشتر از هجوم رژیم به حزب توده و دستگیری رهبران حزب به جزوه « باگام های فاجعه» از ف. شیوا، از انتشارات حزب دموکراتیک مردم ایران رجوع کنید. بابک امیر خسروی و فرهاد فرجاد دوتن از اعضای کمیته مرکزی حزب و عضو « باند کیانوری» تا آخرین لحظه بر خط مشی فاجعه آور حزب صحه می گذاشتند.

بابک امیر خسروی قبل از دستگیری ها برای معالجه به خارج از کشور آمد، فرهاد فرجاد مسئول حزب در اصفهان و از شیفتگان خاص « پدرکیا » توانست برخلاف برادرش مهرداد فرجاد که دستگیر و تیرباران شد، از ایران خارج شود، این دو بعد ها در اروپا از تنمه حزب انشعاب و حزب «دموکراتیک مردم ایران» رابریا کردند. [

نکاتی از جزوه « با گام های فاجعه »:

۱۱ مرداد ۵۹

کیانوری در حاشیه جلسه « پرسش و پاسخ » در پاسخ رفیقی که درباره علل حمله به دفتر حزب می پرسید، از جمله گفت:

..... به دلیل سالها تبلیغات منفی دشمن، اینها حق دارند که از ما وحشت داشته باشند و به ما اعتماد نکنند، وقتی که می بینند ما می توانیم شبکه مهمی مثل شبکه نوژه را بشناسیم و خبر بدهیم، از قدرت و امکانات مابه وحشت می افتند و به تحریک بعضی از دست اندرکاران به فکر می افتند که ادامه فعالیت های ما را محدود کنند. در جریان اثناء همین کودتای نوژه، ما مجبور شدیم دوتا از مهره های مهم مان را، دونفر از رفقای ارزنده را قربانی کنیم و لو بدهیم تا باور کنند که ماراست می گوئیم. مدام فشار می آورند و می گفتند اطلاعات شما کجاست و از کجا می دانید. این دور رفیق را هم گرفتند و یکی را هنوز آزاد نکرده اند

بهمن ۵۹

در جلسه حوزه حزبی رفیقی در بحث با رفیق دیگری که از یک رهنمود ابراز نارضایتی میکرد؛ گفت : رفیق ! شما اصلا میدانید حزب یعنی چی ؟ کار حزبی چگونه است ؟ مرکزیت دموکراتیک به چه معنی است ؟ این دیگر بر ما مسلم است که رهنمودی که از بالا می آید، مقدس است. مثل فرمان نظامی است. لازم الاجراء است. باید با جان و دل به دنبال اجرای آن رفت. دیگر ایراد گرفتن چه معنی دارد؟ آن بالا، رفیق، رهبری حزب طراز نوین طبقه کارگر است. شوخی که نیست ! مغز متفکر هدایت کننده حزب است. آنجا رفقا همه چیز را می دانند و همه چیز را می بینند. خرد جمعی که میگویند یعنی همین ! یعنی همه اطلاعات آن بالا جمع میشود، رفقا تصمیم میگیرند و بعد رهنمود لازم را صادر میکنند. اگر زمانی نکته ای بود که برای ما روشن نبود، باید حتم بدانیم که اشکال از خود ماست و گرنه رفقای رهبری بر تمام مسائل آگاهند. خودشان همه چیز را میدانند. باید فکر کنیم که حتما علتی دارد که رفقای رهبری فلان تصمیم را گرفته اند و این علت را ممکن است لازم نباشد که ما بدانیم. اصلا خیلی وقت ها این طور پیش می آید که لازم نیست ما خیلی چیزها را بدانیم.

اسفند ۵۹

سر دبیر مجله « جوانان امروز » را با همراهی یک عکاس از موسسه اطلاعات به منزل سیاوش کسرائی بردم تا با کیانوری مصاحبه کند. در میان بحث سر دبیر گفت:

فکر میکنم شما مسلمان شده اید، یا شاید من دارم به عقاید شما نزدیک میشوم.

مهر ۶۰

طبری گفت : من فکر میکنم که امپریالیسم دارد آخرین نفس های خود را می کشد و برای همین اینقدر ها و عصبی

شده است . احساس من این است که درمیانه همین دهه ۸۰ یا حداکثر تا سال نود کم کم طلیعه های جهان بدون امپریالیسم را خواهیم دید .

آبان ۶۰

حزب برای تامین امکان ادامه فعالیت علنی ، فهرست اسامی اعضاء رهبری (منتخب پلنوم ۱۶ و آن عده که در جریان مبارزات انتخاباتی در نشریات حزبی معرفی شده بودند) و نشانی آنها را در اختیار دولت قرار داد.

آذر ۶۱

یکی از افراد نزدیک به یکی از عالیترین مقامات دولتی خواستار ملاقات با طبری شد. طبری را به خانه ای بردم تا با او دیدار کند. پس از دیدار ، در راه بازگشت طبری گفت :

این یکی از مسلمانان علاقمند به سوسیالیسم و حزب ماست. طفلک نگران شده و میگوید « ترا به خداکاری کنی که اقتصاح بعد از کودتای ۲۸ مرداد پیش نیاید. همه جا نقشه قلع و قمع شمارا میکشند. اقلا بخشی از رهبریتان را از زیر ضربه خارج کنید، شاخه های مهم تشکیلاتتان را کور کنید، منظم و حساب شده عقب نشینی کنید ، اقلا امکاناتی برای فعالیت های بعدی باقی بگذارید. امکان ندهید همه چیز را یک جا نابود کنند. نگذارید همه گیر بیافتند و اعدام شوند، یا در زندان بیوسندو یک نسل تباه شود». اما رفیق کیای ما مرتب اطمینان میدهد که هیچ خبری نیست و اینها همه سروصدا است و در آن بالا کسانی هستند که مانع حمله به ما هستند. اصولا حرف زدن در جلسات با حضور کیا کار سختی است . او مانع ایجاد فضائی میشود که کسی حرفی بزند و نظری بدهد. اوراقی بین حاضران پخش میکند که بخوانند و نیمی از وقت جلسه به این شکل میگردد و بعد مطالبی کلی اضافه میکند، یا آنکه حتی این کار را هم نمیکند و میگوید تحلیل مسائل را درنوار « پرسش و پاسخ » شنیده اید ، یا خواهید شنید ! و جلسه تمام میشود. البته او اطلاعات وسیع تری دارد . خیلی چیزها میداند که هیچ وقت نمی گوید و ارتباط های فراوانی دارد، آدم هائی دارد که مازان بی خبریم . شاید هم حق باوست ، اما این دوست مسلمانان مرد نازنینی است . خواهش و التماس میکرد که « یک کاری بکنید که مثل بعد از ۲۸ مرداد نشود»

دی ۶۱

طبری گفت : این مردک، لاجوردی، دیوانه است! رفقایمان عموی و شلتوکی را خواسته بود که به دیدنش بروند. رفقا بررسی کردند و قرار شد که عموی تنها برود و رفت به زندان اوین به دفتر کار لاجوردی. اما این مردک بعد از قدری چاق سلامتی، وسط خنده و شوخی ناگهان گفته است « هیچ میدانی که الان میتوانم تورا اینجا نگهدارم و اصلا دستور اعدامت را بدهم؟» رفیقمان گفته « خوب، بله! می دانم که این کارها از تو ساخته است!» لاجوردی گفته « ولی نترس ! الان این کار را نمیتوانم! میتوانی بروی ! « رفیقمان پرسیده « پس برای چه کاری احضارمان کردی؟» او جواب داده « هیچ ! آخر ناسلامتی ما سالها هم زنجیر بودیم ! دلم برای توو آقارضا (شلتوکی) تنگ شده بود! خواستم ببینم که اگر احضارتان کنم ، با پای خودتان می آید یا نه ! « ولی این را هم بدان که اگر لازم باشد اعدامت کنم ، می کنم و همزنجیری و غیره هیچ اهمیتی برایم ندارد!» عجب دیوانه ای است ! این حرف ها کاملا بوی دیوانگی میدهند!

پایان